

نهادهای انتظامی و سبودهای سیاست

رئیس‌جمهور رئیس‌جمهوری رئیس‌جمهوری



Ketabton.com



گلزار

گلزار

1552/1027/1

های سرگانی خاص گنر، اسمار، چو گس،  
نور گل و زنگ که در باخ ولایت گنر گرد  
آمده بودند رسائیده شد.

\*\*\*

جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای  
ناحیه اول حزبی میان پنج بعد از ظهر ۲۹  
نور در قصر سرور وزارت امور خارجه تشکیل  
و در مورد نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحث صورت  
گرفت.

در آغاز بعد از آنکه هیات رئیسه جلد ۴  
به اتفاق آراء تایید گردید سلطانعلی کشمند  
عفو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای  
القلابی معاون صدر اعظم و وزیر پلان جمهوری  
ایران کرده نتایج دومین پلینوم کمیته مرکزی  
حزب ویانی تاریخی ببرک کارمل منشی عمومی  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
رئیس شورای انتخابی و صدراعظم را در

دومن پلینوم کمیته مرکزی با ارزش ارزیابی  
نمود.

\*\*\*

نایشگاه عکاسی عربوت به المیانی ۱۹۸۰  
مسکو تحت عنوان مسکو والمیک عصر ۳۰  
نور از طرف مسافت کبرای اتحاد جماهیر  
شوری سوسیا لیستی به همکاری وزارت  
اطلاعات و کلتور در سالون پناروالی کابل  
افتتاح شد.

در مراسم افتتاح این نایشگاه داکتر ااهیتا  
راتب زاد وزیر تعلیم و تربیه و رئیس انجمن  
شوشنی افغان و شوری شاه محمد دوست وزیر  
امو رخارجه بعضی از اعضا شورای القلابی  
کدرهای بر جسته حزب و کارمندان عالیه  
دولتی، سفیر کبر اتحاد شوری و بعضی  
از سفاری کبار کشورهای دوست مقیم کابل  
اشتراك نموده بودند.



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انتخابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان و مقیمه رام سانهی عیین وزارت خارجه هند رابرای ملاقات بحضور یزدیرفتند

ولایت هرات بر گزار شد به مردم زحمتکش  
و سایط و پرده جات طرف فضروت ریاست  
میخانیک فواید عاصه به قیمت اضافه از پنج

میلیون و نیصد و هشتاد و چهار هزار دالر از

کمینه های اتحاد شوری، جکولساکیا،  
رومانیا و چایان منتظر گردید.

فقط پدرخواست وزارت معاون و متابع

خریداری شصدهزار خریطة بولی ایلین  
فسروت فابریکه کود مزار شریف با افتتاح

لیتراف کریدت آن از کمینه تویزی جما بانی  
منتظر شد.

\*\*\*

درودها و شادباش های صمیمانه ببرک کارمل  
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

خلق افغانستان، رئیس شورای انتخابی و صدراعظم

جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲۹ نور

شورای انتخابی و صدراعظم روز ۲۶ نور

توسط عبدالجید سر بلند عفو کمیته مرکزی

وزارت ها، درباره مسائل آنی تضمیم اتخاذ

الفلاحی به مشترک و نایندگان مردم ولواحی

## احتمال وقایه

مدیدهد ببرک کارمل منشی عمومی  
حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس  
مدیدهد، از طرف ببرک کارمل منشی عمومی  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
رئیس شورای انتخابی و صدراعظم جمهوری  
دو مکاری انتخابی افغانستان تلکرام تبریکیه به  
مناسب انتخاب چیون میانویج بعیث رئیس  
ریاست جمهوری جمهوریت فدرالی سوسیالیستی  
یوگوسلاوی عنوانی موصوف به بلگراد مخابره  
گردیده است.

سلام های گرم ببرک کارمل منشی عمومی  
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان،

روز ۲۹ نور در مقر شورای انتخابی جلسه نمود.

شورای انتخابی و صدراعظم روز ۲۶ نور

غور و صدور فیصله روزی یاک سلسه بیشنهاد

حزب، عفو شورای انتخابی و وزیر اطلاعات

و کلتور طی گردیدم آن وسیع که در باخ

نمود:



سلطانعلی کشمند عفو بوروی سی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای انتخابی، معاون صدر اعظم وزیر امور پلانگذاری هنگام ایجاد بیانیه در جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای نا حیه اول الف حزبی

# درین متماره

رفقا! حزب دموکراتیک خلق افغانستان یک ارگانیزم زنده است که نشکل دایعی با

ارتباط ناگسترش به تغیرات اقلایی جا مده تکامل می نماید.

ببرک کارمل

شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹ - ۲۴ می ۱۹۸۰

## دست ذیو و هند صلح و دوستی بسوی همایگان

را برای خود ایجاد نمایند. خلق افغانستان  
مهم است تا از آزادی واستقلال کشور و از  
حقوق خود برای تعیین نظام اقتصادی و اجتماعی  
شان دفاع نمایند.

بعد از یخش این اعلامیه یکبار دیگر برای  
افغانستان راه اصولی را در پیش گرفته بودند.  
یکجا با مردم به یکپاره ادایه ندادند و قدرت  
جمهوری دموکراتیک افغانستان را بناریخ  
صلح و موده نمایند. ملکه داشته و آنچه را اعلام  
نمی‌نماید صادقاله در جوش للاش من ورزد.  
آن نیز مداخلات ارتقای و اهرلیزم باز هم  
جنابه مطبوعات جهان بصورت وسیع و گسترده  
بیشتر از پیش وسعت یافت و بدینخته این  
از آن استقبال نمودند.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد  
یکبار در مقابل هر عمل اقلایی دولت ما  
از مرحله نوین انقلاب تور که با قیام آجده  
و در مقابل آرمان های والی مردم ما در جهت  
تامین صلح و آرامش در منطقه که شهه به  
آن واقعاً نیاز دارند عمل بالا مثیل صورت گیرد  
و این دست صلح و دوستی، صفا و حمیمت  
و این دست صلح و دوستی، صفا و حمیمت  
رامست و صداقت که علا شرایط گردیده خلق  
های کشور های منطقه را هر چه بیشتر باهم  
به ارتباط استناد مو لق مداخلات خارجی در امور  
افغانی حسن نیت خود را در جهت دوستی با  
کشورهای منطقه و جهان اعلام داشتند و درین  
آغاز گردید، از همان روز اول با تصریفات  
نهایت درجه ای از آرام نه نشست چنانچه  
در حیات اجتماعی مردم اعلام داشت دولت جهان  
افغانستان اقلایی را بر سمت شاخت و روایت  
افغانستان آزاد و مستقل درگام اول بادول  
همایه تامین گردید و افغانستان فیض مانانه  
در جوگان برو گرام های سازمان ملل منحد  
و دیگر سازمان های بین المللی در خشید.

این بروزی و کامگاری مردم مستبدیله و  
مقابل پیاده گردید باز هم همی انسانی هارا  
کشور های همایه در آغاز گردیده این عمل  
دو باوه دوستی با مردم منطقه تغییر نماده و  
این روابط بالاخره جوشش خورد و استحکام  
جمهوری دموکراتیک افغانستان هر گز بس  
کشورهای افغانستان و پاکستان اعلامیه ای  
تایپ بوده نمی تواند واگر چه تخریباتی در  
مقابل پیاده گردید باز هم همی انسانی هارا  
کشور های همایه در آغاز گردیده این عمل  
این روابط بالاخره جوشش خورد و استحکام  
جمهوری دموکراتیک افغانستان سر چشم  
میگردید که اهیت و مقامش در تاریخ معاصر  
ارتجاع و اهرلیزم می باشد که عاملین  
منطقه با ارزش بوده و نیت صادقاله دوستی  
افغانی افغانستان را در زمینه ثوستی باکشور  
می یابد.

آتیجه درین میان روش ام است شکست  
ارتجاع و اهرلیزم می باشد که عاملین  
اصلی ایجاد و تشنجه ونا آرامی، تشویش و  
دهشت الکنی در منطقه و جهان است.

به پیش در جهت اکتشاف روابط دوستانه  
جنابه در همین اعلامیه می خواهیم «خلق  
خلق های منطقه».

افغانستان می خواهد در شرایط صلح، اکتشاف  
زنده باد مردم سر بلند افغانستان  
بر افرادیه باد در فرض صلح و دوستی میان  
میانات دوستانه و همکاری با همایگان کشور

لیازی به ایلات ندارد که دولت جمهوری  
دموکراتیک افغانستان، دولت قانونی مردم  
این سر زمین گپشمال و تاریخی می باشد که  
اکنون یاکام های جدی و اقلایی بر همراهی حزب  
دموکراتیک خلق افغانستان و علی رغم نهایت  
توطه ها شانزده و سهده دلایل های از جمیع  
و غیره او شبکه های تغیری امیر بالیستی به  
پیش میروند و این نیاز بسیم زمان است که باید  
افغانستان اقلایی به پیش رود و هر خس و  
حاشاکی را که در مقابلش قرار گیرد از مردم  
راهن جاروب نموده و طبق پلان در جهت ترقی  
و تعالی مردم این وطن اهداف اقلایی را تعیین  
نماید.

به این ارتیاعاً، بعد از انقلاب شکوهمند  
لور، آنگاهکه دولت جمهوری دموکراتیک  
افغانستان همی و پروگرام دکن گونی ها دا  
در حیات اجتماعی مردم اعلام داشت دولت جهان  
افغانستان اقلایی را بر سمت شاخت و روایت  
افغانستان آزاد و مستقل درگام اول بادول  
همایه تامین گردید و افغانستان فیض مانانه  
در جوگان برو گرام های سازمان ملل منحد  
و دیگر سازمان های بین المللی در خشید.

این بروزی و کامگاری مردم مستبدیله و  
دانگله افغانستان آتش بیان دشمنان سوکند  
خورد خلق اکنند و از داخل و خارج شبکه های  
تخریب امیر بالیستی بصورت مشخص در امید  
داخلی افغانستان مدخله نمودند تا آنجایی  
انقلاب از میسر آن به بیراهه کشانده  
شد و خلیفه الله امین در راس قدرت قرار  
گرفت و تا توالت در سر کوبی تهی و اقلاب  
در زمان واقعی و سر سرده گان راه آزادی  
و استحکام و معاشرت مردم کوشید و چه جنایات  
نایخشنودنی و شرم اوری که بباباند آدمکش  
و چالش هر تک گردید؟

اما مبارزان، فرزندان آنگاه و صدیق مردم  
آنها بیان که در حزب دموکراتیک خلق  
های سلمان و تمام نول جهان حیات نویش

افغانستان خواهان صلح و دوستی با همه  
کشورهاست

نگوشی کوتاه و شتابنده بددو شریه تازه  
کشور

ذمود دموکراتیک جمهوری دولت اسا سی  
امول به دموکراتیکو....

سلسله گفت و شنود ها و نشست های  
اختصاصی ژوندون در میزگرد

اعلامیه حکومت جمهوری دمو کسرا تیک  
افغانستان

دکور په لارکی

تصویب اصول اساسی ج.۱، ۲، ۳، ۴ فراغ  
است در جهت پیروزی

زنان آزادهای هایین مشعل داران را مازادی

در محکمه فایلی چه خیر است؟

عشق بمالسان

شرح پنجم سوم:

هموطنان سلطنتور تختکش و وظیفه است  
کوچی ما دویاره به آغوش گرم و پر از محبت  
در وطن برمی گردند و با حزب و دولت ملی  
دموکراتیک خود یکجا در کار و پیکار اقلایی  
در راه اعمار وطن هدست می شوند.



ప్రాతి

هوجى مىن، دز يار كىسا نو دلارى  
ستۇ سر غەندوی

کندھی په ۱۹۷۵ کال دویتنام د خلکو یا میانه اونشوروی اتحاد یه مادی او معنوی  
مرستی سره داهریتکی امېریالیزم نفیرمان دویتنام خخه و شپول سو نریولو نه مخکی او زیات د  
ازادی خو پیونکو خلکو له خولی ندهو چي-  
مین نوم اوریدل کیده داخلکه چي دغه متر  
شخصیت پدغه لاره کی یعنی د خبل هیواز  
دخلاصون او خپلواکن یه لاره کی نه ستی-  
کیدونکی مبارزی یی نر سره کیده ق-  
دویتنام ویتنام خلک دخو لسیزو یه اوپدو  
کی دخو برغلکرواد نیری کونکو امېریالیستی  
او استعماری قوتونو یه ویاندی یه فېرمانی سره  
جنکیلی دی او ددغه زیده ورو مبارزو یه ترڅه  
کی یی نه یواخی دخبل هیواز ، بیوالی ، اړی  
تمایت او خپلواکن تر لاسه کېږي ده بلکښی  
دسمې یعنی دا سیا دجنبوب خېټې سیمه  
انقلابی غور خنځونه او لېټونه من هېډیاژویی  
کوونکو قوتونو یر تسد جنګوکن هوجی مین  
ترټولونه لووړ ستره او ددرنواوی لووړ خیړه  
پلل کېږي داخلکه چي دنه ستر شخصیت د  
ویتنام دخلکو خادلانه او فېرمانانه مبارزی  
رهبری کېږي دی . هوجی مین ټیو متر هلي  
فېرمان په خپل دخلکو فېرمانانه مبارزی  
قام یه قلم یه دراډندي او دېږی توپولی پوری  
رسولی دی . هوجی مین خبل او ندې خبل وطن  
او خپل دخلکو دنیکمرغی یه لاره کر وق  
کړو له هډی اهله دهه نوم دویتنام له  
نوم سره چوخت یه تاریخ کی لېټ شوی دی  
او دهه سکار نامې دویتنام دخلکو به زهولو کن  
خاص خای لري . هوجی مین دخبلو خلکو د  
مبارزو دېټنګو لیکو یه سر کی نړیواله ته  
دنه حبیت یه ډاګه کړه چي دخلکو دارادی  
او قوت نه پورته هیڅ بل قوت نشته ، دلکه  
چي دخلکو ولسيزو یه اوپدوکن سره له دی چي  
ویتنام خو خلی دېږي کوونکو استعماری  
قوتونو لهېږي سره مقامن شو اوان دنې  
متر امېریالیستی هیواز خبل ټول قوت اوقدرت  
سره و نشو کړای چي دویتنام دخلکو تصميم  
او اراده دا زادی یه لاره کی هانه کېږي .  
هوجی مین ۱۸۸۰ د ۱۸۸۵ کال دهی یه نو لسمه  
نېټه هډنګی تین یه ولايت کی له یوهمنو  
کورنۍ کی زیردالی ق- . دنه ولايت دنکو دالیزما  
او استعمار دلاس پوځی حکومتوو سره یه  
مقاؤمت کی دیر نوموئی ق- . هوجی مین کله  
چي دلکر کولو سن له درمسیډ تصميم یې ټیو  
چي دخبلو خلکو دزغورنی له لاره کې فعالیت  
وکړي .  
۱۹۹۱ د ۱۹۹۵ کال دجون یه میاشت کی هوجی مین  
لڅویله دلکه خاوند شو او دههانه کال د آګه  
یه میاشت کی دخبل هیواز دموټ حکم  
دمسټر یه توګه وټاکل شو او دستاپېر یه توګه  
لېټه یی دویتنام دموکراتیک جمهوریت او  
کړه . ۱۹۹۶ کال دمارج یه میاشت هوجی  
لاره د ۱۹۴۵ په راتی کال کن دیږي  
هوجی مین پېړورو واډه سات سره پېړی  
او دخبل خېږیدا او لېټی سره یې مخاطب  
زیاتی اغیزی لاندی راوسته . هوجی مین  
حتی دخبلو مخالتانو له خوا هم احترام کېږي  
ههه یه هندوچین اووه لړی کی دملی خپلوا  
شونستني ، دانګلابی افکار اوروش دلار سود  
توله اوهدنا را ز دیو انقلابی او سیاسته  
یه توګه یه هندوچین او دنې یه توړو سب  
کی نوموئی د . هوجی مین دلومړی خ  
لاره د ۱۹۴۵ په راتی کال کن دیږي  
دلکه خاوند شو او دههانه کال د آګه  
یه میاشت کی دخبل هیواز دموټ حکم  
دمسټر یه توګه وټاکل شو او دستاپېر یه توګه  
لېټه یی دویتنام دموکراتیک جمهوریت او  
کړه . ۱۹۹۶ کال دمارج یه میاشت هوجی

اعلامیه حکومت ج، د. ایکبار دیگر ثابت‌هی کند که:

# افغانستان خواهان صلح و

## دوستی با همه کشورهاست

که این حسن نیت دولت و حکومت ما بارویی  
غیر دوستانه‌ونا عاقبت‌اندیشانه‌ی مخالف‌حکومه‌ی  
پاکستان واجه گشت و آن دولت نه تنها در  
برابر این موضع گیری صلح جویانه حسن  
نیت شان نداد بلکه خلاص پاکستان را محل  
تریبه و مسلح نمودن عناصر ارتقایعی و شرور  
ساخت و پیاده کنندی نقشه‌های سوء امپر-

۲۴ تور ضمن نشر اعلامیه‌ی موضع اصولی،  
صلح خواهانه و واقع بین‌المللی مردم افغانستان  
را توضیح نمود. یعنی همانطوری‌که مبارها  
گفتند ایم ارتش محدودیکه بنا بر درخواست  
مردم و حکومت قالوئی افغانستان به کشور ما  
و دووغین فروانی را برای اشغال نزدیکی ایم  
آمده برای تجاوز و اشغال نزدیکی برای یاری  
رسانیدن به مردم افغانستان در راه دفع و طرد  
تجاوزات ارتقایع منطقه، ارتقایع امپریالیستی  
وارتاق شوونیستی صورت گرفته است و هر  
زمانیکه این تهدیدات مرتفع شود ضرورت  
وجودیت این قوا نیز از بین می‌رود. تأثی  
اینکه اسلام برای اولین بار در افغانستان  
باشکوه واقع و راستین آن ساحه‌ی فعالیت‌یافته  
است و دولت وزعمت انقلابی مباره‌ها طی  
اعلامیه‌ها یا بیانیه‌ها و بالخود و موضع در اصول  
پاکستان، امریکا، چین و سایر کشورهای  
امپریالیستی و تجاوز گزینند. این معاقول در تبلیغات دووغین خود اول است  
دووغی امپریالیستی افغانستان نامید مؤکدا طرفداری  
اسلام و بخاطر بودن؟! اسلام در افغانستان را  
طرح او تبلیغ می‌کند. تالی آنها کمک‌های  
متعدد مادی و معنوی کشور نوست و پسرانه  
افغانستان یعنی اتحاد شوروی را بخصوص  
کمک‌نظایر اعزام دسته‌های محدود نظایر آن  
کشور را که به اراده و خواست خود مردم  
افغانستان و برای طرد تجاوز بیگانه بخصوص  
از خلاص پاکستان و به اساس معاہده‌ی دسمبر  
۱۹۷۸ صورت گرفته است، قلب جلوه داده  
و آنرا به اصطلاح تجاوز بر افغانستان فلسفه  
می‌کند و بالآخره بسیار بیشترانه تبلیغ  
صورت می‌گرفت و صورت می‌گیرد که گویا  
افغانستان از طرف اتحاد شوروی اشغال شده  
است. این تبلیغات و تحریکات و روح برآنکه  
ها بحدی وسیع و لحاظ کمیکه صورت گرفت  
که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان  
یکبار دیگر جهت برهملا شدن واقعیت تاریخ  
همسایه اعلام‌میدارد حکومت مردم افغانستان با به  
بیروزی رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک  
ضد امپریالیستی، ضد فتووالی و ضد کمپراند  
وری یعنی انقلاب تور تصمیم راسخ، قاطع  
و خلی نایدیر دارند که به بیش بسوی آرمان  
های والای انسانی بروند اگر امپریالیزم و

مردم افغانستان در طول تاریخ به دوستی  
وصلح بین همه مردمان و کشورهای گیش  
علاوه‌نده بوده و است همانطوری‌که می‌دانیم افغانستان  
که در تاریخ بین‌المللی راه ابریشم نامیده شده  
است، بود و مردمان سایر کشورهای افغانستان  
را بیجیت یک کشور نوست شناخته و باطنیان  
کامل به این کشور رفت و آمد نموده و هکندا  
در نیجه‌ی این رفت و آمد ها علیق نزدیک  
دولت‌انه بین مردمان افغانستان و سایر کشور  
ها بخصوص کشورهای هم‌جوار قایم می‌شد.  
ولی با تأسیف باید اظهار داشت که در گذشته  
ها چون حکومات ارتقایع و فتووالی نمایندگان  
واقع مردم ما نبودند و تها از طبقات حاکمه‌ی  
ارتقایع وقت نمایندگی می‌گردند نمی‌توانند.  
ونمی خواستند روحیه‌ی صلح جویانه و حسن  
نیت مردم هارا در قبال مردمان و کشورهای  
جهان انکاس نهند از همین‌رو شولت های  
ارتقایع سابق بیچ موضع صورت سیاست ماندانه  
و واقعی را بیش نمی‌برند بلکه سیاست نزدیک  
قدرت واراده‌ی شان تکیه بزند بزیر می‌افکند  
و نایابند می‌کنند. زمام مرحله‌ی نوین  
و تکاملی انقلاب نور دوباره افغانستان انقلابی  
رابه راه اصلی و صراط المستقیم سوق دادند.  
چنانچه ببرگ کارمل طی بیانیه‌ی ملی و تاریخی  
شام ششم جدی ۱۳۵۸ خوش‌غم اراله خلیش  
می‌باشد نوشت در ساحه‌ی سیاست خارجی  
منجمله فرمودند:

«... دولت افغانستان در حالیکه انقلابی  
ملی و اسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی  
نوده های عظیم خلق های برادر ایران را شاد  
پاش می‌گویند، ایتکار نزدیک و تحکیم‌نوسنی  
میان دولت نوست را که رشته های متبرک  
تاریخی بهم بسته دارند و در ماهیت امور  
کوچکترین اخلاقی در بین نیست، در نیت  
خواهد گرفت...» هم چنان درین بیانیه موضع  
سیاسی و همسایگی نیاک افغانستان انقلابی  
در قبال کشور همسایه‌ی ما پاکستان باحسن  
لیت فراون چنین ابراز شده است: «ملل  
افغانستان و پاکستان یاهم رشته های در عرصه  
نایدیر برادری دارند. دولت افغانستان از  
طريق مذکرات دولت‌انه با زمامداران مسؤول  
پاکستان، در راه رفع هر گونه اختلافات  
و موضع تفاهمات، صادقانه و پر از رانه سعی و  
لانش خواهد کرد...».

از تاریخ نشر این بیانیه در حدود پنج ماه  
می‌گذرد جمهوری دموکراتیک افغانستان بادید  
بی‌خصوصی و حوصله‌ی فراخ منتظر عمل بالمثل و  
دولت‌انه بی‌تولی بکمال تأسیف باید اظهار داشت

لایذیر امود عسکری را از رفاقتی شوروی  
خویش فرآگیرند و از تجارت ارزانه شان  
ستفاده بینند، دروسی که در کوهها و  
محراها، بو لیستونها میدان های انداحت  
رمیدان های در یوری تا نک ها پیش برده  
میشود باشد با مهارت و توانایی می قابل  
بالاچتهای توأم باشد...»

د افغانستان دخلک دمو ګراتیک ګو نه  
عملی آزادی یخیو نکي اړیدو د لارښوده به

وگه، عنوان مضمون با ارزش دیگری  
ست بیرا هو ن رهبری خرد مندا نه و علمی  
و اصولی حزب از اردو که برید جنرا ل  
گل آقا رئیس عمومی امور سیاسی جمهوریت  
موکراتیک افغانستان آفرا به نکار دش آوردند

متحف باخوا ندگان • عنوان

و اردوی قبر ما نه نفس شایسته خود را  
ایضا نماید.

انقلاب و حلن و مردم ما یا نشستن اگونه  
گون و محیل در فبرد اند ، روزنامه «حقیقت  
سریا ز » در امر افشا ی جنایت ها ،  
تجاویز ، تو طله ها و دسایس امیریالیزم  
و دیگر نشستن مردم ما بر علیه منافع حیانی

ملی خلق ما ، در امر انگلستان و قفقاز  
کاری ، تاییری و قبیر مانی های افسر ان  
سر با ذان و خرد فسایطان از دوی آزادی  
بخش ما که در منگر دفاع از انقلاب بوطن  
ومرد مردانه می رزمند و در امر نفو بت  
روحیه سریطانه وفاداری بوطن ، مردم  
و انقلاب نقش رس عظیم را باشد اینها  
نمایند .

روز نامه «حقیقت سرباز» با ید بازیان  
بی تکلیف و ساده حقیقت گوی خود، آموزش  
گذار، رفیق ویا ر ویاور خواهی برای سربازان  
و افسران قوای مسلح همچنان توانست

برید جنral محمد رفیع وزیر دفاع ملی  
با تکا رسی زیر عنوان «از میهن انقلابی  
تاریخ دفاع کنید» با تحلیلی همه جا نه  
از او خسارت و شرایط کتو نی انقلاب در  
برابر با تدهای خراب کار و خساد انقلاب  
موجو دید قطعاً محدود کشور دوست مانند  
اتحاد شوروی را به خاطر جلوگیری از تفویض  
امنیتی خود کنند

فروزی میداند و در این مورد چنین می‌گذارند:

۲۰۱۳-۰۷-۰۶

نخستین شماره نشریه «حقیقت سربازه» در هشت صفحه به قطع روزنامه از نشریه آمد. این نشریه تا زده که حیثیت اول گذاشت، وزارت دفاع کشورها را دارا بوده و عینده دار پیش و گستر س آشنا است. و داشت در میان سربازان، افسران و کارکنان امور نظامی کشود میباشد. بدین شک باجهت گیری مثبت و فعلی اثرا نی خسود بعد از این موقف برخواستند و ترین روزنامه کشور را در میان سربازان و افسران وظمه دست آورد که رسانید امور نظامی من وظفای اکثر خواهد داشت.

بیس کار مل منشی عمومی کمیته  
مرکزی حزب دموکراتیک  
خلق افغانستان - رئیس شورای انتظامی  
وصدراعظم جمهوری دموکرا تیک افغانستان  
با تو جهیز که به نقش سازند و مطبوعات  
در این مطلع خاص نا ریبع بر شکوه کشور  
ما نارند ، در پیا می عنوانی این نشر یه  
که در صفحه اول آن یه نشر رسیده

است خاطر نشان می سازند که :  
«... قبل از بیروزی انقلاب تور - در دوران زما مداری و زیم های فاسد فیو ذاتی سخن از روز نامه نظا می در میان نبود، زیرا هیات های حاکمه ای وقت از عرض چنین ادعا کان نشر آن در اهر بسیج و روستگری سیا می در میان نظا میان در هرا س بودند، آنها از ره آورد فکری این چنین ارگانی در میان توده های سر باز و الفسر می تر

میبد ند...»  
 ببرک کارمل بعد از تحلیل او غایی  
 که در مجموع خود مو چب پیروزی القاب  
 نور در کشور ما سگر دید در هورد رسالتی  
 که این نظر به یا بد آنرا به عنوان مشی  
 نظر از خود پنهانیود چنین تا کید می  
 کنند:

... روزنامه «حقیقت سریاز» باشد  
سریاز تا ب صادق حقیقت پیروزی انقلاب نور  
در برا بر خدمت انقلاب باشد.

روز نامه با يد در راه تطبیق نظر یات  
انقلابی، حظ دست آوردهای انقلاب نور،  
فراخوانی مردم در راه ساخته افغانستان  
نوین، آباد، مر فه، هتر قن و سر بلند،  
تحکیم و شته های گست نا پذیر عینی  
بین توده های ملیو نی مردم زخت کن

افغانستان و فا دار ملکتري . شعری زیر  
نوان « به لنین » « اعلانات ، و فایع، حوان  
د جهان، پهناور »

رویداد های معمولی کشور های متفرق.

در قلمرو فرهنگ و هنر، «مسابقات المپیک ۱۹۸۰» اهمیت سواد، عنا وین دیگری است که در  
حسینیین شماره نشریه «حقیقت سرباز» به  
چشم می خورد و نشان مید گردند که گردانند  
گان این روزگار مه نه تنها کو شیده اند  
در منشی نشرا تی این نظر به با از زش به  
آنها هن دسانی در زمینه های مسلکی و  
پیلو های سیاسی و اجتماعی او لیت هارا  
بر نظر بگیرند - بلکه با گرده آوری های  
جالبی که در یخشان های فرهنگ و هنر،  
ورزش، خا طره تو یمسی به بیو گرا فرس  
وهو قصو عات اعلا عات و خبری دارند هیچ  
گوله تو قع خوا نند و مشکل پسند را از یک  
روز نا به خبری و آموز شی از یاد نبرد  
اند تا آنجا که اگر شماره های این  
نشریه گلکسون شود خوا نند در اخیر  
سال در واقع صاحب دایریت المعا د فی  
شده است که از زش تگهدا ری در کتابخانه

نشر نشریه «حقیقت سرباز» را که به زودی  
حیثیت روزنامه را خواهد یافت به وزارت  
دفاع ملی - به همه روشنگران جایده  
سربازان و افسران اردوی قبرمان  
الفائزان و خوانندگان و علاقمندان آن  
وکارگران باذوق آن صمیمانه شاد باش  
میگوییم و آرزو داریم این روز فاتحون  
در وسالندن بیام‌های انقلاب و اهدا فوالای  
آن هر روز پیروز تر از روز پیش باشد.



مطلعی به کجا انجا میده است با تو جای  
ازش که این شفاخانه ها مخصوصا  
در شرایط کنونی در معالجه بسیار  
ولایات دارد و وزارت صحت عامه چند  
تبا ویزی را برای تکمیل آن تراوی  
است؟

- چون شفاخانه های فعلی در ولايات  
همتوانست بسیورت صحیح چشیدگی  
نیاز مند بیانی مردم گردند و ناگزیر  
محبوب بودند برای تداوی خوب بسیار  
شفاخانه های مراکز هرچند نهایت وزارت  
صحت عامه دولت جمهوری دیو گرفتند  
الآنست این با پیروی از خطوط اساسی  
کشور برای جلوگیری از تراکم مردم  
در شفاخانه های مرکزی عدم سفر گرانی  
مردم تصمیم گرفت درینج ولایت کشور  
شفاخانه های حوزه پیش فیت ۲۰۰ الی  
۵۰۰ پسر اعمار نهاد.

با اعمار این شفاخانه های نسبتاً خدمات  
صحی به بیانی و سیطر و خوب بسیار  
صورت خواهد گرفت بلکه بعیت بسیار  
مرکز ریسیج و ترینگ فعالیت نموده  
در ساعت مختلف از آنها استفاده خواهد  
آمد.

شفاخانه - حوزه کند هار - در اوخر سال  
۱۳۵۷ پیش فیت ۲۰۰ پسر استفاده کنند  
وشروع به فعالیت نموده است از این شفاخانه  
بر علاوه اها لی ولایت کند هار مردمان  
ولایت ارز گان هلمند - نیمروز و زابل  
استفاده میشانند.

شفاخانه حوزه هرات :

کار ساخته ای شفاخانه مذکور  
پیش فیت ۲۰۰ پسر در سال ۱۳۵۵ دریافت  
دستگاه ساخته ای بنا شده است از  
آخر سال ۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد  
پیشرفت نموده است اینده بیرون نموده  
سال ۱۳۶۰ کار ساخته ای آن خانه  
آمده بپرس برداری گردید.

از این شفاخانه بر علاوه اها لی ولایت  
هرات مردمان ولایات فراه با دغیس و غور  
استفاده میشانند.

شفاخانه جلال آباد -

کار ساخته ای شفاخانه مذکور پیش فیت  
منابع ایشانی ایشانه مذکور استفاده  
۲۰۰ پسر در سال ۱۳۵۱ ذریعه دستگاه



یکی از راه های حمایه طفل و مادر توزیع مواد به مادران حامله است.

زوندون

وزیر صحت عامه در حالیکه تعدادی شاگردان نرس قابلگی دانوزیع میکند

## از پنج تا ده سال دیگر تعهدید

### صحت در کشور علمی میگردد

مردم از این کلینیک ها خود گروه راستین  
ادعای همیشاند.

میگویند مردم شکایت دارند و این  
شکایت در مورد بیشترین آنها  
آمده بپرس برداری گردید.  
از این شفاخانه بر علاوه اها لی ولایت  
هرات مردمان ولایات فراه با دغیس و غور  
استفاده میشانند.

کار تکمیل بروزه های شفاخانه های

تبیغات و تعلیمات صحی در سال  
۱۳۵۹ توسعه نموده تا با وسائل ویژه  
های جدید تبلیغ و تعلیم صحی را گسترش  
نهاده سال های آینده به دیگر ولایات  
کشور نیز واحد های تعلیمات صحی تأسیس  
خواهد شد و هم در گستره اراضی ساری  
که یک جزء ایشان بیان لو زی میباشد  
از قبل اسپالات موسمی دیفتری ترا خرم  
امرا غس مقارنی و بر کلوز گان های  
وسعی بر داشته شده و امسال جهت رفع  
تفصیله به کم این اطفال چیز های  
اطفال شهر کابل و نواحی ولایات مرکزی  
تا میس گردیده تا اطفال معاشر به کم  
آنسا لات دوام دار تو سلط با کم  
های مخصوص دوباره احیاء گردند همچنان  
در قسم صحی ساخن فابریکا شده شهر  
و منازل برو گز های در دست اجراء  
است که در سال جاری به فعالیت آغاز  
میشاند به این ترتیب در قسم عرصه  
مواد خذائی سالم بعد از معاینه و کنترول  
اقدامات میشود و در زمینه پلان های ساخته  
شده عملی میگردد.

- کلینیک های مجانية با اینکه در خدمات  
مردم قرار دارد اما نقش اقتصادی قرار نماید  
به این دلیل که بیانی که مجبور است  
به خارج معا لجه و خرد دوا بول هنگفت  
را بپرس نازد بر داشت فیض تو کنور برای  
معانیه ای تأثیر نمایشند؟ و متألف گرم

ساخته ای مرحله اول آن خانم یا فته  
ساخته ای مرحله دوم آن الی اخیر سل  
تیمه است .  
نحوه است .

تا گفته نباید گذشت که کار ساخته ای  
شناخانه مذکور در اوخر سال ۱۳۵۹  
تکمیل خواهد گردید . از شناخانه مذکور  
بر علاوه اهالی ولایت ننگرهار مردمان و لباد  
لغمان و کتره استفاده بعمل خواهد  
آورد .

### شفاخانه حوزوی هزار شریف :

نقشه ها و زمین شفاخانه مذکور آمده  
گردیده قرار داد ساخته ای آن باستگاه  
ساخته ای بنا ای عقد شده است قرار  
بود کار ساخته ای آن در سال ۱۳۵۹ .  
آغاز یابد لیکن بنا بر عدم عجو دست  
وجوه کمک از جانب دولت عربستان سعودی  
شروع کار و شناخانه مذکور معطل قرار  
داشده است از شفاخانه مذکور بر علاوه اهالی  
ولايت بلخ و لباد جوزجان فاریاب  
و سمنغان استفاده خواهند نمود .

### شفا خانه حوزوی اکندر :

این شفاخانه بظر فیت ۲۰۰ بستر به  
کمل دو لتو سنت اتحاد شوروی در دولت  
کندز اعماق میگذرد اسناد تحقیکی آن  
تکمیل و برو توکول تهیه نشده های  
میند سی آن بامداد اتحاد شوروی  
امضا میگردیده و قرار امت طی ۱۴ ماه  
آیینه بدل ستر س مقامات افغانی گذشتند  
شود .  
کار ساخته ای آن در اوایل سال  
۱۳۶۰ آغاز خواهد یافت از شفاخانه  
مذکور بر علاوه اهالی و لباد کندر  
مردمان ولباد بدخشان بغلان و تخار  
صحي ای ایه و دایه های محلی من بر داشد  
استفاده مینمایند .  
کمبود نرس س فا به مخصوص سه دردهات  
که اکثر تو لبات بو سبله دایه های غیر  
های مختلفه مملکت تربه میگردید و قرار  
فن صورت میگیرد نواب قب کار گوا ریبار



بالغایت گستردگی که در راه امدادی جیحک صورت گرفت بالآخره این هرچند ساری از کشوار

مارخت بر پست



نمایی از گستنگی و بی خدایی گودکانی گه به سوی تقاضی مصائب بوده اکثر امتحان میگردیدند

علاوه از آن با توجه به اینکه موسمات مختلفی محت عالمه رو به تراوید بینه و قوای پسری بورده لیاز در حال رشد و اکتساف میباشد وهم اینکه موسمات مذکور از تکاه کیفیت علمی و مسلکی بروزرسانی و معاشرت شده بتوانند وزارت صحت عامه روی همین اصل ریاست قوانین صحي و بر رسمی را در داخل تشکیل مستقل در سال جاری روی کار و اورده که البته از آن مذکور حینکه قاتو ن محت عالمه مفروضات و لوایح و سایر ضمایم آن یکی بیس دیگر طرح ، ترتیب ، تجدید و مسورد تطبیق قرار گیرد میتوانند در برابر بسیار لا تیکه شما از آن متذکر شده اید معا مله و برخورد نماید که خوشبختانه این معمول ارزو میرودهند و برو آورده گردد .

- یکی از بروزه هایی که بعد از بیرونی انتساب در افغانستان در دست اجراء گرفته شد تبدیل ساخته ای که شما از آن متذکر شده اید تریوی و معا لجوی بود که با این اقدام تا حدودی جلو نمایم اما تیکه کمبود مخصوصاً این طب در ساحت مختلف گرفته میشود اکنون این بروزه در حه موقوف قرار دارد و برای تو سعه بشتر آن جه اقداماتی را در طرح و اجرای دارید .

در رو شنی نهایی مفرک و استینتوت های مر بوط طب معا لجوی در پهلوی عرفه خدمات معا لجوی خدمات لایه ای ای و سایر خدمات متهمه معا لجوی برو گرام های تریوی برای گستنگی بر سوی لسل مختلفه بورده لیاز لیز از پیشبرده میشود . در رو شنی نهایی و موسمات مذکوره ایشانه بقیه در صفحه ۴۰

است ناختم بروزه در تمام قرای کشود دایه آن محاکمه شوند .  
علاوه از آن با توجه به اینکه موسمات مختلفی محت عالمه رو به تراوید بینه و قوای پسری بورده لیاز در حال رشد و اکتساف میباشد وهم اینکه موسمات مذکور از تکاه کیفیت علمی و مسلکی بروزرسانی و معاشرت شده بتوانند وزارت صحت عامه روی همین اصل ریاست قوانین صحي و بر رسمی را در داخل تشکیل مستقل در سال جاری روی کار و اورده که البته از آن مذکور حینکه قاتو ن محت عالمه مفروضات و لوایح و سایر ضمایم آن یکی بیس دیگر طرح ، ترتیب ، تجدید و مسورد تطبیق قرار گیرد میتوانند در برابر بسیار لا تیکه شما از آن متذکر شده اید معا مله و برخورد نماید که خوشبختانه این معمول ارزو میرودهند و برو آورده گردد .

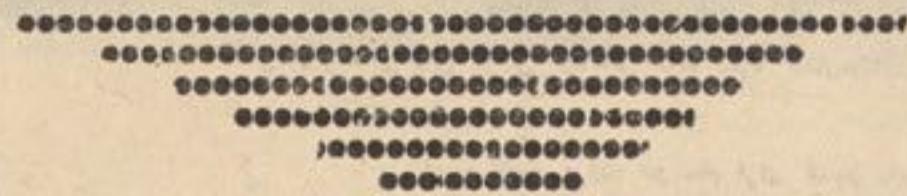
- یکی از بروزه هایی که بعد از بیرونی انتساب در افغانستان در دست اجراء گرفته شد اکنون این طب از حقوق و امتیازات شان دفاع بتوانند که از حقوق و امتیازات بسیار محمود دارند . به عقیده شما آیا فسروز نیست که اتحاد یه های نو کتو را ن برای دفاع از حقوق منفی شان و مراجع عدلي اختصاصی برای دفاع از حق بیمار بوجود آید ؟

طب عدلي بصورت يك ریا مست مستقل به شمین منظور تا سیسی گردیده و برای اینکه در آینده این دیانت در زمینه مسواردی که شما از آن یادگردید اقدام بتوانند اکتشاف بیشتر خواهد یافت .

در مورد اینکه دو گتو را ن اتحاد به صنعتی داشته باشد تا گتو ن اقدام میشده امادرنگر است که مزیر نظر مشاوران خارجی و با در نظر داشت اینکه اینjen های گردشی های گردشی های تریوی و معا لجوی بود که با این اقدام است تا سیسی از این قبیل را بی وجود آوریم که دو گتو را ن خلاقی کار در

# زمو بد د دمو کرا تیک جمهور دی

## دولت اساسی اصول په د دمو کرا تیک کو ارزبستونو و لاردی



چی دافغا نستان دخلک ددمو کراتیک  
گوند دمر کزی کمیتی عمومی  
منشی او دافغا نستان ددمو کرا تیک  
جمهوریت دانقلابی شودا رئیس  
او صدر اعظم ببر ک کار مسل  
په خپل هغه روپوت کی چی د حمل  
په پنځه ويشهمه نیټه یی دانقلاب  
شورا فوق العاده غو نیټه دافغا  
نستان ددمو کرا تیک جمهور یست  
اساسی اصولو د تصویب په  
منا سبب وړا ندی کړ په دی باره  
دادی اشاره کړی ده :

چی دافغا نستان دخلک ددمو کرا تیک  
دهیلو او آرزو ګا نو سره سمت دوبن  
او تصور یې شوی دی .  
دغه اساسی اصول زموږ دهیواد  
بالو خلکو دټو لیز، سیاسی، اقتصادی  
دی نظام دیمکتیټ او د هغه په  
ورخنی ژوندا نه کی ددمو دازا دیو  
اساسی حقوق او همدا رنگه  
ددمو دمسو لیتو نو او وظیفو په  
تاکنه کی عمدہ او اساسی رول لو  
بوی .

ددی اساسی اصولو په تصویب په  
سره خود سری او سر کشی له منځه

شي او هیڅوک به دا حق ونه لري  
چی د خپلو شخصی ګنو و غرضونو  
څخه دافغا نیټولنی دنورو غړیو  
قانونی حقوق او آزا دی تر پېښو  
لاندی کړی او یادا چی ددمو سو  
کاله او آرام ژوند ته خطرو پېښ  
کړی .

خرنکه چی زموږ زیار ایستونکی  
او میر نی هیواد وال دنور بر تین  
نقالب له بر په لیتوب خخند

محه فیو دا لی او ما قبل فیو دا لی

زموږ ددی خبری رېښتونا لی او  
واقعیت ته هر خه زیات دافغا نستان

دی نو په دی لحاظ سره دافغانستان  
ددمو کرا تیک جمهوریت په اساسی

اصولو کی دیرښه ثابت کیدای شي .  
اساسی اصولو کی هنځه شوی دهجه

داشکه چی په دی اساسی اصولو  
دزیار ایستونکو بر ګنو له پا ره ده

او بهر نیو دېښنا نو د هلو خل

کړی . خو خر نکه چی غدا رحیفیللله

امین یوازی په خو له د انقلاب

ناري وهلي او په واقيعت کي یې  
دامر يا لیزم دیو وفا دار نو کر  
په صفت دجها نی امبر يا لیزم او  
دغه اساسی اصول زموږ دهیواد  
بالو خلکو دټو لیز، سیاسی، اقتصادی  
دی ګتیو په ضد عمل کاوه . تو په همدي دليل  
سره ډیز ژر په هیواد کی دزیار  
ایستونکو بر ګنو دکر کی سبب  
و ګرځید . او د خلکو په خو روړو په  
ګنو کی زموږ اکثر وطنوا لو هغه ته  
په خپلی کړ کی او نفرت سره خواب  
ور کاوه .

خو له نیکه مر غه دنور انقلاب د  
نوی په او سر کوب څخه په دهیواد دتولو  
زیار ګری طبقی دایله پالوژی د  
او اصنافو ته دازمینه برابره شوو چی  
دیلاړوطنی بر اخی ملي جبهی په شادو  
خوا راټول شي ، چی له یوی خواب  
خپل ګران هیواد او د نور دیر تمیں  
انقلاب دکټو خخه ددفا یه سنکر  
کی اوله بلی خوا دخبل هیواد دآبادی  
په لاره کی په داو طلبانه تو ګه  
په اخه برخه واخلي .

زموږ ددی خبری رېښتونا لی او  
واقعیت ته هر خه زیات دافغا نستان  
ددمو کرا تیک جمهوریت په اساسی  
اصولو کی دیرښه ثابت کیدای شي .  
اساسی اصولو کی هنځه شوی دهجه  
کی دهجه مساقیم ګهون تا مین  
کړی . خو خر نکه چی غدا رحیفیللله

کړی . او د هغه دهجه دستفاده سره

سیاسی والا ته لاسه کړی نو  
د انقلاب د بر پالیتوب او د دام  
له پاره وظیفه لري خو دخبل کو بر اخی

بر ګنی سیاست ته جلب او په

و نه کره، بلکن په دی مورد یعنی حبله  
و ظیفه په عمل کی هم سرنه ورسوله.  
او همه داچی نو هو پی مو ضوع نه  
یعنی دافغا نستان ددمو کرا تیک جمهوری-  
زیست په اسا سی اصو لو کی، چې  
په او سنه وخت زعوبن ددمو کرا تیک  
جمهوری دولت قا نونی بنسټ-

تشکیلوی، هم خای ور کړ. ددی اسا-  
سی اصو لو په پنځمه ما ده کی په  
خونکند پول سره لیکل شسوی دی  
چې:

دافغا نستان په ددمو کرا تیک  
جمهوری یت کی داسلام دسپیخلی دین  
درنواوی رعایت او سا تنه تا مینیزی.  
اود ټولو مسلمانانو له پاره ددینی او  
مذہبی مرا سمو دیای ته رسو لو  
ازادی تضمینیزی. د نورو اد پا نو  
پیروان د خپلو دینی او مذہبی  
مناسمو په سر ته رسو لو کی چې د  
توبیرو نه چې دنا در، داود غدا ری  
ټولنی هو سایی او هنیت ۱ خلال نه  
کاندی بشپړه آزادی لري. له اتباعو  
نه هیڅوک حق ناری چې له دین نه د  
ملی صد او خلکو ضد تبلیغه تو او  
دافغا نستان ددمو کرا تیک جمهوری-  
یت اود افغا نستان دخلکو دګټرو  
خلاف دنوو اعمالو دار نکاب دوسیلی  
په مقصد استفاده وکړي.

دو لات درو حا نیو نو او دینی عا-  
لمانو وطنپر سنا نه فعا لیتو نو  
سره دهغوي دندو او مکلفیتو نو  
په پای ته رسو لو کی من سنه او مسا-

عدت کوي.  
لنده دا چې ددغو اسا سی اصولو  
عمو می رو حیه دیره ددمو کرا تیکه  
بنکاری او داسی هیلی او امیدونه  
ورځخه کیده ای شی چې ددی اسا سی  
اصولو په ریا کی به زمود ددمو کرا-  
تیک جمهوری دو لات د خپلو هیواد-  
پالو خلکو په بی دریغه مرستی سره  
په دی بریا لی شی چې دشرا یطو په  
مساعد والی سره به دیر ژر لویه  
واجوله. او به خاینانه دول سره په دیر  
جرګه جوړه کړی تر مشوچی زمودرا-  
مذہبی عالمان، ملا یان، شیخان  
تلونکی اساسی قانون تصویب  
کړی او په ی دول سره په دقا نوبت  
په لور په بل اسا سی قدم هم پور ته  
کړی او په دی تر تیب به زمود د  
خورید لو خلکو دآرزو گا نو یوه  
دجدی دشمن می نیټی بریا لی قیام  
په لغوثی هم و غوری بیزی او د خپلوی  
سره ورسیداو دلور په دلخواه  
شميره ارها نو نو په بهیر کی بهی  
دا ارمان هم ترسره شی.

رجی دو لتدیر ژر دغی مو ضوع ته  
په جدی دول سره تو چه وکړه.

زمود ددمو کرا تیک جمهوری دولت  
په دی برخه کې یوازی په همدا اکتفا

### وکړه چې :

.... هقه اسا سی اصول چې د  
داغغا نستان نظام پری تینکیزی اود  
داغغا نستان ددمو کرا تیک چمهوری  
دولت، داغغا نستان دکارکری طبقی  
اوړولو زیار ایستو نکو ګو ند یعنی  
دیولودو لته اړ کا نو نو او ساز- داغغا نستان دخلک ددمو کرا تیک  
مانو نو فعالیت، دور ګلېو قوا- ګوندې مشری زمود پارنی وطن ملی  
ښو زیا توالي اړ پراختیا، دنر یو متهدی جبهی دجوړ یډو په پنیاد  
حقوقی هم سیو جوړ یدل بساد دهغو په تامین او دفاع موظف دی له  
اساسی اصو لو دا حکما موله مخی ملی حاکمیت، ملی خپلوا کی، دخمکی  
رسی، داغغا نستان ددمو کرا تیک له تامیمیت، رېښتني ددمو کرا سی  
جمهوریت په اسا سی اصو لسو ددو لات او ادا اصو لسو ددمو کرا تیک  
کی دا اصل هم په ګوته شوی دی چې سیستم له جوړ یډو، دیولنی او دولت  
داغغا نستان په ددمو کرا تیک جمهوری- په زوندا نه کی ددمو کرا تیک انقلابی  
تور دپر تامین انقلاب یو شعار او  
هدف داسلام مقدس دین ته ګلک  
درنای او احترام او اود نور دیر-  
تمین انقلاب په پر یا لیتوب سره هغه  
همدا رنګه دولت به هڅه وکړي چې  
دڅيلو هیواد والو دخدمت په لاره  
زمود ددمو کرا تیک جمهوری دو-  
کی ددوی دزوندا نه بیلو بیلو  
لت دزیورنی اصل په نظر کسی  
هیونو ته ددمو کرا تیک نظام اوله  
څه خخه دزین نه داسا سا تو په ره  
کی سا لهه وده ورکړي. ددی اسا-  
سی اصولو په دوهمه ماده کی لیکل  
غرض هڅه کړی ده چې دی همه  
شوی دی :

دولت دخلکو دسو کالی او  
اساسی مو ضوع ته زیاته پا هنرنه  
نیکمر غی له پاره خدمت کوي. د-  
افرادو سوله یېز مصون او سو کاله  
زوند او هر اړ خیزه وده اود هغږي د-  
لت داسا سی اصو لو په در یمه  
ماده کی داسی لیکل شوی دی-  
داغغا نستان په ددمو کرا تیک  
جمهوریت کی دزیار کبناو قدرت  
دیلار وطنی په پراخه ملی جبهه متكلی  
دی، چې کار ګران، یز ګران،  
کسبکران، کوچیان، رو شنفکران  
ښخی، خوانان اود هیواد دیولو-  
ملیتو نو او قو مو نو، ټولو متر قی  
او وطن پالونکو قوتو نواو ټولنیز او  
سیاسی ساز ما نو نو نما یند ګاند  
افغا نستان دخلک ددمو کرا تیک  
ګوند تولا ربمو نی لاند دنوی آزادی  
او ددمو کرا تیکی تو لنه دجوړ و نو  
ترعمو می پرو ګرام لاندی سره یو  
هو قی کوي. دیلار وطنی ملی  
جهبه مو ظفحه ده چې دهیواد د ملی  
په اختيا او ددمو کرا تیکو دندو په  
دخلک ددمو کرا تیک ګوند دمر کزی  
کمیتی عمومی منشی او داغفاستان  
ددمو کرا تیک جمهوریت دانقلابی  
شورا رئیس او صدر اعظم پر ک  
کار مل په خپله قیمتدا ره تا ریخی  
ویناکی دویرو نورو مهمواو عمده مو-  
ضو عا تو په خنک کې دغی مهمی  
او اساسی مسالی ته هم اشاره

سلسله افت و شنود هاونش سه ته لای اقتصادی ژوندون در صدر

پستیل

سیاست و اقتصادی و فرهنگی

شهر، شهریور آستان و خانه امداد

از زندگانی نقد و افکار

در این دور سخن:

- ۱- دکتور عبد الغفار لکنوی میعنی  
اصلاحات ار ضی .
- ۲- بهادر آقتاش رئیس تصفیه  
و ثبت .
- ۳- عبد المقصود شکو ری رئیس  
تنظيم امور ارا ضی .
- ۴- نجیر وهاب آصفی رئیس  
بانک انکشاف زرا عتی
- ۵- عبد الطیف معاون ویاست  
عواید وزارت مالیه
- ۶- عبد العبار تابت مشاور  
ویاست تقینی وزارت عدالیه
- ۷- حسین وفا سلجو قی مدیر  
نشرات وزارت زردا عت و اصلاحات  
ارضی
- ۸- علی احمد عضو کمیته ولایتی  
حزبی کابل
- ۹- غلام سخی
- ۱۰- محمد رحیم
- ۱۱- رجب علی
- ۱۲- محمد انور
- ۱۳- شاه ولی نماینده های دعما -  
نان و لسوای های ولایت کابل  
اشتراک داشتند .

ذیر نظر: گروه مشورتی ژوندون

در تطبیق مرحله نخست

اصلاحات ار ضی چه

اشتباهاتی رخداد؟



نمای کامل از طرح و تطبیق مرحله

دوم اصلاحات ار ضی در کشور وجودی پیرامون آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مینه (د شریف و حمتکش)

دولت ملکیت شماره هر درج این سند دو فرماں اس ثبت نمایم و مطابق با و تزدهم

رمهول ساسه رجیو رو ده که تیک افغانستان تعضیل میکنند.

دینه سند و محرر حق فروش، ترک، تضییغ، اجاره و سایر حقوق شناز از بر ساره دعویت نمایند.

وَعَلَامَةً لِلْمُرْسَلِينَ يَدِيْهِ .

دولت ملکت خلار بز فیلم مندرج این سند حفظ و دنبه به برد لایه قاوه فردا آن را ماهیت میگذارد.

مطمئن کشیدن از محدود نیز اندیاب شنکه همه شر و تهیق روگراها را زده ام

جمهوری اسلامی افغانستان سر و ذمیه در آباد مردم حفاظت از میراث خود با روایت و پژوهش استانه سعادت مینماید

که در هر گز صادقانه خواسته می‌نمودند از این راه می‌توانستند دوستی خود را باز کنند.

بیرون بحثیه دارد از این دو نیز دید است که این سر برخیزد و دیدمیر مال است تا بخراست بکسر

کامل

شروعی کیتے رکزی نہ بُل دو کا یک حق اپنیں

خریدای اتفاق و مدد علیم جهودی در کتابخانه اسلام

سخن را در این دور چند راحله راسخ خرمی  
امروری گوتاه و گذرا از گردهم آیی های قبلی  
وندون و برای نتایج آن به آغاز میگیرد و بعد  
از گفتاری پیرامون اهداف این مجله از تدویر  
بنین گردهم آیی هایی یاد آوری میکند که چند  
دور این میز کاملاً آزاد است و هیچ پیرایه  
ی از تشریفات ندارد و هو یک اشتراک  
شندۀ هابدون در نظرداشت مقام اداری و یا اجتماعی

هدیگر هیتوانند روی "گفته‌هایه نقد و انتقاد و نظر  
هی بپردازند وا حله راسخ گوشزد میکنند که  
عد از نشر این سخن پراگش ها هر گوینده  
سزوول "گفته‌های خود بوده و ژوئنون نه تنبای  
رد و یا تایید آن نقشی ندارد بلکه هر اثیار  
نظر و یا احیاناً انتقادی را که از "گفته‌هایه اداره  
رسد نشر خواهد گرد - او بعداز این مقدمه  
اگر آنچه این پرمش اذمعین اصلاحات ارضی بحث  
باشد تطبیق اصلاحات اداره میکشاند \*

به ترتیب اصرار ارضی میتوانند  
اهداف مرحله دوم اصلاحات ارضی درجه  
واردی خلاصه میگردد و در مجموع گذام بخش  
شواری های امور زمینداری با تطبیق این مرحله  
اصلاحات ارضی حل میگردد . از نظر شماره  
خستین مرحله تطبیق اصلاحات ارضی چه اشتبا  
ع رخداده و اثرات این اشتباوهای اکنون  
گذونه به بررسی گرفته میشود ؟  
لطفا ورق بزنید

واینک باز بعد از یکسال و نه که از طرح آمده است شاید بپرسیم گواه اند، دیگر نشر یه خانواده ها سانسور بی رحمانه سلسله گفت این باشد که از آغاز کار این جدل ها تا نخواهد بود.

وشنوده های مادر دور میزگرد زوند کنون، هیچ بخشی در ساخته و ما این جدل هارا به این جهت ون میگذرد، بار دیگر آنرا به آغاز مطبوعات نه به اندازه این سلسله دنبال هی کنیم که می خواهیم مجله می گیریم و با همان مشی ژرف نگری جدل ها جنجال بر انگیز بوده است و نههم با قیچی سا نسوزچیا نسی و عمیق گرا بی به طرح همگانی خانوادگی را بیا بد و آنرا حفظ ترین دشوا ری های زندگی مردم که از پذیرش رو حیه انتقاد پذیری کند.

دربخشش های گونه گون آن می هر اس داشته اند ، آشنایی شده است. هم آبی که بعداز این مرتبه دیر سخن را کو تاه بگیر یم ، ژو- خواهیم کرد یک رخ و بک جهت ندون این تنها هفتگی نامه همه خانواده های کشور اگر زبان نیابد و در آن عمدت ترین دشوا ری های اصلا حی باشیم که حلال مشکلات در زمینه های به جدل آورده احسا س و آن دیشه خانواده های های زندگی همگانی مردم در بخشش افغانستان نباشد و باز گو کننده شده باشد.

برای باز گویی نقش اسا سی این دشوا ری ها ، نابسا ما نیبا و نا گرد هم آبی ها و آنچه از گفتگویی ها این گفت و شنود ها بیشتر پیرامون مأموران و بدران نهاده با آن رو برو مسایل ، سیاستی و اجتماعی،

باعظیت اولین مرحله اصلاحات امور زمین داری برای بیش از سه صدهزار خانواده های دهستان مستحق به اندازه سه میلیون و سهصد و پیش و هشت هزار جزوی زمین توزیع گردید که خود نمایی از مبارزه علیه فرودالیزم مسلط درکشور و ضوابط غیرعادلانه آن به شمار می‌آید . مسؤولان این میز کرد از استبعادی نام گرفته که در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی بدو نوع پیوست - این انتقاد یاتاسف کاملاً به مرد است - در تطبیق این مرحله اصلاحات بعداً و به صورت شعوری چنان هم تطبیقی درست اجرا گرفته شد که محتوای اساسی و مترقبی اصلاحات - تعریف و دگر گون گردید . چنانکه :

باید بیش از آغاز کار اصلاحات ارضی جنبش های دهستانی با تأمین و حمایت اتحادیه ها - صندوق هاو کمیته های دهستانی شروع میشد تا تقسیم عادلانه زمین باشترک خود دهستان و بدون اعمال زور و توه عملی شده میتوانست و تمام اقتدار و گروه های وسیع مردم به صورت شعوری و آنکه این در مقام دفاع آن میبرآمد که چنین نشد .

۲- در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به رسوم و عادات و رواجها عنعنی و حتی اختلافات منبهی مردم و فئی نپاده نشد . ۳- در این مرحله تطبیق خلاف مردم اول فرمان شماره هشتم دولت نسبت به حقوق بسیاری از هموطنان مابین توجیه های صورت گرفت که موجب حق تلکی های فراوان گردید و امروز این مساله که حقوق تلف شده آن عده بیش که در جریان تطبیق مرحله اول تطبیق اصلاحات ارضی خلاف فرمان هنرمند شده اند و باید ضرر سان جبران گردد یکی از دشواری های عده بیش است که های آن ووبرو میباشیم .

۴- در جریان تطبیق دو مردم برای تعداد بیش از دهستانی که زمین داده شد، هیچگونه گمک گویار اتفاق نخیلی و فئی صورت نکرفت که با این دلیل سطح تولید پائین آمد و دهستان نتوانست از زمین زیر گشت خود ببره کافی بودار .

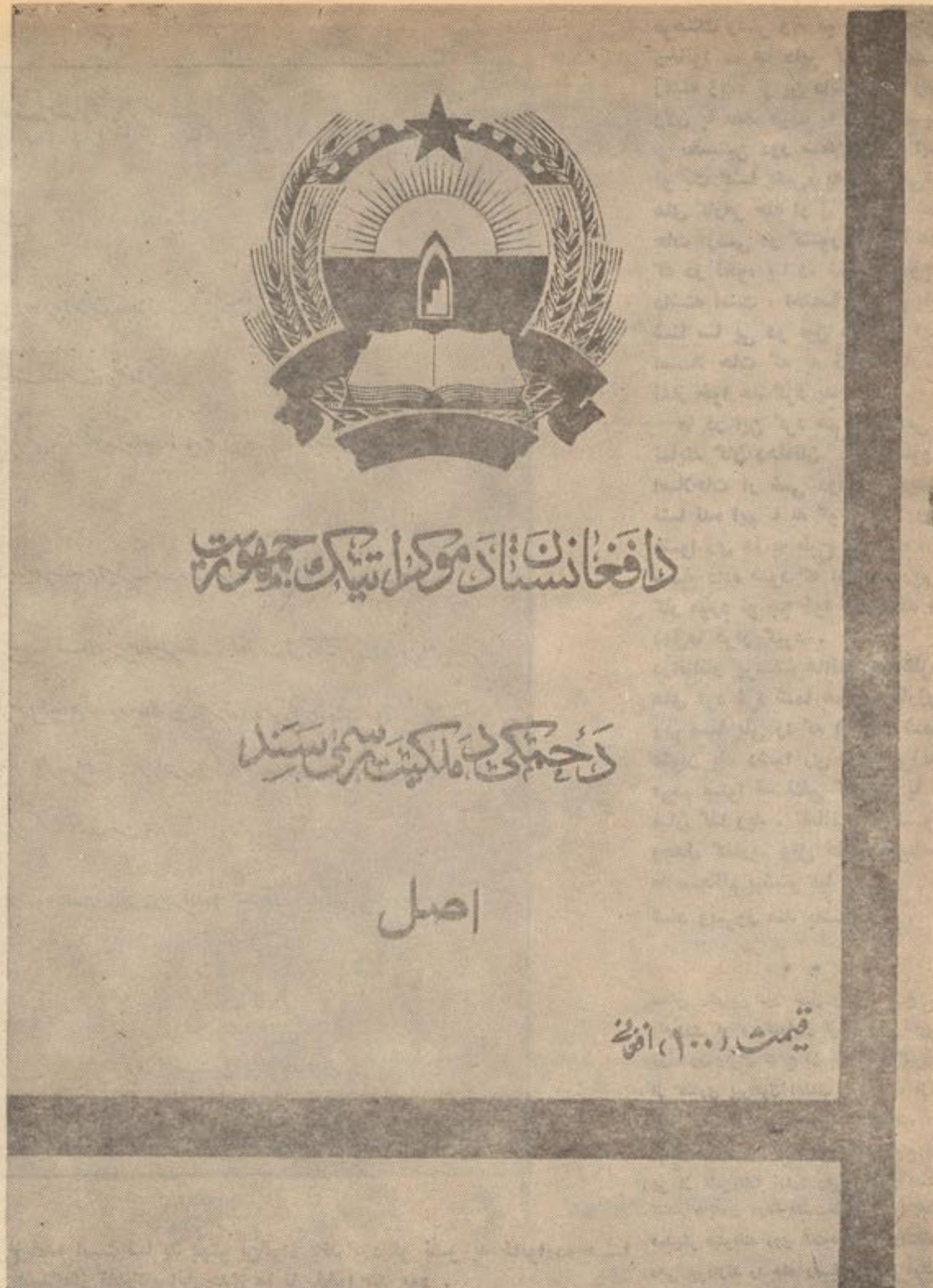
۵- جنبش کویار اتفاق نه تنها قویت نشد بلکه با توجه عملی که صورت گرفت سمعت نیز ساخته شد .

۶- از طرح عملیاتی یک پلان علمی تنظیم شده به عنوان تزلید خارجات زرا عنی علاجلوگیری شد .

۷- بالفو اداره اصلاحات ارضی کو شش به تعل آمد که از تطبیق هر حل بعده اصلاحات ارضی در افغانستان چلو گیری شود .

۸- با ختم دوره او ل اصلاحات از غرس که با بد ختم مرحله نخست اعلام میگردید بایان تطبیق اصلاحات از غرس در کشور اعلام گردید .

و بدین ترتیب بود که در دوره حکومت خود کما مه امین این تما بند و امیر یا لیز خود نخواه به صورت شعوری از تما هارزش ها و دست آورده های که از تطبیق و فناهه اصلاحات ارضی متصور بود چلو گیری



هم میباشند ها اگاهی دارند که انقلاب سکوی عین اصلاحات ارضی :  
به اجازه شما نخست سیاست را از کارکنان تور بعداز آنکه در کشور ما به پیروزی رسید وزین ناده زوندون ابراز میدارم که بازهیمه سازی برای این گرددم آیین که در آن مسولان اصلاحات ارضی سعدیه و مالیه به ارتباط هستند که وظیفه هر انقلاب قد امیریالست و ضد فیووالی میباشد تا اساس تمام تحولات بنیادی فرار گیرد به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب بیش آهنه طبقه کارگر کشور سلسه رفاه های را در دست اجرا گرفت که اصلاحات ارضی در نهاد آن میباشد .  
طبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی به بیان آورده این اصلاحات که اکنون مادر آغاز شده محترم به پاسخ یک بخش از پرسش پرسنده محترم تکانی درمورد مرحله اول این اصلاحات را بازگوییم .



هوچی مین هنگا میکه  
جبهه جنگ قوای آزادی بخشن  
ویتنام را رهبری میکرد



استراک نمود و در ۱۹۲۲ به انتشار هفته نامه «بی نوا یان» در فرانسه پرداخت. در جون ۱۹۲۳ از فرانسه عازم نخستین کشور سوسیالیستی جهان یعنی اتحاد شوروی روی گردید و به مقاطعه دانش اقلابی ادامه داد و در فعالیت‌های انترباسیو نال کمو - نسی سبب گرفت و در همان سال در هیات رئیسه دهقانان جبهه انتخاب شد. در ۱۹۲۴ در پنجمین کنگره کمینتر ناشتراک نمود و به حیث عضو دبیار تمنت شرق انتخاب گردید و مسوویت بخش جنوب را نیز به عهده داشت و موظف بود تا جنبش‌های انقلابی مردم تحبت استعمار را رهبری کند.

در جون ۱۹۲۵ هوچی مین

جمعیت جوانان انقلابی ویتا م را سازمان بخشید که هسته آن را لیک کمو نست تشکیل می‌داد. وی به افتتاح مجله جوانان پرداخت و کورسی را باز نمود. که طی آن صد ها کادر را برای اعزام و خدمت به وطن تحت تحریر گرفت.

در ۲ فبروری ۱۹۳۰ هوچی مین کنفرانس کا ولو (هانگ کانگ) را دایر نمود که هدفش تو حید گروه های مترقبی ویتنام تحت نام حزب کمونیست ویتنام بود.

در سال های ۱۹۳۰-۱۹۴۰ هوچی مین در خارج به سر برده و طی اجرای امور انترباسیو نال کمو نیستی جنبش‌های انقلابی در وطن را تعقیب و دستورات با ارزش به کمیته اجرا نیوی مرکزی حزب می‌فرستاد.



بمناسبت نود مین سالگرد تولد هوچی مین فقید  
۱۸۹۰ - ۱۹۸۰

## زندگی نامه مختصر هوچی مین

تحت استعمار زندگی میکرد و در حالی که نظریات گوناگون انقلابی را مقاطعه می‌نمود برای گذران معاش کار می‌گرد. در سال های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ انقلاب کبیر اکتوبر هوچی مین را به دانش انقلابی رهنما یسی گرد و به او اطمینان بخشید که این تسبیح است به سوی آزادی اجتماعی و ملی. در همان سال وی سازمان وطن پرستان ویتنامی را تشکیل داد که هدفش ایجاد وحدت میان ویتنامی های مقیم فرانسه بود. وی در ۱۹۱۸ به حزب سوسیالیست فرانسه نامه جلب شد

هوچی مین در دسمبر ۱۹۲۰ در هجد همین کنگره ۵ حزب سوسیالیست فرانسه به طرفداری از کمینترن تأسیس حزب کمو نست فرانسه را پیشنهاد کرد. در سال ۱۹۲۱ در تا سیسی سازمان مردم استعمار شده

هوچی مین در ۱۹۱۰ در شهر نگی تین در یک خانواده وطنپرست و روشنفکر که اصل روستایی داشتند به دنیا آمد. نگی تین شهر است که مردم آن سابق طولاً نی مقاومت علیه استعمار و فیو دلیزم دارند. هوچی مین از کودکی ذیر تأثیر عمیق محیط اجتماعی و ترکیه خانوادگی خویشنس در آمده بود.

هوچی مین در ماه جون ۱۹۱۱ عازم خارج شد و به فرانسه و دیگر کشورهای اروپا، آسیا، افریقا و امریکا سفر کرد. وی درین شهرها با کارگران و مردم

بر گزیده شد و دو هند ف استرا تیز یک فوق به تصویب رسید.

مردم ویتنام تحت رهبری رئیس هوجچی مین و کمیته مرکزی حزب از جا نبای سا ختمان سو سیا لیز م را در شمال سرعت می بخشیدند و از طریق جنگ مقاومنت میهندی را بخوا طر دفاع از شمال و نجات جنوب علیه امریکای تجاوز گر ادامه دادند.

رئیس جمهور هو چی مین دو سوم سپتامبر ۱۹۷۹ در هفتاد مین سال زندگی خویش در گذشت.

وی یک انقلابی بزرگتر، قهرمان شناخته شده ملی ورز منده هو شیار جبانی بود که بدون احساس خستگی رزمید و سر تا پایی زندگی را به وطنش، به مردمش، به ارمان انقلابی، به آزادی و نجات ملت‌ها وصلح و عدالت در جهان وقف کرد.

نما یند.

هوجچی مین برای مقابله با این وضع در دسامبر ۱۹۴۵ اغاز یک جنگ مقاومت ملی را مطالبه کرد و همراه با کمیته مرکزی حزب، پیکار فرساینده تمام عیار مقاومت را علیه استعمار گران فرانسوی تا پیروزی تاریخی دین بین‌فو رهبری کرد.

در جون ۱۹۵۴ قرار نامه ژنو امضاء شد و شمال ویتنام آزاد گردید و لی امپریا لیز جهان خوار امریکا بخشش جنوب را به مستعمره جدید تبدیل کرد. هو چی مین کمیته مرکزی حزب هم گروه‌های مردم را برای تعقیب دوهدف استراتیزیک رهنمایی کرد.

- در شمال انقلاب سو سیا لیستی و در جنوب انقلاب دمو کرا تیک خلق. در سپتامبر ۱۹۶۰ کنگره سوم حزب دایر شد که درین کنگره هو چی مین به ریاست کمیته مرکزی اجرا نیوی حزب

ویتنام در اوایل انقلاب به مشکلات متعدد رو برو و از هر جانب در محاصره بود فقر میراث استعمار جا پان وفا شیستهای فرانسوی زندگی بیش از دو میلیون انسان را گرفت. در سپتامبر ۱۹۴۵ دست استعمار گران فرانسوی دستگاه ایجاد یک جبهه متحد ملی به نام لیک- آزادی ویتنام (ویتنام مین) و تشکیل قوای مستعجل، تشید بخشیدن به مبارزات انقلابی گروه‌ها و آماده ساختن قیام عمومی به خاطر به دست آوردن قدرت سرتاسری در کشور گردید.

در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۶ دستور تاسیس وحدت بیانیاتی ویتنام را به خاطر آزادی ملی صادر کرد که در واقع بنیان اردوی مردم ویتنام را گذاشت و در اگست ۱۹۴۵ در فضای هیجان‌انگیز انقلابی در استانه قیام ملی هوجچی مین همراه با کمیته مرکزی، کنگره ملی رادران ترو دایر کرد. این کنگره اورا به حیث رئیس حکومت وقت جمهوری دموکراتیک ویتنام برگزید. وی بعداً فرمان داد تا قیام عمومی برای گرفتن قدرت در سراسر کشور اغاز شود.

در ۱۹۴۵ هو چی مین خطاب به ملت ویتنام و جهان استقلال ویتنام را اعلام کرد و نخستین دولت کار گران، دهقانان را در جنوب شرق آسیا به نام جمهوری دموکراتیک ویتنام تا سیسی کرد.

هوجچی مین رهبر و مؤسس اردوی آزادیبخش ویتنام است



های فاسد فنودالی و بخصوص حفیظ الله امین  
دزخیم تخم نفاق و برانگذگن را بین آنها  
کاشته، بزودی دربر تو سیاست واقعاً ملی  
ومترقب دولت و کمک وهمکاری مردم شر افتادند  
افغانستان محو و نابود خواهد شد. هکذا در  
افغانستان همه پیروان مذهب دین مقدس  
اسلام اعم از منی و شیعه برادر و برادر هستند  
و هیچ نوع اختلاف منطقی بین آنها نیست و  
پلان های شوم دشمنان درین ماحله نیز  
خشنی خواهد شد. در اصول اساسی جمهوری  
دموکراتیک افغانستان بوضاحت روش ساخته  
شده است که دولت جمهوری دموکراتیک  
افغانستان مطابق به آرمان های والای انقلاب  
نور سیاست تساوی حقوق و دوستی برادرانه  
میان همه مردمان افغانستان را پیش خواهد  
برد و مجدداً در راه رشد همه جانبه ای تمام  
اقوام و ملیت ها و قبایل افغانستان مساعی لازمه  
را بخرج خواهد داد و حقوق دموکراتیک آنها  
را کاملاً تضمین می نماید. وهکذا از بین بردن  
همه تبارابری های اجتماعی، اقتصادی، کلتوری  
در تمام نقاط کشور محبوب ما از جمله هی وظایف  
حرب و دولت ج، د، ا بتسیار رفته است  
خلق کوچی و عنوانیز که هرگز درگذشته  
ها توجه بحال شان نشده است بیاد دولت  
بوده و در اصول اساسی ج، د، ا موکدا  
تفذکار رفته است که دولت برای آنها شرایط

بهر زندگی را مهیا خواهد ساخت وهکذا اگر پالاندکی دقت به این اصول سیاست امکانات استفاده‌ی دموکراتیک و رایگان شاترا خارجی نظر اندانی تعالیم واضح خواهد شد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان از جراحتا هی وطن برای حیوانات شان مهیا بستهیان حق و عدالت و مبارزات برحق و عادلانه خواهد ساخت.

بخش بسیار مهم دیگری در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنگونگی سیاست خارجی وهم چنان توضیح موقف افغانستان در قبال انتها های به اعلان و منتشر سازمان

«سیاست خارجی جمهوری ده در سرتایی افغانستان بر تحریم صلح عام و نام ، التکاف هنگاریهای وسیع بین العلل و حفظ منافع دولتی کشور استوار است . اساس فعالیت سیاست خارجی ده ، ا را اصول همزیست مصالحت آمیز و سیاست عدم اسلامک مثبت و فعال تشکیل می دهد » . هم چنان در مواد یازدهم ، دوازدهم و سیزده است .

دنهم و جاردهم و بازددهم و شازدهم این اصول بقیه در صفحه ۴۱

# تصویب اصول اساسی

## ج، د، ا گام فرآخی است

# تصویب اصول اساسی

ج، د، ا گام فرآخی است

## در جهت بهروزی

بخش پنجم را ممکن دیگری در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چگونگی سیاست خارجی وهم چنان توضیح موقت افغانستان در قیال سازمان های بین المللی و منشور سازمان ملل متعدد ، میباشد . جمهوری دموکراتیک افغانستان با پیروزی انقلاب ظفر مند نیور و بخصوص بعد از ظفر یا بی خیزش قهرمانانه‌ی ششم جدی ۵۸ در عرصه‌ی گیتی بیحیث یات کشور صلح‌دوست عرض وجود گرد و با پیروی از اهداف والای انقلاب مردمی پیوسته ترسند آنست تا با کلیه کشور ها روابط دوستیانه داشته و روابط برادرانه و صمیمه‌ی موجود میان افغانستان و کشور های صلح‌دوست و متقدس و بخصوص اتحاد شوروی را هر چه بیشتر تقویه داشته باشد .

و استحکام بخشیده است این روابط بر این دست که به اساس اصول مترقبی انتر ناسیونالیزم کار گری استوار است بنفع جانبین وصلح جهانی میباشد. علاوه بر دولت مترقبی و ملی ما جدا هی کوشید تا با همسایگان خود روابط دوستانه داشته و همه اختلافات موجود را ازراه مناهی و مذاکره حل و فصل نماید. نوشت

با معاک اسلامی نیز هورد توجه جدی جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد در ماده نهم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین تذکر رفته است:

«سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر تحکیم صلح عام و تام ، انتکاف همکاریهای وسیع بین اسلامی و حنفی منافع دولتی کشور آشوار است . امام فعالیت سیاست خارجی ج ، د ، ا را اصول همزیستی مسالمت آمیز و سیاست عدم اسلامک مثبت و فعال تشکیل می دهد » .  
همچنان در مواد یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم

دهم وچاردهم وپانزدهم وشانزدهم این اصول

بیوسمت بگذشته

زحمتکشان که در صنوف خویش کار گران،  
دهقانان ، کمبه کاران ، روشنفکران و مایر  
اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل وارتای  
فعالیت های اجتماعی و تولیدی ، تعییل اهداف  
و وظایف انقلاب نور و تامین منافع خاصه‌ی  
ایشان متعدد می سازند . تشویق و پشتیبانی  
می شود .

در اصول امامیج ، د ، ۱ بعد از آنکه  
وقایف و مکلفت های دولت در قبال عنعنات  
ملی ، تاریخی و کلتوری و دینی مردم ما درج  
شده است و برای همه مردم اطیوبیان و آرامی  
خاطر می بخشد تشکیل سازمان ها و تشکیلات  
نوده ای رائیز بهثابه متعدد گشته‌ی زحمتکشان

و وطنېستان تاکید می نهاید؛ دولت جمهوری جمهوري د هوکراتیک افغانستان هئاقلوړیکه

نهاده کر اتیک افغانستان بحیث نهایندهی کار. در عمل ثابت ساخته است با جدیت و بشکار

گران ، دهقانان ، اهل کمبه ، کوچیان ، فراوان در صده آلت که اتحاد واقعاً ملى

روشنکران وسایر اشارهات و میانگین زحمتکش و دموکراتیک را میان گلیه اقوام و قبایل

و ملی و دموکراتیک بیان آوردن و تقویه و تحکیم اگر خرد باشد یا بزرگ بوجه بهتر و هنرمند

ولسطه هرچه بینز سازمان های اجتماعی آن تامین نماید و هکذا اتحاد و نگار جنگی

ویژگی‌های شکل سالیم آن از وظایف خود همه زحمتکشان همه ملت هارا جدا در نظر

شماره در ماهه ششم اصول اسلام حسوبی دارد و در راه آن نکاری بر امان هم نماید.

د کانک افغانستان جنپ په خوالم: ده جن افغانستان وطن واحد و متنک ه بهه ملت

جمهوری دهکار افغانستان فعالتای ها واقعیات برادر ساکن درآنست و همه ملت

تجاهدهای کارگری سازمانی جوانان ها و قوام اعم از شهروندی، هنرمندی، تاجران

نیز نشان دادند که این میکروگلوبولین هایی علیه سکته هایی داشتند.

سازمانی اجتماعی و دیگر نهادهای غیرانتفاعی آنکه

وَرَبِّيْرَ سَرِّيْهُ بَشَّارَ رَمَادِنْ سَرِّيْهُ بَشَّارَ بَشَّارَ بَشَّارَ بَشَّارَ بَشَّارَ بَشَّارَ

۱۰۰ هدف نشر مجله « طفل و مادر » آشنا  
داخترن هم وطنان به اوضاع هادر و گودگ  
رکشیدهای مختلف جوان و هنجمله کشور  
آن گتیله و بلا دیده ماست ، تامکان  
ندست آید که به خانواده ها ، معلمان  
مکاتب ، هر یون و استادان و معلم محبوب  
ما افغانستان جهت قریب و پروردش بهتر  
کو د کان رهنما بین های لازم صورت  
گیرد ... \*

شما ره اول و دوم «طنل و مادر» بـ  
طنل و عتا لا تـ بـ بـ هـ نـ جـ گـ لـ تـ  
ادـ اـ فـ تـ بـ شـ طـ لـ ، هـ شـ دـ اـ زـ وـ آـ گـ اـ هـ  
هـ بـ ۴ـ مـ اـ دـ رـ اـ نـ درـ قـ مـ نـ هـ مـ اـ بـ لـ بـ رـ وـ شـ ،  
سـ اـ يـ لـ دـ رـ وـ اـ تـ سـ هـ وـ تـ زـ تـ يـ شـ ، رـ اـ يـ وـ رـ تـ اـ زـ هـ  
لـ کـ رـ شـ هـ اـیـ سـ وـ دـ مـ نـ دـ گـ لـ کـ شـ اـ لـ دـ هـ  
ینـ هـ وـ غـ وـ عـ اـ سـ تـ گـ هـ دـ اـ نـ دـ گـ اـ نـ آـ نـ آـ  
سـ کـ وـ شـ دـ هـ حـ بـ شـ تـ روـ یـ هـ دـ فـ لـ شـ رـ اـ تـ  
نـ وـ دـ استـ وـ اـ سـ تـ هـ بـ هـ اـ نـ دـ

لکنه دیگر در مورد نخستین شما ره « طفل و  
ادر » این امت که صفحات دنگان و کلیشه  
باقیه در صفحه ۴

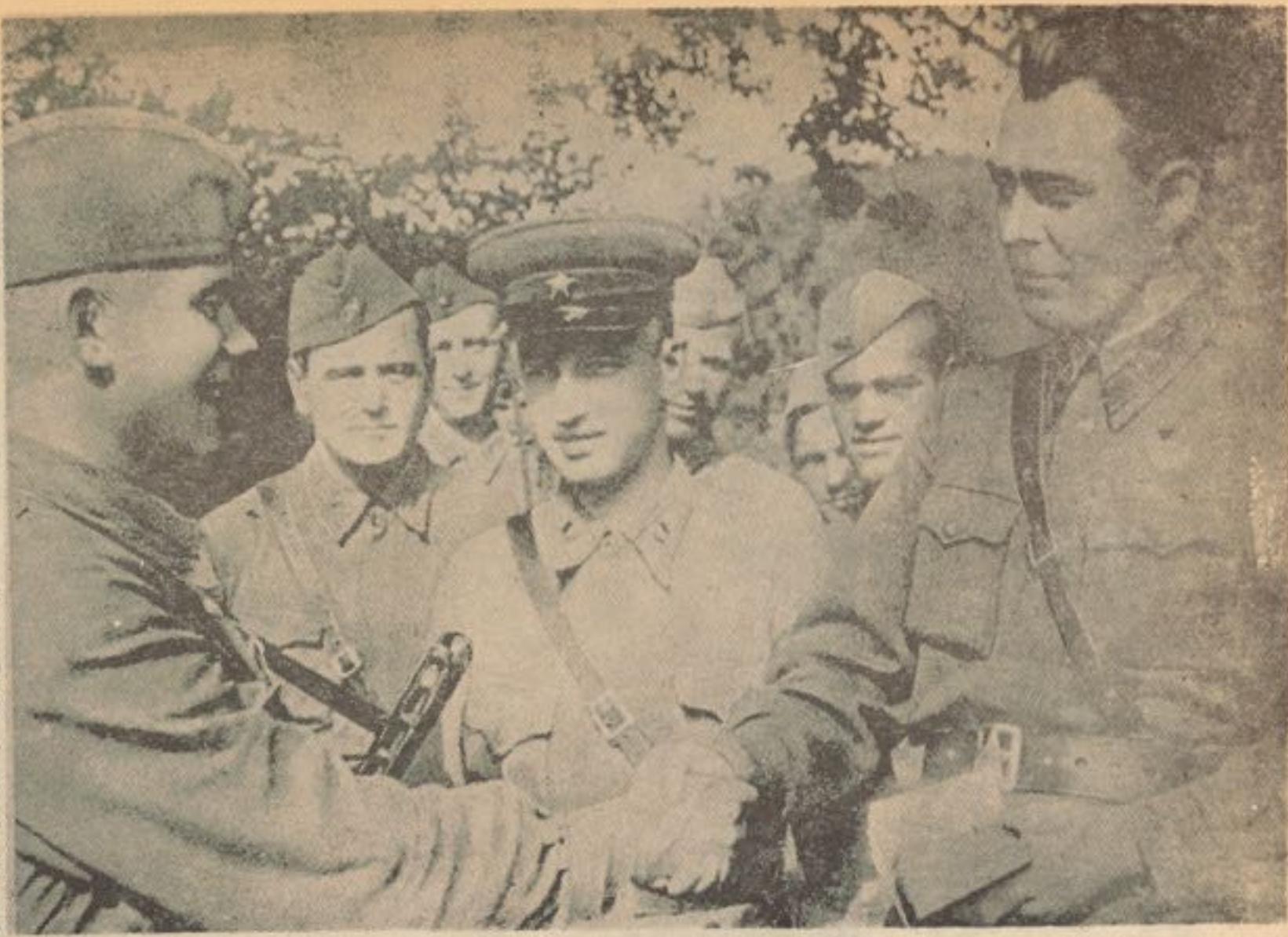


V 2018-2019

نگرشی کوتاه و شتابندگ به دو نشود یه

«طلل و مادر» ما هنایه تازه است که  
و معانرا ن در کشور ما واژ دیاب روز ا فرو ن  
ریاست کو دکستا نهای وزارت تعلیم و تربیه  
امتیاز نشر آفرینید میست آورده و شما ره اول  
دوخ آن دریک مجله - هفتاد و دو صفحه به  
شیرده که نتایج شوم و رفت آور فقر-  
قطع ۲۲۰۰۰ متر دو چهار رنگ  
از جای بر آمده است .  
شرايط زیست صحی ، عدم امکانات تا مین  
لا کوچه به و خیم نایسا مان کود کان . حظ الصبح فردی و خا نوادگن و محیطی

کمیسار بریگاد ل . دی . بریتنف  
کارت عضویت حزب کمو نسست  
اتحاد شوروی را به الکساندر مالوف  
می دهد (سپتامبر ۱۹۴۲)



در روسیه شوروی ، در آلمان  
نازی در سراسر اروپا و جهان  
ویرانی و خرابی حدود و شغوری  
نداشت .

در روز نهم می مردم اتحاد شوروی  
جما هیر تا زه بندیاد و جوان اتحاد  
شوری که در گیر در چه اول دفع  
ومبا رزه این جنگ عالم سوزبودند  
وارد برلین هر گز فاشیزم جهانی  
آن قت گردید . قشون سرخ

خشون تازه تشکیل یا فته اما قشون

متشكل از مردم ، بر این راستی

نمود .

مردم اتحاد شوروی در صفو ف  
خشون سرخ این جنگ را  
تفع خود و بنفع مردم جهان خاتمه  
دادند و مظفر و سر خرو بر آمدند .  
این فتح را اتحاد شوروی به  
قربانی : بیست میلیون مبارزه  
ویرانی یکهزار هفتاد و ده شهر با  
نفو س وسطی هر کدام در حدود  
بنجاه هزار ، نابودی هفتاد هزار  
قصبه وده و دو تریون دلار  
حسا ره مالی برای شان کما یسی  
نموده رسال روز نهم می را چشم  
می گیرند ، این روز را سی مملکت  
اروپا یی ، آسیا یی و امریکا یی  
تجلیل می نمایند .

آری این روز مبدعاً تاریخ تازه  
را در جهان بشریت آزاد ، آزادی  
خواه و نقطه چرخش و گرا یشن را  
از تیره گی برو شنی واژ ظلم به  
عدالت ارجمند آورد . از این روز  
بود که آرزو های جهانی ، خلق ،  
جهان بسوی افق تازه و امید های  
در خشان دید . از این روز بود  
که تحقق آرما نهای بشریت صلح  
خواه جان یافت . از این روز بود که  
دنیای کهنه ما به تو گرا یی آغاز  
نمود و :

۱- سیستم زندگی اجتماعی  
مسیر سو سیا لیزم را در پیش گرفت

خورد . در آن روز بود که هیولا  
جنگ و تباہی عالم انسانی از پا  
در آمد . هیولا جیر . ظلم ، زور  
با همه قدر خود بر افتاد و نا بود  
شد .

این مختصر گنجایش آنرا ندارد  
که بتوان آنچه آن کا بو سو وحشت  
از بشر میخواست و یا آنچه را بش  
از دهشت آن برداشت تو ضیح  
نمود . ولی متذکر باشد که  
د راین جنگ تحملی بر جهان از  
طرف باندهای فاشیزم جهانی  
در حدود بنجاه الى شصت میلیون  
انسان تلف و نا بود گردید .

دنیای فقیر ، دنیای مبتلا به  
امراض ، دنیای پر از مرگ و میر  
های فاقه قحطی زده گی و بر عهده  
ما مبلغی معا دل به بیشتر از چهار  
میلیون دالر را که اگر  
ای پنج بیلیون دالر را که اگر  
با خطر زرین و در شت ورزی با خط  
سباه اعمال ، رفتار ، کردار بشر را  
نماید .

روز نهم می ز آن روزها بی می  
باشد که تاثیر آن در تاریخ بسی  
میر سید که به نرخ و قیم همان سا  
نظیر و کمیاب است . روز نهم می یک  
لها شاید میلیون نهاد بشر مبتلا بمرض  
قحطی و هزاران بلای دیگر را بدزمان  
میرساند .

در آن روزها و تمايزها از حیث  
قوت اثر کمیت و کیفیت های خود  
با خطر زرین و در شت ورزی با خط  
سباه اعمال ، رفتار ، کردار بشر را  
نماید .

## نهمی

### روز شکست فاشیزم

تبیع و نگارش

از عبدالله بشیر شور

روزها می آیند و می روند و  
تا ریخت بشری را ورق میزند . روزی  
با خطر زرین و در شت ورزی با خط  
سباه اعمال ، رفتار ، کردار بشر را  
نماید .

در حساب طبیعت هر روز روزی  
بیشمار میروند . هر روز روند تازه  
و موثر به زندگی فردی و جتماعی  
بشر ، وارد نموده و هر روز از نظر  
اهمیت کیفی و صوری خود مشخصه  
و ممیزه معنی بخود میگیرد .

روزها تمايزات و تفاوت های  
دارند که نقش آن در اذعان انسان  
متناوب و متمایز میباشد و این

روان است و در مسیر خود از همیج  
بین المللی "ما لک آزاد جهان" چیز نمیتواند.

ماروز نهم می را در حا لیکه  
بهمه جهان آزاد و صلح دوست  
تبریک می گویند یعنی بد شمان آزادی  
ترقی و زیست با همی ملل دنیا  
آینه عبرت قرار داده به آنها اخطار  
و هوشدار نمیدهیم تا با خود ، با ما  
بادنیای بشریت با آتشی بسازی  
نکند والا خود را بیشتر از همه  
به آتشی که می افروزند خواهند  
سوخت .

بمناسبت پیر و ذی اد دوی شور و بر فاشیزم

## مختصری از وقایع مهم جنگ دوم جهانی

شب سی و یک ماه اوت ۱۹۴۹ روی را منتهی م و بخاطر فرمانروایی  
بعد از طنین شلیک تیر، در را دیوی درجهان از اروپا به نقاط دیگر سوق  
اداره صورت گردید . و بعد از تصرف  
افریقا مقدمات جنگ علیه ایالات متحده  
امریکا در نظر گرفته شده بود .  
نقشه ای بنام « بار با دو سه »  
عنوان نقشه حمله آلمان فاشیست به  
اتحاد شوروی بود . که پس از اجراء  
ای آن نقشه به اسا س دستور العمل  
شماره سی و دوی هتلری در ماه جون  
۱۹۴۹ افریقا میدان تا خت و تاز  
بیشین بینی شده بود تا هندوستان  
را فتح نماید . چندی بعد بین آلمان  
و چاپان سندی به امضا رسید که  
مقاد آن تقسیم منطقه و نفوذ دوران  
هزن امپریا لیستی را در خطوط ط  
مداری هفتاد درجه طوال بلند شرقی  
بیشین بینی نموده بود بدین ترتیب  
 تمام افریقا به آلمان واپسیا و بخش  
شرقی ، هندوستان به چاپان و ا-

گذار میگردید .

در بیست و سه زوین ۱۹۴۱ حمله  
به اتحاد شوروی آغاز گردید و آلمان  
ها آرزو داشتند بعد از جنایات  
وانسان سوزهای که رهتو شده  
تجاویز ایشان بود هفت نوا همراه  
بود که در اوایل دول غربی ، امریکا  
انگلستان و فرانسه در مقابله این  
سیاست هالغمهاض می نمودند .  
نقشه فاشیست ها اول گرفتن  
کشورهای پوشانی کوچک اروپا  
با هر کزی وارویای جنوبی شرقی  
و شمالی بود . بعد از وارد نمودن  
او لین ضربه از آن فرانسه و  
انگلستان حساب شده بود تا با  
توانایی هر چه تماهی اتحاد شو-

2- اصول اسا سی برای وصدها مو رد دیگری که دنیا برا باش هر راه تو فی رهنمون گردید .

که در نتیجه آن یکصد و سی میلکت با استقلال نایل آمدند و این جنبشها و تضییقات ملی روح از جمله این تعداد هشتاد که با تقالی از کا لبند آن راه رشد غیر سرمهای داری میباشد . همچنان فاشیزم هتلری ملیتا ریزیم چیز کرفته وبیست و دو مملکت مستقیما وارد جهان سو سا لیزیم گردیدند و راه ترقی وبیشتر فت را امریکای سرمایه دار و چین سو سیا ل اختیار نمودند .

3- نهضت های انترا ناسیو نال شوو نیست یا مر تد انترا نا سیو- نالیست ، و عده دیگری از مر تجهیز که نظر به احصای مولو قامر وز هند بار دگر جهان را بروز سیاه در ایطالیا تلت نفو س و در هیجانیه و فلا کت بار بکشانند . مگر جهان آزاد ، جهان متر قی در ندو سه مملکت جهان متنا- طلب زمبا رزه خود با صفو فشرده هفتاد میلیون اعضا این حزب عا-



دوم فبروری ۱۹۴۳ گروه های دشمن در محاصره استرا لینکرادر

دینا نت به آنها مجال نخواهند داد .

4- فتح وظفر الجزاير بسر ولو که آنها با دست و پای مذبوحانه فرانسه و حصول استقلالش ، غلبه در تلاشند که :

کانکویی هابر استعمار ، جنگهای قهر- ۱- ضد سو سیا لیزیم تبلیغات مانی ، انگولا ، مالا لک زامبیا ، روندا جاهلانه راه انداد خته و بخواهند آنها مصادر هنگفتی را در این روندی ، موز مبیق وغیره در افریقا آنها مصادر هنگفتی را در این جنگهای مالا لک امریکای لاتین علیه راه از طریق وسا یل دسته جمعی مان بر امریکای مدعی در جهه اول به مصروف میرسا نند که نمو نهه قیادت جهان و بالاخره انقلاب پیشای پارز آنها مصادر ای امریکا و بی بی- حبشه ، ایران و زمبا بوی با مبارزات سی وغیره می باشد .

۲- جنگ سرد را دا من زده و میز نند و به بیانه های گونا گون مبارزات بر افتخار و قهر مانی آن .

۳- اغراض شوم خود را می خواهند از آن جمله است انقلاب بزرگ کار برده و جنگ گرم را تهیه بینند .

۴- از آن جمله است انقلاب بزرگ ویر ۱۳۵۷ تور ناید . ۵- مذاخله مستقیم وغیر مستقیم در امور داخلی ، خارجی و حقوقی نستان عزیز .



این اطفال در جنگ علیه نازی‌ها والدین شان را از دست داده‌اند.



سر بازان شوروی بعد از فتراج و پیروزی بر فاشیزم با خوش‌بالی  
زايد الوصفی یکدیگر و در آغوش گرفتند.

بطرف وا لکا عقب نشینی نموده و تهران، در پر تو پیرو زی های شو- لینگرگار در آتش محاصره هیارزه روی در اروپا در تهران دا یر گردید. می نمود . استا لین در جواب پیشنهاد ات

جنگ تا در واره های استالینگرگار روز ولت در پیام تا ریختی نزد اکتیور دامنه دار شد و در ۹ نوامبه ۱۹۴۲ حمله هنقا بل قوای شو روی شروع و چهار روز بعد سر بازان هتلری در یک حمله گازا نبری بدام افتادند . وجر یان جنگ از بیخ وین تغییر کرد .

تا سال ۱۹۴۳ شور وی مبدل به یک اردو گاه جنگی شده بود . سال ۱۹۴۴ به سال طرد کامل قوای آلمان فا شیست از خاک شو روی مبدل گردید . و بعد از این پیرو زی های چشمگیر شور وی در اخراج و شکست نیرو های فا شیستی در

روین ۱۹۴۴ قوای امریکا انگلیس در فرانسه بیان ده شده و جبهه دو مرا

التحاب نمودند .

سر بازان ارتش پیروز مند سرخ پس از بیرون را ندن دشمن از خاک شوروی به اجرا ی وظایف آزاد . پیخشش خو یش در ازو پا برداخت و ملل لهستان ، یو گوسللاویا ، چکو- سلواکیا ، بلغارستان ، مجارستان و رومانی را از یوغ فا شیسم آزاد ساختند .

هشتم ماه مه آلمان فا شیست تسلیم شد . چن نهم ماه می و جشن پیروزی بر فا شیسم در سرا سر جهان تجلیل گردید .

کنفرانس تهران : اتحاد شو روی بعد از سر راست کردن در مقا بل فا شیزم وبعد از تعقیب فا شیست ها در ا خراج از شوروی و پیروزی های چشمگیری که به همت سر بازان سرخ نصیب اولین کشور سو سیا لیستی جهان شده بود . در جر یان جنگ خواهان افتتاح جبهه دو م جنگ علیه فا .

شیزم در شمال فرانسه بود و ای این کار در سال ۱۹۴۲ عملی نشدو سال ۱۹۴۳ نیز همینطور گذشت تا اینکه مقدمات کنفرانس وزیران خارجه اتحاد شو روی انگلستان

ایلات متحده امریکا در جر یان بود و مکا تیب بین استا لین ، روز ولت تنا سب قوا بین شوروی و آلمان در وجر چیل تبادله میگردید تا کنفرانس بین آن هادر مناطق پیشنهادی طرفین دایر گردد و تصمیماً تی در مبارزه علیه فا شیزم اتخا ذکر یاد .

که بعد از طی زمانی پیشنهاد استانی لین مبنی بر تشکیل کنفرانس در استا لینگرگار می نویسد :

بقیه در صفحه ۴۴

خواهد شد و به موجودیت آن خسروت احساس نخواهد شد . این چنچ بسیار شریفانه و صلح خواهانه و صادقانه است ، هر گاه نیرو های امپریالیستی ، ارجاعی و شوونیستی واقعاً حرف و عمل شان فرق ندارد و از مو ضوعات صرف بپرسید که این خواست انسانی لبیک خواهد گفت .

دولت جمهوری دمو کراتیک افغانستان هم چنان مساعی سایر کشور ها را در راه نامیں امنیت و استقرار در منطقه عورت تایید و تمجید قرار می دهد چنانچه در اخیر اعلامیه مذکور درین مورد چنین گفته شده است :

.. حکومت افغانستان مساعی سایر دولت هارا به منظور آسان ساختن راه برای آغاز مذاکرات مودعند میداند . به این ارتباط حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان ابتکاری را که توسط جمهوریت کیوبا بر صلاحیت آن بجایت نیس چنین عدم تعهد بعمل آمده وهم چنان مساعی جمیله آن - جمهوریت را استقبال و حمایت می کند ... آری چون «وضع دولت انقلابی ما » موصوع صلح جویانه ، صادقانه و تشنج زدائی است توقع دارد که اعلامیه فوق با عمل متقابل وبالعملن مواجه گردد . ولی طوریکه در اعلامیه هم گفته شده است مردم و دولت افغانستان هرگز اجازه نمی دهد که محافل و عنابر نات بیون اشتراك خودش داجع به سر نوش آن تعمیم اتخاذ نمایند .

پطور کلی اعلامیه تاریخی ۲۴ تور ۵۹ حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان بصورت یک کل قدمی است در راه تخفیف بحران و تشنج در منطقه وچان وهم چنان این اعلامیه صحت و مقدم ادعاها و تبلیغات بمحاب ارجاعی و امپریالیستی را نیز برخلاف خواهد ساخت زیرا روحیه و متن این اعلامیه نشان می دهد که دولت افغانستان بصورت جدی طرفدار حل سیاسی و مسالمت آمیز کلیه مسائلی است که منطقه را تهدید می نماید افغانستان انقلابی وزعامت جدید آن یعنی زمامت انقلابی برحله نوین انقلاب همانطور یکه در ساحه سیاست داخلی به دمه فول های خود عمل نموده و وفادار می باشد در ساحه سیاست خارجی نیز عین موقع و ماهیت را دارد می باشد . دیگر آن حفیظ الله امین جا موس که بدون داشتن استحقاق زمام امور دولت و حزب را بدست گرفته بود و تا جاییکه بی توائست از دروغ وحیله وریا و خبات به عهد استفاده می نمود بگور نیست مجدد شده است مردم ما هم ، سر بلند ، شجاعانه و با توافق انقلابی به پیش می روند و هر خس و خاشاک را که چلو این بیشرفت را بتکبرد ، مانند امین و سلطنت های فودالی بگور نیست می سپارد . امید جدی و قوی دادیم که بیان صادقانه و صلح جویانه ی ما از جانب سایر کشور های مورد بحث ، بازناب مساعده و صلح جویانه بیابد .

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، زنده باد مردم صلح جو و آزادی خواه افغانستان

های کشور های دیگر متوجه ممالک همسایه خود را مفتر ساخته باشد اراده نمود تا با در پیش گرفتن راه رسید مترقب و آزاد دل جاده بپروری و خوشبختی به پیش بروندی نیرو های خود از حقیقت نه تنها با این اراده آزاد خلل نایاب مردم ما مخاصمت ورزیدن بلکه علا درین راه با مداخلات ، دسمیه ها و تسلطه ها منگ اندازی نمودند . مردم افغانستان بنا به اراده آهین و خلل تأثیر خویش تا توان داشتند علیه این توطه ها اعدام و آرا خشنی نمودند ولی مداخلات نشمنان صلح و ترقی ویشرفت بحدی شدت و وسعت یافت که تمایت ارضی ، استقلال مسلی ، آزادی وبالآخره انقلاب نور و دست آورده های آنرا با مخاطرات جدی مواجه ساختند ، مردم و دولت افغانستان بنا بر درک این حقیقت که اتحاد شوروی همسایه نیک ، صلح جو و مدافع صدقی نهضت های مترقب و رهایی بخش درجهان می باشد و هکذا بادر نظر داشت معاشه دوستی ، حسن هم جواری و همسایگی نیک متعقده بتأثیر قوس ۵۷ از اتحاد شوروی تقاضای کمک ها منجمله کمک نظامی نمودند که این خواست برحق طرف بذریش کشور دوست اتحاد شوروی واقع شد . امپریالیزم و ارجاع و عظمت طلبان جهانی که این کمک نموده باید جزء وهمه تنشه های شانرا نقش بر آب ساخت لایحه ای حل سیاسی محسوب گردد . که از

اصل فرازیکه در اعلامیه حکومت افغانستان راه در سر می برواند ، کور خوازنه اند مورخ ۱۱ جدی ۵۸ واعلامیه های بعدی غیر عمومی همه هموطنان نیز که بنا بر دلایلی خلا وطن را ترک گفته اند باید به وطن باز گردند اینک درین اعلامیه اعلامیه ۲۴ تور ۵۹ یکبار دیگر روی این موضوع تاکید بعمل آمده است وهم چنان حکومت افغانستان از کلیه کشورهای همسایه بخصوص حکومت یاکستان تقاضا دارد تا برای عودت آیین شهودن ما شرایط لازم را مهیا سازند . هکذا دولت انقلابی افغانستان آمده است تا بجهود وصول به حل مشکلات و مخاصمات کلیه مسالی را که از سالها به اینطرف بین اووه همسایگانش لا یتعمل باقی مانده مورد بحث و مذکور مسیوی دموکراتیک افغانستان با اینکا به اراده خل خلل نایاب مردم اسلام و آزادی مناسک مذهبی طوریکه قانون برای مسلمانان قسمین می نماید استوار خواهد بود ... دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان با اینکا به اراده خل خلل نایاب مردم اسلام و آزادی رعایت جدی اصول دین مقدس اسلام و آزادی مناسک مذهبی طوریکه قانون برای مسلمان خود ، بوجود آورد . روی همین ملحوظه بصورت شخص وفور و لبتدی شده ولی بصراحت اظهار می گردد که این همه قبول دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حکومت خواهد بود . در ماده پنجم اعلامیه ۲۴ تور ۵۹ چنین آمده است : « حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان عقیده دارد که گذشته از یک سلسه موافقات دو جانبی بین افغانستان و پاکستان و افغانستان و ایران فضمانهای لازم می باشد و حل اختلافات مورد قبول برازد ایران چنین می گویند : « حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حکومت جمهوری اسلامی ایران بیشتر می نماید تا برای طرح یک موافقت نامه مناسب بخطاطر التکاف مناسبات دوستانه وهمه جانبی و همکاری بین جانین میان دو کشور مذکور مذکور آغاز گردد ... .

جمهوری دمو کراتیک افغانستان با به بیرونی رسیدن خیرش طفر مند جدی ۵۸ در همان اوولین روز ها با کمال حسن نیت و احترام دست دوستی و برادری خود را بسوی برادران هم کشی و همسایه ها ایران دراز نمود و بهترین ظاهر این حسن نیت و احترام همانا یام برادرانه ویر از خلوص نیت ببرک کارامل نشی عمومی کنیه هر کسی حزب شهود کراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و مسدر اعلم جمهوری دمو کراتیک افغانستان عنوان حضرت آیت الله روح الله خمینی رهبر جلیل - الفدر مردم و انقلاب اسلامی ایران می نامد . در مورد پاکستان هم باید مذکور شد همانطوریکه در بیانیه علی و تاریخی آجدى ۵۸ بکمال صراحت اراده نیک مردم افغانستان در قبال مردم برادر و همسایه ها پاکستان از خاک شان عنایر خد انقلابی را عاد و ماجرا جویی وقتل وقتل وا می دارند . هکذا در اعلامیه تذکر رفته است که : « حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام می دارد که در چوکات حل سیاسی سوال بیانیه علی و تاریخی آجدى بیانیه علی و تاریخی دوچار شد وهم آن کشور هایکه با تحریک و تسليح دیگران در امور داخلی کشور ما مداخله می کنند وهم آن کشور هایکه از خاک شان عنایر خد انقلابی را عاد و ماجرا جویی وقتل وقتل وا می دارند .

اینکه در اعلامیه تذکر رفته است که : « حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام می دارد که در چوکات حل سیاسی سوال بیانیه علی و تاریخی آجدى بیانیه علی و تاریخی دوچار شد وهم آن کشور هایکه با تحریک و تسليح دیگران در امور داخلی کشور ما مداخله می کنند وهم آن کشور هایکه از خاک شان عنایر خد انقلابی را عاد و ماجرا جویی وقتل وقتل وا می دارند .

اینکه تجاوزات نظامی وسایر اشکال مداخلات در امور داخلی افغانستان تکرار نشود و عواملی مربوط به تبدیل این منطقه را بیک منطقه را از بین هم بروند که حکومت افغانستان را بر آن داشت تا از اتحاد شوروی تقاضای اعزام قطعات متذکره را به قلمرو خود بعمل آورده ... آری اگر به رویداد های دو ساله اخیر یعنی لذا اینکه دولت انقلابی های باید پیش کشیدن اعلامیه ۲۴ تور ۵۹ یکبار دیگر به همه جهانی اذعان می دارد که اگر مداخلات و تحریکات خد دولت موجودی شود بخوبی درک خواهد شد که مردم افغانستان بدون اینکه در امور داخلی کدام موجودیت قطعات محدود اتحاد شوروی آیز جل

دولت انقلابی افغانستان هکذا نذکر می دهد که همه کشور های مورد بحث باید آمادگی کامل خود را برای ایجاد روحیه و رویه متقابل احترام بیکدیگر ، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر ، مراجعت اصول حسن نیت و احترام همسایگی نیک و تعهد قطع فعالیت های خصماء مجتمعه فعالیت های مسلمانان علیه دیگر کشور ها را ، اظهار بدارند .

جمهوری دموکراتیک افغانستان بخصوص بیانیه علی و تاریخی آجدى که اینکه در امور داخلی کدام موجودیت قطعات محدود اتحاد شوروی آیز جل

## اعلامیه حکومت ..

لیبه صفحه ۵

# دکولپلر

لند داستان

لندگستان هیوز لیکنه

درو حانی رویا قیاده

دیکوال سره پیزندنه :

خر خوو نکی د شرا بو بو تسل  
په کا غذ کی ونگاره ، یا تی شوی  
بیسی بی هم بیر ته ور کری او بیا  
دیوه بیل ا خستو نکی خوا ته زوان  
شو ، کارل بوتل وا خیست اودباندی  
ووت . سره لدی چی غو بنتل بی  
لر وخت کی خبلی کو تی ته ورسیمی  
کامو نه بی او چت نه ا خیستل .  
دده زرده به تو بو و چی شراب به  
خه وخت خبی دیده بیلر و شرا بخایو  
نو خخه تیر شو ، خو زرده بی نه غو .  
بنتل هلتنه نتوزی ، خکه چی هیخکله  
بی دا سو لو به نوه کری . لند  
دا چی خبلی کو تی ته ورسید .

به هفه لوبه او لو غو نی کو ته کی  
هر هر بخه تیاره او آرام وو . کله چی  
دکور له زینه خخه بی خبلی کو تی  
ته گا مو نه ا خیستل ، به مخه کی بی  
هیخوک نه وو ، دکوره بول خاوندا ن  
خبلو کارو نو ته تللی وو . هفه  
ورخ سه شتبه وه ، او که هفه ورخ  
تلگرام نه وای ورته رسید لای ، چی  
مور بی دیره نارو غه ده ، بنه به  
داوی چی خبل کور ته راشی ، نودی  
به هم هرو هرو په خبل کار بو خت  
و . کارل په هیده چی تر خلورو بجو  
بوری ریل خر کتنه کوی . اوس بیوه  
بجه وه .

ده باید خبل خان دیر زر تیاز کری  
وای چی ولار شی . خو نن بی ناخابه  
شراب ته بی عجیبه تو گه زرده شوی  
و ، ویل کیری چی نارینه د خبلو  
اعصا بو دآرا هو لو لیاره شتراب  
خبی . په داستا نونو کی قهر مانان  
برا ندی خبی خو کارل براندی ته  
خبل .

دا شراب بنه او په زرده بوری ورته

«لندگستان هیوز» نوموتی تور یوستی شاعر او لیکوال دی . په کال ۱۹۰۲  
کی زینه بدلی . کله چی ده دمنځنی تھصلاتو وروستی کال ته دوامور -  
کاوه خپل لو مرني شعر بی یسو ورخنایی ته وسپاره .  
خنګه چی ، دی یوهیده چی موری نشی کولای نور دده دلوست خرخ  
برابر کری ، نو دی ته اپ شو چې په کار کولو بوخت شی .

د «هیوز» شعرونه دتور یوستو دغمونو او خوبیو او ددوی دزوند  
د خرنکوالی انخور دی . دی په خپلوا آثارو کی زیاتزه دتور یوستو او  
سپین یوستو تضاد خرگند وی .  
«هیوز» لند داستا نونه ، خوستاریو گانی او هم دکوچنیانو دباره  
داستانونه لیکلی دی . دده لند داستانونه په ۱۹۳۴ کال کسی د  
سپین یوستو تکلاره» نومی کتاب تر عنوان لاندی خباره شول .  
«دکور په لاره کی» دده له چیرو بنو آثارو بخنه دی چی خاص هنری  
بنایست لری .

«کارل» له هغه کسا نو خخه نه و  
چی تل نشه وی ، له دی کبله نه چی  
له شراب خبلو خخه بی ا خلا قسی  
ویره او دار در لود بلکنی ده خان د  
دیرو فکرو نو خاو ند باله ، چی ده  
ته بی خاص غرور او متائب ور -  
بېشلی و . ده ته به تل ویل کیده بی  
پلار بی شراب خبلل ، له همدی کبله  
ده نشه کول ناور کار باله . خو  
امکان لری چی دیلمستیا په وخت کی بی  
دیو گیلا س بیلر خبلل ناوره کارنده  
باله . لددی کبله چی ده نه غوبنتل  
له شراب خبلو نکی مشبور شی نو  
هیئت وخت بی شراب نه خبلل .

«کارل» له خبلی مور سره ز منه  
کی بی چی دده تایپوی وېنه کارونه -  
خبی ، دی د خبلی مور یوازنی زوی  
و نو له همدی کبله د خبلی مور د  
دیرو مهر با نیو تر سیوری لاندی لوي  
شوي و . کارل د خبلی مور زبنت زیات  
قدر در لود . خو له هغه کسا نو سره  
چی له ده سره بی سمه و ضعه نه  
کوله دونه بنه راشنه در شه نه کول  
او به دی خاطر چی بی «سا هرو یل»  
کی بی چی دده تایپوی وېنه کار ونده .

شوابی موند لای نویوه بل بشار ته  
ستون شو او به هفه خای کی بی کار  
بوخت شو . هره میا شت به به هفه  
ریل کی چی بی خلور بجو بی منع بیه  
«سا هرو یل» حرکت کاوه ، دی هم  
سور یده ، تر خوو کرای شی چی د  
یکشنبی ورخ هلتنه تیره کری . ریل  
به هفه خای ته رساده جی هلتنه بی  
میلمستیا گا نو سره بی دیر توپیر  
کو چنیتوب تیره کری و .

دی به هفه وخت ورسید چی دشپی  
رواج درلود . کارل له خبلی مور او  
به تیاره وه . ددوی کلیوا لی خوا په  
لکه شیدی او کور نی و جه دودی وه .

وروسته دشپی له دودی خخه به  
که به داپری وخت و دی او مور به بی  
دشنبی دشپی لپاره به بی سودا -

بوخت شول ، بشار ته به ورسیدل او  
دشنبی دشپی لپاره به بی سودا -  
اخیستله ، او که به درمی وخت و نو  
میز تر شا ولاپو په یوه عجیب لحن  
کله به د گاوند یو کورو تهولا پل  
بی ور ته وویل : «یوبوتل شراب» .  
چی د میو او به و خبی او کله به  
خر خوو نکی وویل : «خه دول -

خوبه استشنا بی خا بنت کی چی  
دی دیوه شراب خر خو ونکی داوردده  
اخیستله ، او که به درمی وخت و نو  
میز تر شا ولاپو په یوه عجیب لحن  
کله به د گاوند یو کورو تهولا پل  
بی ور ته وویل : «یوبوتل شراب» .  
چی د میو او به و خبی او کله به  
خر خوو نکی وویل : «خه دول -

خوندون شو او به هفه خای کی بی کار  
بوخت شو . هره میا شت به به هفه  
ریل کی چی بی خلور بجو بی منع بیه  
«سا هرو یل» حرکت کاوه ، دی هم  
سور یده ، تر خوو کرای شی چی د  
یکشنبی ورخ هلتنه تیره کری . ریل  
به هفه خای ته رساده جی هلتنه بی  
میلمستیا گا نو سره بی دیر توپیر  
کو چنیتوب تیره کری و .

دی به هفه وخت ورسید چی دشپی  
رواج درلود . کارل له خبلی مور او

به تیاره وه . ددوی کلیوا لی خوا په

لکه شیدی او کور نی و جه دودی وه .

پیکار يدل . کارل مخکبئی له دی چی نه وه دابه به وه چی اضا فسی  
ان خپله خولی يه کوت و خپوی د - کمیسو نه یی هم  
شرا بوبوتل بی له کا غند خخهراو - را ایستلی واي . امکان بی در لود  
ایست او سر بو بنی بی خلاص کن . چی دمور نارو غتیما بی دیره او بده  
دمیز له سره بی گیلاس وروا حیست شی او دی اه وی چی یوه یا خو  
او تردریمی حضی پوری بی له شرا - او ونی هلتنه پا تی شی . او شاید  
بو خخه دک کر . دی به دی کو بنین دابه بنه وی چی تیاره کمیسو نه  
کی و چی دا سوچ چی مور یی هر کیمی خلی خکه امکان بی در لود مور  
کیمی له ما غزو خخه لیری کری .

شراب بی وختنل او به هیله هیله  
یی وویل : «نه ، هیله کوم ! په کت  
وهل شوی وی . یو نخاخا بی غم  
او اند یبنینی بی تول خان نیو لی و .  
کینا سست چی دمه بی په خای شی .  
پدا سی حال کی چی لپ زیده په کت  
کیناست . له خانه سره بی خبری  
کولی «په سد شه ، سه شه سریه !»  
وی ، کرتی او کمیسین بی له خا نه  
واستنل او خان بی دی ته چمتون کاره  
چبلی خیری ته وکتل او مو سکسی  
«خوته ، لومه ری بايد بو خخه و پری»  
وروسته ناخا په وریه یاد شمول  
چی خبلی مور نه بی تحفه تنه ده  
بیاودر یه . ور دید او خان بی  
دادی سوچ په نیما بی کی و چی د  
یوه بل شی په فکر کی شو ، هفه  
دی ، داسی فکر کاره چی گنی سری  
پیشتوں او چت » رسید لی دی .  
داجی هغهورخ دشنی ورخ ندوه له هغه  
وروسته ناخا په هندا ری ته بخی  
شو اوداسی به سندرو و بلو بیل  
سه شنبه وه ، هفه ناخا بی تلکرام  
چی ورته رسید لی و دده دزوند  
توازن بی گه ود کری و ، هفه تلکرام  
چی به هفه کی لیکل شوی وو «مور  
دی دیره نارو غده دیر زر کور ته  
را شمه .»

کارل بنه غن در لود او ساختکی  
غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو - داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی  
گلو نو ته به زده یو ری .  
له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !  
په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !  
نه به دک او لور غن بیه سنت ره  
کارل بنه غن در لود او ساختکی  
غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو - داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی  
گلو نو ته به زده یو ری .  
له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !  
په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نوریا

ویلو بیل وکر . به دی وخت کی بی  
ناخایه دوره تک تک و وزید .  
کور ته ولاه شی ، میست شوی و .  
خه خبره ده ؟

او او س بی غو بستل چی خپل  
کور دکور دخا و نند و چی د

یه لپزه را غلی زده بی ورخید . په

داغر دکور دخا و نند و چی د

تشت کی او برد پر یوت چی دمه بی ده

دهلیز خخه اور یدل کیدو . او باید

جوه میشی دده تول خان په توده بور

ان له بستکه خخه بی دده غیر اوز -

کی و .. یوا زی سر بی له او بوجه

ید لی وی . «هیچ محترمی دایر !

هیچ ! یوا زی فکر کوم زده می

وقلی و .

دهه داچو اور بدر یوتل پنه غوابی سند ره ووا یم .

وو ، چوب او آرام . دمه شنبه بیه

بسا غلیه اند رسن ا تهدوزخی به

یی وویل : «نه ، هیله کوم ! په کت

وهل شوی وی . یو نخاخا بی غم

او اند یبنینی بی تول خان نیو لی و .

کی بکار بودت دی . او دی چی کارل

«غوا یم چی ولاه شم او مور بی

اند رسن دی . چوب او آرام د وو ینم هفه ...

تا سو تر بلبلی خخه هم زیبات

خوشانه بیست ... فکرنه کوم»

کارل دکور د خا وند د بیو شن

واورید چی له زینو خخه بستکه شمه .

چبلی خیری ته وکتل او مو سکسی

وگر زوی . هفه هم بیه پسر لسی

کی ... کله چی سره گلو نه دسر لی

یه وخت کی سند ره وا بی .

«مور بی ...

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

له هفه نه را وو زی . میست ، هو کی !

په تشت کی ودر ید اود خوشالی هفه میست و ، میست !

نه به دک او لور غن بیه سنت ره

کارل بنه غن در لود او ساختکی

غزی بیه خورو شرابو دک و ، سرو -

داشت دوی خوا وی بی ونیوی چی

گلو نو ته به زده یو ری .

زنان گشود شایسته کی خوبیش را در جامعه و  
فamil بدمست آورند باید مبارزه دشوار و  
طولانی را در پیش کینند زوی چنین ضرورتی  
سازمان ایجاد و به اهمیت «ظایف سکین و  
مسوالت های تاریخی جدا نوجوه نمود» زوی  
این ملحوظ سازمان در برآور خود و در برآور  
زنان آن گاه گشود و طبقه  
و در مسروکیت همراه را جه در عرصه مبارزات سیاسی  
فرارداد چنانچه در گذشته ناریخی هشت  
ماهی مطابق ۱۷ حوت ۱۲۲۷ هرام سازمان  
و مدنی بعد امسانه سازمان اسلام گردید.

خوب تعییه جان برای ملعونهای بیشتر اگر  
در باره هرام راه اهداف سازمان دو کراپتیک  
زنان افغانستان روشنی اندازید همنون هشتم  
در پاسخ باید گفت:

- هدف نامه ایام رهایی بخش سازمان مانند نهاد
- این مطلب را در بر میگیرد
- تأمین حقوق مساوی زنان در تمام عرصه  
ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، مدنی، سیاسی  
و فرهنگی و احترام مقام زن در کار و حمامه
- تأمین حق کار زنان بدون قيد و شرط، با  
دستبردار مساوی با مردان در برآور کار مساوی  
و اشتغال در تمام امور و حرفه ها

سامحای بیسواری و تأمین حق مساوی تعلیم  
و تحصیل تمام زنان.

رهایین زن از قید عادات خرافی عنعتات  
طالعه و رسوم خد کرامت انسانی تأمین حقوق  
زن در امر ازدواج مالکیت و اطفال ایجاد شرایط  
مصنوع اجتماعی برای تشکیل خواهود

مطابق وضایت واقعی زن و مرد و مبارزه  
در جامعه و هم در فامیل منجمل محرومیت های  
فراروان میگردیدند.



## زنان آزاده‌ما این

# مشعل داران راه آزادی



زنان شجاع و مبارز نادر گلنشه چون در اسوار در برآور دشمنان رنگ ارتش ایجاد و مقاومت را از دست آوردند و باهوشیاری به مبارزه  
قوه، بی اذایه تقدیم کردند.

گفت وشنودی پانجیبه هوتكی عضو عیات  
رهبری سازمان دوکراپتیک زنان افغانستان  
لطفا در باره تاریخچه سازمان دموکراپتیک  
زنان افغانستان ملعونهای ارانه نمایید.

سازمان دوکراپتیک زنان افغانستان که  
بحسب سازمان منتظر و نیرومند زنان در  
تاریخ گشود تو ایست مبارزات آنکه مان با تأسیس  
حزب برافتخار دوکراپتیک خلق افغانستان در  
۱۹۶۵ توسط دوکنورس اهلیها داشتند زاد  
شخصیت مبارز و انقلابی پایه گذاری شده و  
مبارزات رهایین بخش خود را برای او لین بار  
در چوکات یک سازمان اصولی و منتظر ایشان  
نمی آغاز نمود.

سازمان مادر طی پایانه سال موجود بی خود  
همواره برای ارتقای شعور اجتماعی و سیاسی  
نقش بزرگی داشته بوده است.  
این یک مطلب روشن است که:

زنان گشود معاشر از حقوق سیاسی اجتماعی  
اقتصادی و فرهنگی خوبیش محروم بودند هم

و عضویت سازمان به اساس خواست دارد. گستردۀ تر و دو سیمین در میان افسار مختلف طبلاله تمام زنان افغانستان اعم از زنان کارگران، دعفانان بسطه زنان روشنگران، کارگران و دعفانان بسطه دهقان، پیشه ور و روشنگران و زنان خانه صرف و توسعه داد. و مسیر مبارزه را بصورت اصولی تعقیب نمود. وزناییکه مشن خاینه و انحرافی امین آدمکش احساس شد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان باهوشیاری انقلابی ایکه و هر تبعه زن افغانستان که سن ۱۶ واتکنیل کرده باشند و هر امناهمه سازمان را قبول و در راه داشت مبارزات سازمان را شکل مخفی بخشید و نظریات سیاسی مینباشد.

و هر تبعه زن افغانستان که سن ۱۶ واتکنیل کرده باشند و هر امناهمه سازمان را قبول و در راه باشند و هر امناهمه سازمان را شکل مخفی بخشید و نظریات سیاسی مینباشد.

طبیق آن بکوشد حق العضویت ببردازد می تواند عضو سازمان شود.

در دوره ترور و اختناق امین جلال چکونه فعالیت داشتید؟

بناوجود یکه قبلاً تذکر دادم بازم میگویم که سازمان دموکرا تیک زنان افغانستان در می ابتكارات و دلاوری خاصی از خود بخراج می داد. و کار انقلابی را موفقانه بالجام میرساند. با افتخار تمام میتوانم اظهار کنم که با همه ظلم و ستم ها و وحشی گری ها شکنجه داده اند حتی قشیل گروه گستر و از جوانان بیکار قدر مالانه ادامه داده است.

بناوجود اختناق دوره سیاه امین و مشکلات کو ناگون یکه باند تپیکارش دربرابر ما انجام داده بود سازمان لحظه ای از مشن اصولی و اعضاي دلیر سازمان دمو کرا تیک زنان افغانستان برق خود انحراف نکرد و فنا پیشای خود را از بیکار انقلابی واجه و طایف دست نکشیدند و با ترور و قاطعیت و جسارت بی امان مبارزه را نامرسحه بپروردی و سرتکنی امین جلال بیش بر دند.

کدام گفتنی اگر یه زنان کشور داشته باشید؟

سدر اخیر از تمام زنان شر انتمندو مادران قهرمان وطن دعوت بعمل می آوریم که در گرد سا زمان دموکراتیک زنان افغانستان این یگانه سازمان با تقوی و رزمته حلقه زند و بصورت یک مشت و یک پارچه در صفت متعدد با حزب د. خ ۱۰۰ علیه دشمنان چنایتکار علیه باندید های آدمکش و دشمنان مسلح و آرامش مبارزه نموده و در راه تطبیق دستاوردهای مرحله توین افغان تور در راه تامین نظام و آرامش و ترقی بجامعه معنی لازم را بخراج دهدند.



گرچه ظلم و استبداد سلطنتی به اوجش رسیده بود هرگز در غم وارده خلل نا بدیز زنان قهرمان مالتیلر نمیگرد



نجیبه هوتلی عضو هیات رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

هیجان نامین حقوق و آزادی های وسیع مبارزه را برای شرکت زنان تک و تکتر می دموکراتیک مثلاً حق انتخاب کردن و انتخاب ساخت. و عقدتا مشکلات از هنرایه بروز من شدن آزادی بیان شرکت در احزاب، اجتماعات گرد. مکن هم موجودیت نظام های مستبد ارتقائی و کار اجباری و مبارزه جدی علیه امیر بالزم که فاقد حوصلت دمو کرا تیک بود و همواره می هنراییم و فاشینیم و پشتیبانی و همدردی کوشید با سیاست ارتجاعی خود مانع آگاهی از زنان مدل مستبدیده که برای آزادی و استقلال تشکیل و رشد زنان شود. و از جانب دیگر میرزمند از جمله اهداف اساسی این سازمان بشمار میرود.

سازمان دموکرا تیک زنان افغانستان وظیفه خود هن داند که از یکسو وظایف منفی و سیاسی خویش را به سویه منی انجام دهد و از سوی دیگر علیه چنگ، تجاوز تحریکات امیریا لیستی مبارزه کند و از تپست های رهانی بخشن در سراسر جهان واز می رزات سازمان های مترقبی زنان و زنان ترقیخواه جهان بخاطر مسلح، آزادی، دموکرا سی پشتیبانی نموده و هن گونه پلاتهای شوم امیریا لیز را خشن سازد.

آیا سازمان دموکرا تیک زنان با فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان ارتباط دارد؟

بالته که سازمان عایاقدراسیون بین المللی زنان ارتباط دارد.

سازمان دمو کرا تیک زنان افغانستان سال قبل توسط فدراسیون دمو کرا تیک بین-

المللی زنان بر سمت شناخته شده بود. و فعلاً عضو فعال فدرالسیون می باشد و از پشتیبانی و کمک فدراسیون و دیگر سازمانهای دموکرا-

تیک و مترقبی بر خوردار می باشد.

تا بهحال هیئت نایابگی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در اثر دعوت سازمان های اتحاد شوروی به آن کشورها مسافرت کرده اند دمو کرا تیک زنان کیوبا، المان دموکراتیک و چند سازمان دیگر نیز از نایابهای سازمان دموکراتیک زنان افغانستان دعوت بعمل آورده اند.

مشکلاتکه بیش از انقلاب شکوهمند تور بان فشارده و آهینه و با استواری و ایمان رامیخ رویه رو بودید چه بود؟

واسطه است که شرایط بیش از انقلاب تور مبارزات اقتصادی و سیاسی و حتی اید لو زین شرایط سیاه استبدادی بود و اصلًا تا قبل از انقلاب منسق دهد.

تور هیچ قانون دمو کرا تیک و مترقبی در چهت لطفاً بگویید که شرایط عضویت دوسازمان بیهود بخشیدن وضع رقتیار زنان کشور در

- سازمان هی دمو کرا تیک زنان افغانستان یک سلطنت های معرفت اجراء قرار نکرته بود. و سلطنت های سازمان هی دمو کرا تیک و توده ای زنان مطلع ارجاع افغانستان موز به روز عرصه افغانستان است.

# د نیکی

بیا آج همان را به بد نسپر کم  
پکشش همه دست نیکی کم

نمایند بی نیک و بد پایدار

همان پکه نیک بود یادگار

پاداش نیک بی بی بیشت  
خنک آن که جز خشم نکنست

فردوسی



## عشق و امید

در جهان عشق سعی باطل الکار نیست  
در مقام چلوه حق بوده بندار نیست  
(آتاب آمد دلیل آفتاب) عشق مسا  
کارها را گز دلیلی هست غیر از کار نیست  
حق نمایال است چون هم دره میان اختزان  
معنی روشن امیر صورت الکار نیست  
مینه های خلتها آینه کسردار هاست  
هیچ تصویر دگرگویان از کسردار نیست  
کوه و کوتول میترشد وهم عادر راه ما  
عشق ما خام است یاران راه ناهوار نیست

بن چهت از لیلی مطلوب نورافتاده ام  
ورنه محراجی گریبانزا در دیوار نیست  
ساده لوچان ایمنند از دام نیز لک زمان  
چون صفا خلوت آینه را اغفار نیست  
از گدروت با خیال خویش گردی رو برو  
آنجه را بستانه بنداری بجز زنگار نیست  
میخورد خار و گل اینباخ از پاکریشه آب  
در گلستان معانی فرق نوروزار نیست  
بن امید و عنق هر کاریکه باشد مشکل است  
یادها گز عشق گردد کارهای دشوار نیست  
حبلدی نجسیری



گلچین گیلانی

## نیکویی

راه راه

چهان مرام مر اسر قبولی و باد  
به تو بیست مرد خردمند شاد  
له کسردار های توجون بتکر  
فسوس است و بازی نماید برم  
خنک آنکه ذو نیکویی یادگار  
یماند اگر بلند گز شیربار

راه است ویای خسته من، کنش تشك من  
چاهامت وجاه، بیچ و خشم و نام و نشک من  
کوه است و دره، چنگل البوه و منگ و گل  
دندان شیر و گرگ و تیش های درد دل  
رچامت و تا امینی و میخ است و خارویش  
میرالدم به بیش ، که میرالدم به بیش ؟  
این هستی من است ولعیدام از کجا مت  
از گیست ؟ بمرجیست؟ چنین برخطر جرامست؟  
این چیست در دل من ؟ مهر است یا نیاز ؟  
یسا آز ؟ یا نشانه الکنت چرک راز ؟  
دل چیست ؟ اذیرای گه این جوش و این خوش؟  
این چست و خیز دیدم موج سرخ پوش ؟  
در دره های مفر من این رود های مسار  
موی کسد ام در یا هستند ر هسیا ر ؟

## راستی

لیشی به جز راستی بیشه ام  
بکری یابد خود اندیشه ام  
به گیشی به از راستی بیشه نیست  
زگری بترهیج الدیشه نیست

## چه دافی

به هرجایگه یارندویش باش  
همی را در برد مردم خویش باش  
بین لیک تادوستدار توکیست  
خرده مدندا لذوه گمار توکیست  
بیخش و بیارای و فردا گلکوی  
چه دلی که فردا چه آید بروی  
نوندون

علی احمد شیر ذی

## کاشکی با غوان وای

کاشکی با غوان وای لو بید ام بهله گلو سره  
 وم به فطرت سره ملکری خیال دنگلو سره  
 بنگلی محو نه به می بنگل وه له نسیم سره گاه  
 مستو نشو کی لمبید لم به لمه ملو سره  
 یابه می غین کی تینگوله د هطرت ناو کسی  
 یابه تپلی دام دزلفو کی کا گلو سرمه  
 کله چی بیغلو اینبو دل دعیقت گلو نه  
 تلم به مزار دشنهیدا نو ته سنبتو سرمه  
 چکه زولی به می دگلو او غنج ووروره  
 یولاله زار به به مزار وه خما تللو سرمه  
 دتورو ز لفو به پالو نو کی دگلو ایمه  
 له لونگین سره به گهوم لمه اور بلو سره  
 کاشکی با غوان وای چی د گلو غار کی سره  
 دتور اور بل دیا سه خو بس به ومزا نگلو سره  
 له عند لیب سره به گه دسوز سازبه نعمو  
 راز او نیاز به می همیشیں وه له بلبلو سره  
 وم به او لس سره ملکری دخیل شعر به رُبیه  
 خکه او لس ته خد مت کیبری بنولیکلو سره  
 شیر ذی دا خو تکی ویلی دیا غوان له ژیسی  
 دده به هیلی پکنی و مو مسی کتلو سره

## نامه وداع

پرسان پرسان رسیدم از راه  
 بیدا کردم نشان او را  
 پشتم دنگ و در گشوده  
 گفتم گوئیدش آید اینجا  
 دیدم کامد زخانه بیرون  
 سنگین سنگین وسر فگنده  
 ترسان ، چون کودک گشوده  
 لرمان ، چون آهی رمنه  
 آمد رویش ن شرم گلگون  
 لب هایر نگ و سره و خاموش  
 چشم ان شنه بروانگوش  
 پسبردم نامه را بدست  
 گفتم با عذر ای دل آزاد  
 بستان ! این نامه وداع است  
 رفته ، رفته ، خدا نگهدار .



## سو ۵ یو دی

امیر یالیز وشیو ونیز سره یوندی  
 صبیونیزم او فاسیزم سره یسودی  
 ماکیاولیزم دریو ونیز سره یوندی  
 انار شیزم و ترور یزیم سره یسودی  
 دوکتور زیار



## شمع و سه پیشد

### شبگرد

یک شب تاریک و عالم در سکوت  
 کوره باریک بود و کس نبود  
 مه نبود اند یشه بودوجا م بود  
 شیشه بود و من بد م او هام بود  
 تارسیدم پای گور نا شنا س  
 دیدم از ظلمت سرا ی دور نور  
 شمع او خاموش مردی هرده بود  
 چهره خود می نمود اما چه سود  
 حیف گفتم خود به ره گشتم روان  
 تاشق شد صبح سیمین تن دمید  
 پای شبگردی لب ساحل رسید  
 پرنیان شن بودو بعرازام بسود  
 من بدم اندیشه بود و جام بود ،  
 خوش چین

پایاک بهار ، رویش گلیای رحمتی  
 یامن بمان که پرخواز دلایی غربتی  
 من در کنار پنجه نسبیر کرده ام  
 این قصه را که آیت زیبای چنتی .  
 در چله های خرم این فصل نوبهار  
 شعر سهیمهای وزیانگ فرانشی .  
 در حجم های کوچک فردای خاطرم  
 حقاکه بی شاه ترین هر ز ساختی .  
 من دریناه غربت شبها نشسته ام  
 تو یادنی روز ، ندین کوب راحشی  
 توجون لگین قاب به الکشنر لگاه  
 در هر کجای شهر چه فرشته آیشی .  
 پتیر سخاوارن .

شفق رادر دفتر کارشن ملاقات میکنم و با او به  
گفت و شنود صیغمانه بی پیراهون امور سینما بی  
میپردازم که بیشتر به جدل میماند و ردوبدل  
اندیشه و نظر ما در باره هنر هفتم - با توجه به  
نظرات خاصی که او در این زمینه دارد حاصل این  
تشتت چند ساعته را به صورت مصاحبه گوئی  
نشرده و مقداری پیرایه بنتی قلمی که خواه  
نحوه سایه انداز صمیمه و ساده گویی میگردد  
که در صحبت ما حاکم بوده است به نگارش  
میاورم تاچه در نظر خواهی از شفق در باره هنر  
سینما آغاز میگردد.

شفق جان! با توجه به امکانات وسیعی که  
سینما در بازار ایرانی یعنی واقعیت ها و ایندیشه در  
اندیشه بیننده و اتفاقی مفاهیم دارد از سوی دیگر با  
قبول این نظر که این هنر به خاطر ارزانترین بودنش  
در میان وسائل گونه کوئن تقریبی بیشترین گروه  
های مردم را به سالون های نمایش میکشاند  
هر روز ساجه مطالعه و تحقیق نیز پیراهون  
از ارات روانی و اجتماعی آن روی بیننده گسترد  
تو میگردد و نظرات تازه بیشتر در ابعاد مختلف  
آن ارائه میگردد که هر یک طرفداران و  
مخالفانی دارد.

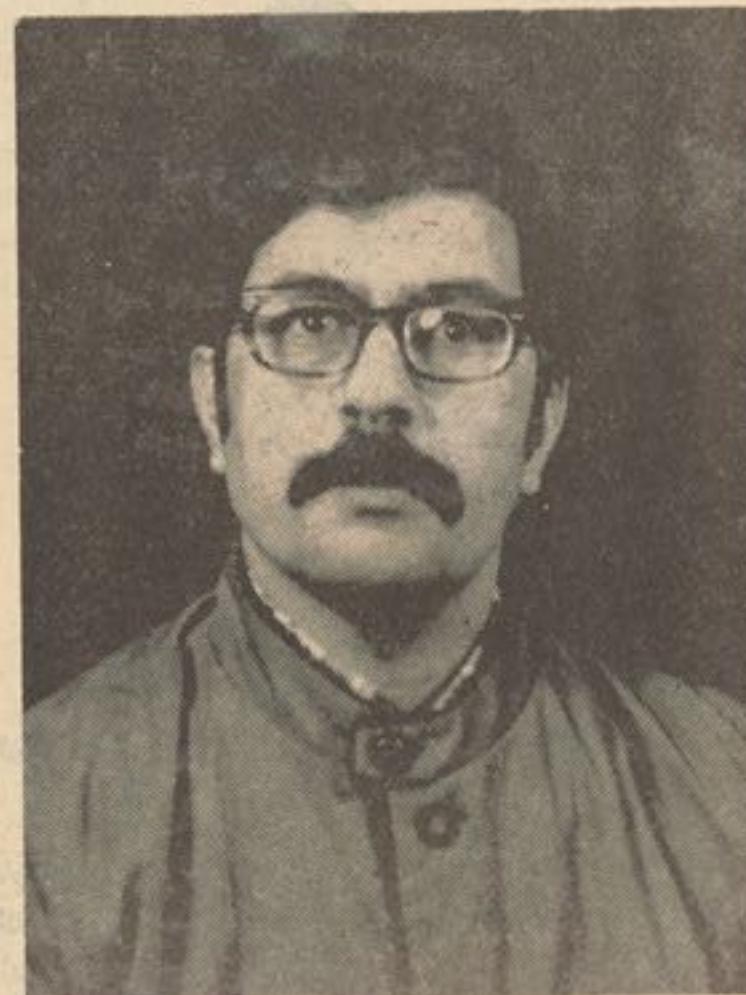
به صورت عموم امروز میتوان مجموعه این  
نظرات رادر دو بخش فشرده ساخت، نخست  
اینکه سینما باید نقش آموزشی داشته باشد و با  
استفاده از امکانات فن و کار بردو سمع خود را  
بروراندن سک قصه مسیر اندیشه تمثیله تمثیله  
در یک چیز خاص اخلاقی رهمنون گردد و دیگر



این چیزها و اعمال خلاف اخلاق اجتماعی سالهای است که باز مانند شرایط زبانهای گذشته به خوبی دو فلم جنایتکاران مورد بررسی قرار میگردند.

سلسله مصاحبه های اختصاصی روندون با هرمندان  
گفتگویی با تور یالی شفق دایسر کتر پرودیو سر سینما

# از آفرینندگی و خلاصه و بی هدفی در



تور یالی شرق کارگردان فلم جنایتکاران

## آشنا شویم

تور یالی شرق بعد از آنکه تحریلاً تشن را در رشتہ امور سینمایی در کشور هند بپا یسان رسانید، عملاً وارد کار سینما شد و نخستین تجربه هایش را در این زمینه با مو نتاز (پیوند) فلم و کمک کارگردانی ساخته های افغان فلم به آغاز گرفت.  
روز های دشوار نخستین پرو دکشن هنری بود که وی کمک دایر-کتس آنرا عده دار بود و بعد از آن با کارگر دانی دو فلم هنری مجسمه هایی ختنند و غلام عشق هستیقل به پیاده ساختن تجربه های هنری خود در زمینه تو لید فلم برداخت.

شفق اکنون صاحب امتیاز و مسؤول شرق فلم است که اولین محصول هنری آن جنا یتکاران به کار گردانی خودش به زودی روی اکران خواهد آمد.

وی سی و دو سال دارد و دو بار ازدواج کرده است.

\* اگر به گردانندگان امور سینمایی کمال نکردد، سینمای ملی و رنگیست میشود.  
\* وقتی سینما گر روشنگر نتواند ایشانه های هنر قی دوران خود را در  
قالب های ساده بیفکند به خاطر سرگزی از قیچی سا نسوز به افایده تصویری سهمو لیک میگردد.

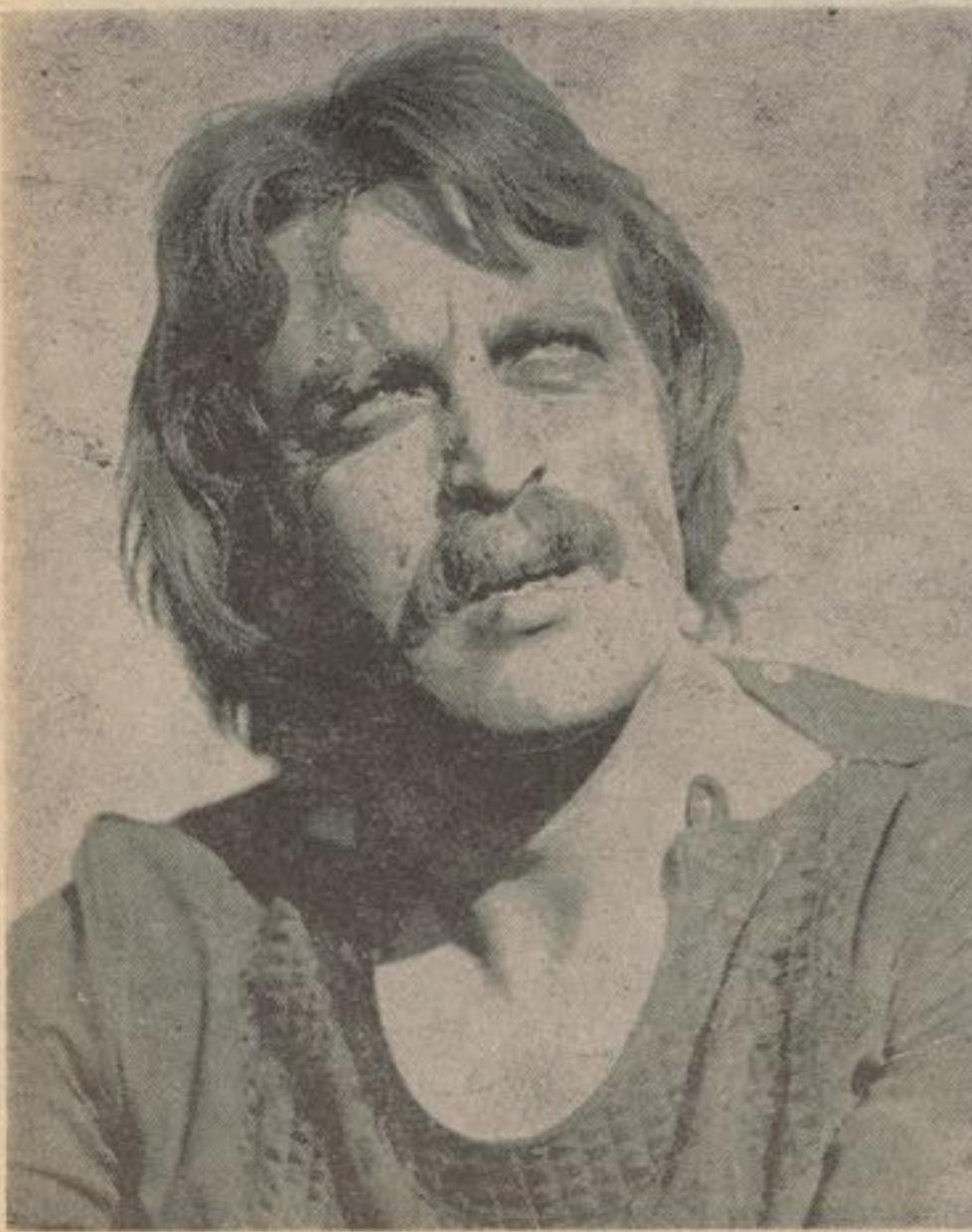
سکل که از آن باید باشد خصوصیت باز آفرینش را  
باز نایی خود را از واقعیت ها از دست نماید بگوئه بی  
که تماساگر را به فکر در باره زندگی و اداره  
به او گمک کند که بایدید معمول خا در پس  
علت باشد . به او بیاموزاند که زندگی غریب  
در ساحه پنچار ها، خواست ها و امیال او خلاصه  
نمیگردد ، سینما باید بتواند تماساگر را لست طبع  
به عمق یکشاند و احساسات اورا برانگیزاند -  
حافظه های انسانی را با هم گزند و میان اندامان  
عا در همه جا بیروند بر قرار کند - با چشم همار  
عایی است که من به تفہیم خوب هاوید خای  
سمیایی میر دارم و در پیلوی شمهاین کابه آفرینش  
عنتری در گار سینما ارزش فراوان فایلم - جنانکه  
اگر آفرینش و خلاقیت در سینما مطرح نیاید  
آنرا در جدیک ابتدا میدانم و نه بلکه ارائه  
عنتری \*

- من فکر میکنم نمیتوان عر خلاقیتی را در هتر  
به تایید گرفت . ممکن است بلکه آفرینش هتری  
با همه زیبایی که دارد در اصل از فلسفه دفاع  
کند که در آن منافع انسانی در نظر گرفته شنیده  
باشد و یا از اقلیتی دفاع کند که جیا و لکرانه  
به جان اکثریتی بزرگ افتاده باشد و یا واقعیت  
عای عینی زندگی اجتماعی را منسخ کند و مانداین  
ها - سینما در این مورد جگونه آفرینشی را در هتر  
به تایید میگیرد ؟

- گفته بیشترم را یکبار دیگر تاکید میکنم  
اگر سینما واقعاً باز تایی باشد از عیشت های  
جامعه خود به خود گرگ . گرگ تصویر میگردد  
و بره . بر هر حرف شمارا قبول دارم اما در هر زدنی  
که خود سینما واقعاً عنتر از مسیر اصلی خود  
معتبر گردد ، من آفرینش های را قبول دارم  
که از درون جامعه از روابط انسانی با هم ، از  
شراحت و ضوابط حاکم موجود در درون آن جامعه  
چوکان خاصی اخلاقی . بلکه درین بروای و سمع  
ما به گرفته باشد و نه از هم گرایی و خیال بر واژی عای  
اجتماعی مطرح باشد ، سینما بیرون صورت و بیر غیر واقع .

# لایت تاد نیال رویی در سینما

- \* اگر هنر هفتم باز تا بسی از واقعیت های عینی جا میه باشد .
- باید گو گ در آن گر گ تصویر گردد و بره ، بره
- \* هر سازند گی و خلا قیمتی را در سینما و هنر نمیتوان به تایید گرفت .
- باید دید که این آفرینش چه را می خواهد بگوید و چه رانفی می کند .



ابراهیم طقمان درین نقش هنری دلیل هنرمندانگاران ظاهر می گردد

اینکه هنر هفتم نیز هاند هر عنتر دیگری باز عقیده دارند که باز آفرینش واقعیت اگر کامل  
تابی باشد از واقعیت های درونی و عینی جامعه و بی عیب و هنر هندهانه صورت گیرد خود به خود  
که در آن یا برس های قطعاتی از زندگی عادی تماساگر را باری میدهد که راه درست را از  
در روزانه بینندم به عمق مسائل و حوالاتی کشیده نادرست تشخیص دهد و انگیزه شارا بتواند به  
سود گه هر روز بدهنوی با آن سروکار دارد . در گیرد .

اما در این نشاند هی عنتر آهین گر نیاشد . نظر سما در این زمینه حیست سینما هستند بدینه  
اندرز ندهن خوب هاویده ایام و ازین خاص نوع سینمای عستید و خوب و بدرا درین عنتر باجه  
اخلاقی کمیسینما گر به آن اختقاد دارده خسورد معیار ها و ضوابطی تعین می گند .

هردم ندهد و بگذارد که تماساگر خود به تفکر این ساله فرق میکند که سینما را در کدام  
کسیده شود و دواین نوع دوم ، هنر بینتره جامعه درین کدام هردم و درجه سطحی از  
خاطر هنر مطرح باشد تابه خاطر آموزش دهنی . فرهنگ و دانش هنگانی ره طرح میاریم . من  
باید آوری این نکته که طرفداران جشن سینمای انتقاد به سینمایی دارم که آموزش در آن نه در این

سود عادی نوشت و خوان را هم ندارند . آنها چکونه میتوانند درین فلم زبان سمبول ها را بفهمند . آنرا در کنند و از طریق آن به افشا کری سینما کر در زمینه واقعیت های ناهنجار جامعه برستند ؟

حروف شما کاملا درست است ، اما اگر سمبول ها پیچیده بیانند و پیوتد تصویری هستند آنها باشد به گونه ای که سمبول هود نظر بتواند ارتباط منطقی تصویری خود را با نصادر بثبی و بعدی فلم حفظ کند در واقع کرده سمبول را خود فلم باز میکند و ملاهم را به تماشگر میرساند .

شما میتوانید بیان نموده از این گونه ابداع در ادامه سمبول های تصویری درساخته های سینمای خود اشاره کنید ؟

من مثالی از فلم «جنایتکاران» میاوردم که زودی روی اگران خواهد آمد، در این فلم دختری جوان ربوته میشود نامورد تجاوز فرار گیرد . سات های بعدی هادر این دختر رادر حال کالا شوی نشان میدهد هادر بعدا تقاره را که آپشن کنیف نمود سرایزیر هیکنده . کفره دوش این آپ را ناجوی آپ یاک روان تعقیب میکند و بید و ن فاصله در نسماه بعلق دختر به چشم تماشگر کشیده میشود که هود نجاوز است ، خوب این صحنه - صحنه روش

آپ های چنل در آپ بیاک و تاکید تصویری که روی آن میشود یاک سمبول است که نشان میدهد چکونه ندانم کاری ها کنافت هارا مجال امیختنی

با باک هاو نایاک ساختن آنها میدهد و بیوند تصویری فلم نیز به بیننده کهک میکند که منتظر سازنده و تصویر گر رادر باید و باورابه تکل درباره کنافت سازی ها وارد است .

ساتا ی شفق به اجازه شما میبردازم به موضوع تیپ سازی در سینما یا باید آوری این نکته که تیپ سازی موفق درواقع به تماشگر سینما موقع میدهد تا ویه اصل تداعی ذهن بر سر و نموده های فراوانی را از تیپ هود نظر ارائه شده در سینما در زندگی روزانه خود بیاد آورد ، آنها را بشنا مسد ، با خصوصیات روانی و عاطفی شان آستن گردد ، تیوه فکری سان رادر باید ، انگیزه های اعمال شان را بداند و سعف ها و توانایی های شان را برسی گیرد من هی خواهم ادعایتم که سینمای ها تاکنون توانسته است تیپ های زنده بیان را ارائه دهد ، شما این نقیسه را چکونه تو فضیح میکنید ؟

محترم راضع ، من نظرت را درندیم گتم ، اما تو هم ناید فراموش کنی که هادر برو بوس های سینمایی با مشکلات و دشواری های فراوانی رو برو هستیم که همانع تبیه کار های خوب و بی عیب میگردد . کمبود وسائل فنی ، کمبود برسونل و مخصوصا بازیگر با استعداد در سطح که تو آنرا به طرح آورده ای ، فقر بولس وده ها برا بایم دیگر از این قبیل میباشد که نهی گذارد کارها درست به انجام آید . دایر گز در شرایط سینمایی های بایک گروه باز یکن حرله ذی سروکار ندارد که در هر نفسی بیشترین هارا برگزیند و آنها رادر قالب های هنری شان جای دهد ، ما مخصوصا تا جایی که میباشد بازیگر زن در سینما رو برو هستیم که وقتی کسی حافظ میشود در فلم بازی کند بی تو جه به سطح و میزان استعداد و توانایی اوراین رشته بیز برایش

میگردیم و میکوشیم تا جای امکان از او جیزی سازیم سدر این گونه شرایط ناید سطح توقع را زیاد نمایم .



این در فلم جنایتکاران نقش اول را بسیار بدیده دارد



در کشور های عقب نگهداشت شده که از سوی سطح سود و میزان آگاهی عمومی بین این است واژسوی دیگر اختناق فکری در همه جاییه تستر است و قدرت های حاکم سیاسی هیکوشنده هر را غصیس را وارونه جلوه دهنده به نظر شما روسنگر هنرمند در این سینماگر روسنگر چکونه میتواند باساخته های خود بیانگر واقعیت های عینی جامعه باشد و تصویر های گویای خود را از قیچی سانسور بدور نگه دارد ؟

وقتی هنرمند تئاتری قرار میگزد که نمیتواند حرف خود را بگوید ، نیچار برای رساندن بیام خود به مردم نمیتواند که سمبولیزم یکی از این روش هاست ، سینما گردیجنس شرایط میتواند بمالانه سمبولیک حداقل بخشی از اندیشه خود را باز گویند و مقداری از واقعیت هارا بر همه سازد .

به نظر من هنرمند باید درست مثل یاک ماراز گوچکترین منفذ های برای رخنه گردن استفاده برد . در غیر این او نمیتواند تحرک هنری خود را حفظ کند . هنرمند نباید در انتقام مساعد شدن شرایط باشند او باید خود شرایط را مساعد گردد .

من دشواری را در سطح یاک کشور عقب نگهداشت شده به طرح آوردم و در گرسنگی لیزیم به آگاهی نیاز دارد . اگر در این زمینه گشود خود را مثال بیاوریم ۹۵ درصد مردم ماحت

مخدجان گورن در یکی از صحنه های مخصوصا تا جایی که وقتی کسی حافظ میشود در فلم بازی کند بی تو جه به سطح و میزان استعداد و توانایی اوراین رشته بیز برایش

مخدجان گورن در یکی از صحنه های

بلم جنایتکاران

بسمله گفت و سند های ...

دزدی د پر مختاک په هکله  
در سوم بهسته بیز ارز بست

کله چی انسا نا نو دنپری پر من  
نود همغئی گپری تخته بی دخپل چار-  
ستره کی پرا تستلی تود لپری پر من  
پیر یال دپیزندلو او خپل ژوند ته  
بی راز، راز شیان تر ستر گو ورغی  
دودی اود پر مختگ ورکولو خیال او  
فکر بی هم ددماغ په هاغزو کسی  
په عره اندازه چی زمان بدلون و مومند  
ورو گر خید.

مکان په لمنه کي عمر و نه تير کول که انسان دنپري دمخي دتو او و نوبشري کهول ورورو دنپري په اجتما عي چارو دبر مختك په عکلهه پهرو پتو او پیچلو رازونو پوه شو. ژور فکر و کري نوبه پاي کي دي - جي عدی ترڅ کي بشري کهول بدی حقیقت ته رسپیری چې دبشر دپیدا - راز هم پوه شو چې و کولی شمی ینیست نه آن تر ننه پوزی بشر بریالی شویدی چې دهمدی رسم په سکيل او درسم په واسطه خپل ليدلی اجسام او یا په بل عبارت خپل دتصورا تو چوکات کي خپلی غوښتنی او اړتیاوی خای کري او هغه ته وده ور کپري و تخيلا تو مجموعه درسم په ذریعه خلا تده او بشکاره کري. دخه او پر مخبو خي .

کار دتاریخ به اوږدو کې به دوول، دوول  
سره خیل خان بېنکاره کړي یدی ټله  
رسم یوازی د ګرېتو او ګله د بېنکاره  
سکیل او چو ګات هو جود نه وی نو  
اجسا مو او ګله د مخض تصور او  
بیا هېو د سا ختما نې چاری مخ به  
تخیل یه چو ګات کې د اجسامو او  
وړا ندی تملی نشي . به لو هړی سر  
څېړو یه خیر د نپې د مخ دانساتا-  
کې همدا سکیل دی چې درسم یه  
دوول بېنکاره شو یدی او یا په بیل  
عبارت رسما دی چې انسان د هفته  
شو یدی .

دنري دمخي هقه انسا نان چسي به لوپسي کي خيل ټول هرا مو نه او  
درسم يه واقعی ارزښت باندی یوه غوښتنی پنکاره کوي او بیا به بیلا  
شویلدي هغوي هڅه کړي یده چې رسم بیلو ډو لوونو او بتکلو نو یې ېر -  
یوازی دوسم په دنیا کې زنداني مختیا یې اوډ هفه دبد لونسره جوخت  
ونه سا تی بلکې کړي به کړي دېشر په ټولنیز ژوند پښتهز -

رسم ته دبشری دزوند اپریکو او - بدلون او تحول منبع ته را خسی  
آو بنتون سره سم او جو خت بدلون دبشری کهول معا صره ترقی او پر  
او آو بنتون ور کپری او در سم به مختک خا من درسم له لو بشی خخه  
ذریعه چی دنپری دماغی دیغولو اجتما- دسکیل لهلو بشی خخه راو تلى بنگاری  
عنی او بنتونو بنسټ او زیر بنا- ننی نپری لاپدی بر مختکو را ضی  
گنبل کیږی زپه پوری او بیسمازی بد- او قانع نه بنگاری شپی او ورخی  
هاند او ز حمتو نه ګالی شپی او ورخی لون ور کپری .

همد غه راز چي دنري دمخي حالات هخه کوي تر خو درسم دنيا لايسى  
 گوري په گوري آويدي او را آويدي بشر ارته او پرا خه کوري او ددي لوپسي  
 په چو کات کي خپل خانو نه عفو او دنري او ددی لوپسي اود بشر ذهن اود هاغ او انفعالات  
 په او نو ته ور نبر دي کوري چي دوي او ضرور تو نه هم آويدي او را آويدي  
 يي دپو هي له مخي اتکل کوي . د او په هره شبيه کي خپل رنگ او  
 يي دپو هي له مخي اتکل کوي . د اين خ. بدلوی . بشر پخوا هر خه ته په  
 ابتدا يي او طبعي صورت کتل خو کله چي د طبعت جريان او سرو او  
 مو تر ۱ صلي جويوني ته په بنه شانو تو دو بشر پدي پوه کور چي همدا -  
 زوره کتنه او با هلن ته و کپر نو هونبر ته پته لکيزي چي به لومري سرد هغوي  
 خار چي نبر ده چي دانسان په پوه - هولو او را په هولو کي لوي لاس لري  
 پاتن په ۴۴ هنگ کي

مقصود شکوری رئیس تنظیم این وجود امداد مشکلات در تشخیص امور اراضی دولت .

همانطور که همه آنها هی دارند املاحت اورم و مستندت ثابت و واضح .  
دو گرانک ورادیکال او نی بک عمل ۲- عد م مو جو دیت اکثر شخصا ت

انهلا بی یود که به اثر آن قدرت می‌باشد، کم و کیفی شر چنین استند و یا موجود است اقتصادی، و احتماعی. در روزتا های کشور

از فیو دلان ، منگران و غلت خواران  
به دهنا قان . کارگران زراغی وزمین استناد جعلی زمین .

داران کو چک و متو سطح انتقال بینا بد که ۴ - گریز ازمالیه و مسؤولیت‌های این کار به اساس هشی حزب دمو کراتیک زیندار.

۵- عدم مراعات عدالت اجتماعی نظر به خلق افغانستان در پیر تو انقلاب نور آغاز شد و جو د بود ن استاد مختلف در نزد اشخاص یافت و نا اندازه ی هم به انجام آمد.

اما با تاسف و غم اقتصادی ، سیا می، مختلف برا ی عین نفعه رمین .  
اجتماعی و فرهنگی کشور ما در جریان ۶- عدم مرا گات میبیست هنار مب نبت  
منابع و تجهیزات نعمت دنیا را در دنیا را در دنیا

ستاخه شده «سیا» زیر چنان غریب است که نایاب باشد. این اتفاق از این دلایل است که این روز عادی در وقت پیش از بردازی

نهونه نمارد و اثرات سوء و نایساها نی دیگر .  
هاره که این دوره در زندگی مردم ما آنیود ن سند متحدد الشکل جهت جلوگیری

**W**hat's the best way to get your money's worth from a college education? The answer is simple: Go to college.



وارد آورد تامد های مدید جبران ازتشت صدور استند مختلف.  
۹- تعا ملات و بیرو کرا س  
بذر نهیاند.

در زمینه ضرورت تجدید استناد متعدد مطلعور تر تیپ استناد زمینه ۱۰- در گلشته چون کمیت و گیفت، ملکت به باک سند متحدد الشکل و سمس

قارنو نی یاد آور میگردم که کشور عزیزما قطعات زمین زمیندار در دفاتر و استانداری مقیا سما مختلف عنعنوی اند از

گیری مساحت زمین ما نند «بیکار تخم» معتبر در جهان - اختصاراً جعل کاری روز - (فلبه) مایه (پامانا وشنگل) موجود بود - اما آنکه نسند رسمن ملکیت

والد از زه گیری ختا به ما تند حشیانه روز زنین این اختلال را کا مل از میان میبرد  
بار شب « ساعت » کا سه « کاریز و در جه به منتظر رفع مشکلاتی که از آن باد

زین به نام های ( سیر ) ( هن ) ( بیمامه ) و غیره  
میباشد که این امر باعث شستدر محاسبات زین - دو لت جمهوری دمو کرا تیک  
الفلانسیت - استانه ملکت دا به نجه بطلوب

ملي وسجين هكى دود همه سنه و يز ايدان و يز منقول بر آورده شدن اهدا في اصلاحات  
تعد يلات آن مشکلا تي را بار ميا ورد . وبه منقول بر آورده شدن اهدا في اصلاحات  
به همه آق سند ملکت ذهن نیز از پس طور متعدد الشکل ديز اين گردید

در کشور ما متنوع بوده و به نام های: و مطابق احکام قانون تنظیم امور زمینداری  
گفته اند: «لیقہ شر عیر»، «تر که خطه» و مقر و شعاره دو م فرمان شما راه هشت

«تملیک خطه»، «ستند عر فی»، «ستند ما لیه دهی»، «بورد تطبیق قرار هن گیرد»، «محمد رحیم نما ینده دهستان ن ده سبز»، «لت اهلان» و غیره باد مشهورند که تنظیم،

تعدیل و بررسی آن همچو غایع وقت متعدد الشکل شدن زمین ملکتیت چهارمین از این در این میان برداشتن مشکلات دوایر و سرمه‌گردانی هر را جهان میگردد.

این مشکلات را عیتوا ن به صورت فشر ده ۵ارد ؟  
در این موارد خلاصه کرد :

نامه

# در محکمه فایلی چه خبر است؟

## یک ماجرای سود رگم

اصل قضیه اینطور است که همی خواهر هد که شمامی بینید دو ماه پیش از شوهرش طلاق گرفته و به خانه ماده مراد خانی آمده و با ما زندگی می کند ده روز قبل بود که بچه خاله ما ببهانه میریضی بخانه مآمد و گفت به شفاخانه خود را نشان میدهد. چند روز از آمدنش تیر نشده بود که از خانه ما قبیر کرده ورفت ...

چند روز بعد بود که به محکمه جلب شدیم ...

برادر زن در حالیکه خیلی جدی حرف میزد سخنانش را اینطور دنبال کرد ...

خواهر هد بین و اینرا بین بد کدام روز وحال خود میخواهد که شوهر خواهرمه شوه... ممکن مه زنده نباشم. دکه نمی خواهد که خواهرم زجر بکشه همی بچه خالیم از خود زن و او لاد داره، مگم خواهرمه خوش کده و میگه ما اوره برش داده بودیم، باش که قاضی صاحب چه میگوید ...

به طرف مرد مخاطب که تا هنوز سکوت شد را حفظ نموده و یکان دو دشمنام راهم هی شنو دمکر مثل اینکه هیچ کلمه بی نشیده باشد بروی خود نیاورده و خود نسربد ایستاده است. به او نزدیک میشوم و می پرسم :

- شما هم اینجا سخنا ن اینها را شنیده اید. چه نظر دارید؟

میگوید. بلی شنیدم، ای خواهر و برادر راست نمی گویند هوش کنی که کپهای شانه باور نکنی هر چه گفتن راست نبود. چند وقت پیش خالیم همی دختره بهم داد چهل هزار افغا نی طویانه خواست که قدری از آنرا نقد و چیز شه جنس (مثل قالین و گلیم و چیز های دیگر) برایشان دادم چند وقت هم همراهی شان بودم، درست است که زن و اولاد دیگر هم دارم تصمیم داشتم دختر خاله خوده هم که نامزد مشده بود طوی کده ببرم همی بود که برای کار ضروری و بیانجام کارهای که داشتم به علم نمند که جای اصلی ام است رفتم همی که پس آمدهم وضعیت اینها بسیار تغییر کده بود که بعد از اینکه خوب به خود معلوم کدم که اینها از خیال خود، و کرده خود پشیمان شدن و دختر را به من نمی دهند از خانه شان به کوته-

بر میدارد من اشکی و یا آثار اشکی به چشمایش نمی بینم حتی اگر یه بی اشک بود!

مرد جوان که کمی دور تر بود حرفا های زن را بخوبی شنیده می توانست در حالیکه چهره اش حاکی از خستگی و ناراحتی زیاد بود و زهر خندی بر لب داشت هیچ گپ نمی زد فقط طرف زن تکاه میگرد.

مرد جوان دیگر که قدبندی داشت و کالای نوبه تن و لنجی به سرداشت خود را برادر زن جوان معنی نموده سخنان خواهرش را با اشاره سر تایید نموده میگفت:

راس میگه، راس میگه ....

موصوف به سخنا نش چنین ادامه داد:

و چند ماه هم یکجا زندگی کدیم - تو خوب بین مه او چقه فرق داریم «خاک به سر او چهره زرد نبو که مره به این روز نشانده ...» همیشه کسی از گریه چشم و روی سر خ رنگ پیدا کرده، کسی لبخندی روی لبانش دیده می شود و غرق تفکر است و دیگر یا صدای بلند می خندد و بلند، بلند حرف میزنند، زنی با قادر تعاز کودکی را به آغوش گرفته است و در حالیکه چادر را ساخت با دندان گرفته بدیوار مقابله دروازه رئیس محکمه تکیه نموده است. آنطرف تر دو مرد، یکی جوان و دیگری میانسال گسو شهی را انتخاب نموده و ساکت نشسته اند، مرد جوانی هم باقد مهای آهسته طول دهلیز را می پیماید و گاهی می ایستاد و با خود زمزمه ای میگند ... دوزن چادری دار هم که معلوم میشود نوبت شان اول بود به اتفاق رئیس داخل می شوند.

از میان همه توجه ام را بیشتر زن چنوا نیکه چادری فسو لادی و پیراهن سبز کوتاه بتن دارد جلب می کند زیرا آوازش بسیار بلند و توان باخنده و گریه بود.

بطرف او نزدیک می شو م خود را معرفی نموده و میگویند که میتوانم سوال کنم که برای چه مقصد به محکمه آمده اید، میگوید: دهرجه میپرسی بپرس و قبل از ینکه مرا مجال سوال نمودن بدهد فورا سر گپ می آید:

- اوه همشیره! دلم کو فست کده. اگر بقجه دلمه بیشتر باز کنم و تو قصمه مره بشنوی تاشو خلاص نمی شه. ممکن اگر میخای مه کمته برت میکم ...

همورد که ره که می بینی (بطرف) مرد جوانی اشاره میگند که کمی دورتر نشسته بود) به سرمه دعوی کده و میگه که مه زنش هستم



این خواهر و برادر میگفتند که آنمرد دروغ میگوید و فقط طویانه و باچیز دیگر بما نداده و اصلاً مساله نامزدی و اینطور حرفه داردست نیست.

# مقدار ازدواجها نافر جام کیست؟

ازدواجها قبل از موقع نه تنها برای بی قید و بند پد هد ممکن عواقب ناگوار خواهد داشت بلکه سبب بروز بعضی پراپل ها و الدین باشد بلکه آورده خواهد بود. برای جامعه نیز می شود و سوالی که اجتماع، عرسن از خود انتقامی خاصی دارد بیش می باشد اینست که آنها بسر و دختر نوجوان خود را که هیچ نجر به و آعادگی قبلي ندارند وارد اجتماع بزرگترها میکنند و انتظار هم دارند که گمراه و منحر فشوند. رواشنا سی در بیناره گفته است: پدران خود در سنین کوچک، می سازند برای خود شان هم واصح نیست بسادید عذرخواهی که والدین ناخود آشماه و غیر معقول به ازدواج فرزندان خود در سنین باشند نداشته اند. همیشه دروغ است و ناراحتی این بسر می بینند که هماید دختر و با پسر شان نیز دچار چنین وضعی بشوند و از تصور آنکه تکلد چنین جیزی بیش باید فرزند خوش را تشویق میکند که هر چه بیشتر از جوانی و شادابی جوان نیز استفاده کند و هم این را برای خود تو عرض افتخار میدانند که خود ۱ ستگاران متعدد به پشت دروازه شان صفت بینند و جوانان برای بدست آوردن دختر شان سروdest شد یکنرا داشتند.

رواشنا شان و جامعه شنا شان برای آنده بدانند و مادر ایکه دختران دویسان جوان شارند بعد از تحقیقات و مطالعات وسیع تو عصیه ها بین نموده اند تا آنها بیکار بردند این این تو عصیه ها تا اندازه بیان اتفاق ازدواجها نافر جام و قبل از وقت آنها گردند و به آنها اجازه بد هند تا تحصیلات خود را تمام و با عنان و فرمت همسر آینده خود را انتخاب کنند.

از معاشرتها بی قید و شرط دختران بگیرید دختر چادری خود را جای بجا رسیده باشند.

جوان با پسران مخصوصاً در سنین بالین جلو گیری نمایند و ازین بین نداشته باشند که دیگران شما را کهنه فکر و قد بین یکو بند بلکه آیند فرزند تان اهمیت بیشتر دارد. وهم متوجه باشد که بیان زند و فرزندشان هر چه بخواهند بد هند مثلاً فرزندان نیز آنها با خاطر اسوده دوستان خود را دربارتی های رقص، سترت و حتی قمار و دعوت می نمایند که چنین وضع سبب لجام گسیختگی و انحراف در جوانان گردیده و اکثر آنها شفاهی آشین و ازدواجها ای قبل از موقع منجذب میگردند.

۲۶ دختر و پسران جوان باید بدست که او قات بیکاری خود را چگونه سپری نمایند و جطور به اجرای کارهای مشتقات اقدام ننمایند.

۳۰ هر گز به فرزندان تان اجازه ندهید که از بزرگترها تقليد بی جاوی موقوع کنند مخصوصاً در قسمت حرف زدن، رفاقت، گردار و همه کارهای شان متوجه باشند من نو جوان را بسیار خطر نماید است کوچکترین غلط سبب لغزش و انحراف جگر گوشه های بیان می گردد که پیش از عین بازیهای کودکانه تا سنین بالاتر از ادامه باید و جایش را به معاشرتها بدهید.

سایر رفته و یکراست به محکمه نموده و برادرش هم در پهلوی فامیلی عربیمه کدم که چرا جی کب خواهر خود قرار گرفت و گفتند.

شده بول مه خواز او نامده و .... عکس هارا تنها بکیر ید.

دوباره ساخت شد. بعد زن جوان رویش را به طرف زن جوان گفت: جشم دروغ غکو پسر خاله اش نموده گفت حالی توهمند برقه اینطور انسان بی جشم و زوی عکسنه بکیر.

گفتم با هم کب دارین هنوز؟ ده عمرم ندیدم - همک مار سرمه خورده که تره بکیر چه علاقه بی دارد که بله خداز ده بجه خاله بتو دارم؟

و در بیوقت تویت اینها عی رسید و به اتا ق رئیس داخل می شوند، من برای اینکه ما جرای اینهارا برادر زن گفت: ما هیچ ازی بول نگرفته ایم خود ماروز کار خوب داریم بلا تردیم که خواهر خوده نان بودم بچاب ندادم و مدتی بعد در باره اینها از رئیس محکمه فامیلی شوهر که همی فعلا خوش اس ومه حوشی خواهر خوده می خواهیم خالی باشد ... انشاء الله که بیک تو افق هنیت

وقتی خواستم عکسی از آنها رسیده باشند.

برادر زن گفت: ما هیچ ازی بول بدانم که بکجا انجا مید جریان کموده های داشته اند مثلاً آنها نظر به اینجا بات و شرایط محیط و زمان، سطح وسیله زندگی شرایط خاتون این در قسمت معاشرت و برخورد با محیط اجتماعی، تعبیه لباس وغیره محدودیت ها بی داشته اند که میخواهند با چا به عمل بوسانند آرزو های دیرین با لای فرزندان خوبی محرومیت های دوره جوانی خود را جبران کنند.

هماروز تاکنون مراجعت نکرده اند.

آنچه اینها از آنها رسیده باشند.



این مرد ادعا میکرد که من چهل هزار افغانی چیزی نقاد و چیزی جنس

طوبیانه داده ام .

شماره ۹

# طوفانیت شاهکار

مختصر

دکتر ناصر ابراهیم

برد و قوت کرد - از گلوبش یک جیزه دور  
کوچک پالین رفت .  
این یک روز دراز بود - نیکیتا کرم های  
زیادی آورد و کلکین را با برها فاز پاشند  
بعد گنجشک بایک را تجھه چنگید و چنان  
فسریه خورد که مانند یک سنجک از لای برگ  
ها پائین بروزمن افتاد و در حالیکه همه پسر  
هاش میق شده بود، به بالادید .

یک شاعر دیگر نیر بعلت قابلیوم مستقیما  
زدید کلکین بپرید ، چند آهنگ زمزمه  
کرد ، تندن بپرید ، دشنه را چنبد و کدام  
حرکت معنی داری از او سر نزد - یک میته  
سرخ برای وقت زیادی سرود و با شریف راجح

به شاعر گرم آفتاب و در مورد خواص عمل  
غذای سرداد - این کار زیلتوکین را  
شمگین ساخت ، بحدی که در گلوبش غرغ  
من گرد - او هم میخواست بسرايد لیکن اورد

کجا من تواند این کار را انجام دهد ! آن  
در کلکین ، در یک قسم ... ! دو باره  
در آستانه کلکین سفرش را آغاز نمود و یک

حسوان تومناک را دید : او بالای پاهای کوهه  
ونرمنش میخزید - شکمش روی زمین کش  
منشد - سرش هم بود ، موهای پراگنده

اشن شخ به بیرون برآمده بود ، چشمان میز  
داشت و حدقه های کوچکش از شرارت شیطانی  
روشنی میداد - زیلتوکین بزمین هموارشده

و تکانی هم نخورد .

وازیلی وازیلی ویج (پست) پائزیم چست ،  
به کنار آستانه کلکین خود را با تجھه هایش

چمیاند ، از لای بپرید بسوی زیلتوکین دید  
و دهانش را باز کرد ... او هم خدای نیش

های دراز تر از منقار زیلتوکین ... در دهن  
همان چشم های چداب و درخشنان به زیلتوکین

بود ! ... یک پاینجه اش مجده نمود و گاز  
را پاره ساخت ... قلب زیلتوکین فرو رفت .

بال هایش پائین آویزان گردید . در همین  
وقت : نیکیتا پیدا شد و پشت را از پیوست نرم

گردشی گرفت و طرف دروازه پرتاب کرد  
وازیلی با غضب نالید ، در حالیکه دشنه را

بود که در آب غرق نمی شد - او با اختیاط  
پائین گرفته بود ، رو بفرار نهاد . زیلتوکین

بعد ازین تصادف نصور می کرد ، «هیچ  
حیوانی قوی تر از نیکیتا وجود ندارد »

وقتکه نیکیتا هوباره آمد او گذاشت تا بر  
مرش نست بزند پاینجه از ترس بردهش  
عف نشست . پایین شکل این روز پایان یافت

صبح دیگر زیلتوکین که بسیار خوش بود  
در حیود قلمرو خود برای تفیش به سفر

رفت و ناگهان سوراخ کرد - زیلتوکین  
ایجاد کرد بود بنظرش خورد - زیلتوکین

مرش را از سوراخ بیرون کشید ، اطرافش  
را دید ، بیرون شد . بیرون های ملایم

پرپرید و بال هایش را دیواره دار پاهم زد -

فقط روی زمین خاله می پرید ... وقتکه  
پردازه رسید باطاق دیگر که چهار گردید

یک میز هم دور نشسته بودند برواز گرد آنها  
در حال خوردن بودند و پارچه های کلان شد

و گرفته در دهن شان گذاشتند ، هر چار  
آن سر های شان را دور دادند و بلون حرکت

زیلتوکین را تعاشا می گردند . او می داشت  
که باید در هوا توقف کوتاه نموده بر گرد

اما او این دور مشکل را دید برواز نمی آورد  
الجام دهد - پایک بالش زد و بر میز بین

یاغ خاموش شدند . یک رایجه شبانه از این  
رطوبت و گیاه احساس می گردید ، سروی  
عمق نروعیق نزد پرهاش فرو رفت .  
با حادث ناگهانی ، زیلتوکین به جلو و بعد  
به عقب بالای دشنه تکان خورده بر شایش  
را از غصب درهم و پرهم نموده تو باره بتواب  
میرفت ، اما گنجشک ها اورا بیدا گردند ،  
آنها آشوب بریا می نمودند ، پرشاخه های  
درخنان ارغوان پاهم می گنجیدند . یک  
سارهم با شرک هدهد در یک فاصله دور  
با صدای خوش و شیرینش به سروین آغاز  
نمود . «تحملش را ندارم ، آنقدر گرسته ام  
که احساس ناخوشی میکنم . زیلتوکین

تصور نموده و کرمی را دید که در میان نزد  
آستان کلکین فرورفت . بالایش چست زده  
واز دشنه گرفته آنرا بیرون آورد و بلع نمود .

«بدنبود ، یک کرم لذید » در خاطر خطور  
گرد .

نور آفتاب به شاعر آبی تبدیل شد ، پرنده  
ها بسروردن برداختند ، یک شاعر روشن و

گرم نور آفتاب از لایلی برگهای درخنان  
برزین هموار بود پناه گاه اختیار نموده بود .

قلب (زیلتوکین) در نام ایلی خربه می زد  
«قلل ازیلکه نس برآدم» او نصور کرده  
«اوهرما خواهد خورد» - او اولته می داشت  
که چطور کرم ها ، مگس ها و کرم های

درخت را بخورد .

پسر اورا بدنش بala کرد (هراد از پسر  
همان نیکیتامی پاشد) چشم های زیلتوکین

کلکین بود منتشر نمود ، زیلتوکین از ترس  
دوباره به کنج خود رفت ، بالهایش را کشود ،

بطوف دست دید اما آن بالای سرش پرید  
و بعدا پشت بپرید نایدید گشت ، دو باره  
همان چشم های چداب و درخشنان به زیلتوکین

بیرون گردید .

زمانیکه الکزادرا لیرتینیا - سار - رسید  
آن را هاند نیکیتا بالا کرد و بردست گرفته

برگله اش یاف کرد . «اویسیار خورد است ،  
بیماره » او یافت «چنین منقارزد» زیلتوکین .

آنها سارا دار آستانه کلکین که بسوی  
bag باز شده بود و با برده حمایت می شد  
گذاشتند ، داخل کلکین نیز از نصف بالا

با یک بپرید پوش شده بود ، زیلتوکین  
فورا چابلوسانه فروتنی کرد تلاش کرد که

شان نهد او جیات خود را از آن نخواهد  
فروخت ، در بیرون ، آنطرف برد سبید ،

برگک ها در اهتزاز بودند ، گنجشک های  
حیری دزدان ورزیل ها ، درینه هادادوری دادم  
کرند ، طرف دیگر ، همانطوریکه در عنبر

بسوی زیلتوکین بروز شده بود - نیکیتا دو باره  
آمد ، نیستش را پشت بپرید اما آن باز

دستش خالی بود و آن را نزدیک بپرید برد  
زیلتوکین بالایش چست و یک اکتشش را

بنام قوه اش نول زد - به عقب چست و آماده

چشک شد اما نیکیتا تناهی داشت را باز نمود  
و غرید ، «ها،ها،ها» روز بیعنی متوازن

چیزی نیود که برسد ، خدا بالایکه کمس  
پیکواخت بود باز هم خوب بود - زیلتوکین

بمشکل برای غروب انتظار کشیده می توانست  
و آن شب بسیار خوب خوابید . روز دیگر

بعد از شاشتا - او خواست از پشت بپرید دوست  
یکتیرید ، او دورا دور نام کلکین چست و  
خیز زد اما یک درز کوچک هم نیافت سپس  
بطوفش پرید و به نوشیدن آغاز نمود -

منقارش را از آب برگرد - سرش را بعین

آشیانه اش دورتر برواز نماید . چو تکه بال  
هایش هنوز مهارت کافی نه داشتند بز مین  
افتدند بود در گنج بالای برگهای کامنی که  
برزین هموار بود پناه گاه اختیار نموده بود .

و ازیلی نیکیتیویچ طناب حلقه دار شخصی  
دریا سالار را بریسمان پادبان گشتند  
بالای آن یک بنه که بریا های عقیق اش  
بریک زمین سیز ایستاده بود رسید شده بود ،  
در حا لیکه گونه هایش رایف نموده بود  
به کشیدن رسیمان پادبان پرداخت ، طناب

کوتاه حلقه دار بالای دیرک قرار گرفت و در  
قله اش منتشر گردید ، زا غبا از آشیانه های  
فریاد نمودند .

نیکیتا برقرار سوار شد وجایش را در  
سکان قایق انتخاب کرد ، ارکانی چمچه  
هارا گرفت ، قایق در آب عمیق تر نشست ،  
بعد بالاشنده از ساحل دور گردید و برسط  
آنینه وار جوش که بیدها ، سایه بان سیز ،  
پرگنه ها و ابرهارا منعکس می نمود سبک

تریحرکت آمد ، قایق بین زمین و آسمان  
شناختن کرد ، یک جمعیت بشه بالای سر نیکیتا  
جمع شد ، آنها گردید هم هجوم آورده و باقایق  
راه می رفتند .

زمانیکه الکزادرا لیرتینیا - سار - رسید  
بعد بالاشنده از ساحل دور گردید و برسط  
آن را هاند نیکیتا بالا کرد و بردست گرفته  
برگله اش یاف کرد . «اویسیار خورد است ،  
بیماره » او یافت «چنین منقارزد» زیلتوکین .

آنها سارا دار آستانه کلکین که بسوی  
bag باز شده بود و با برده حمایت می شد  
گذاشتند ، داخل کلکین نیز از نصف بالا

با یک بپرید پوش شده بود ، زیلتوکین  
فورا چابلوسانه فروتنی کرد تلاش کرد که  
شان نهد او جیات خود را از آن نخواهد  
فروخت ، در بیرون ، آنطرف برد سبید ،

برگک ها در اهتزاز بودند ، گنجشک های  
حیری دزدان ورزیل ها ، درینه هادادوری دادم  
کرند .

برکشی سوارش کن ، سالار بقه ها !

هورا ، سوازیلی نیکیتیویچ فریادزد :

زیلتوکین ...

زیلتوکین بریک توده گیاه در آفتاب بین

کنج دلان و دیوار خانه نشته بود . اونیکیتا

را با هراس که در داشت بود می دید .

سرزیلتوکین (یک نوع هرغیاست) بریش

آرمیده بود ، منقارش با تریشه زرد مستقیما  
باین برموهای ابوجه و کوناھش قرار داشت .

قیام برگهای زیلتوکین زولیده بود . پاهاش  
به بالا بزیر شکست کش شده بود . وقتکه

نیکیتا بسوی خمید او منقارش را باز کرد  
نایجه را بررساند . نیکیتا او را بین دید

مرفت . اویک ساریود . هنوز رنگ خاصی  
داشت . معلوم بود که دیده شود ، برنده های

شکیایی، تحمل و تپات شخصیت، ارگانی ایوانوویچ بازترنگی یک متن را که همراه میخواست برینش بنشیند گرفت، «نه صنی است که اگر من خواهی موارد کار خوب پاشی برایت ضروری است» در عین زمان با صدای بلندی که در اطاق خواب مشغول گفتگو بود به آواز بلند گفته شد «درین سن بجهه‌ها گاملا آزا داند» در گنجایش آزاداند؟ عامی با یاس گفت: «در امریکا آنها آزاداند». حقیقت ندارد.. من عیگولم که در امریکا بجهه‌ها آنقدر آزاداند که ما و شما هستیم» خدایا، اما - امادر امریکا نیستیم....

صحبت بر سر آزاده یک هفته طول کشید. مامی تسلیم شده بود و با غمگینی بسوی نیکیتا می‌دید، گویی که ینین داشت نیکیتا برای نجاش قریب الی خواهد داد. در جریان هننه نیکیتا متداوما در میدان کنار بزرگ، در قسمت بالای در چالیکه دوشه نیکیتا می‌داند وسوسه سوار کاری را فرا میگرفت، تالاب دوس های سوار کاری را فرا میگرفت، ملیشکا اورا تعجب نموده و چال تند موارد شدن را برایش نشان داد، بانویدن، جستن و برنهایت غصی پشت اسب نیستن را، مانند چندک بازی.

«اوڑا الداخنه نمی تواند - در همین وقت این کار را کرده نمیتواند، وقیکه میخواهد تراپایین آزاد برقفل آن سوار شده نی باشی»

بعد از مدتی در ختم ناشتا در بالاخانه در چالیکه نیات هنی (مانند عشقه بیجان) بر قار بالام شد و سایه اش بر روی هیز، بیاله و روی آنها افتاده بود، عامی، نیکیتا را تریش خواست او را بیش رویش ایستاده نموده با آواز پر از قبر گفت: «تومیدانی که ده ساله شدی، و توباید آزاد باشی، درین تویجه های دیگر گاملا، کاملاً صدایش لرزید و پاتر شروی بجانب پدر نگریست.

«محضر اینکه پدر راست هیگوید تو دیگر یک طفل نیست» وازیلی نیکیتویچ چشمانت راپایین و برکنار هیز به طبل زدن پرداخت. فردان، عایه کیمپولاتووا هی رویم و تومیدانی برقلویک سوار شوی... تبا پرسیدم.

«عامی، قسم هی خورم هیچ چیزی یعنی رخ نخواهد داد» و نیکیتا چشمانت، رخسارهایش زنخ و دستبایش را که بوی انکور را می داد بوسید، روز دیگر نان شام را وقت ترخوردن وازیلی نیکیتویچ به نیکیتا گفت تازین را برداره، یک زین الکلیسی خاکی که از یوست بزرگویی ساخته شده بود و در عین مسیح برایش تخفه داده شده بود، و در وقت رفتن به اسب خانه ها برایش گفت:

«توباید مهتری اسب، زین کردن و مالیدن اورا بعد از سوار کاری یا دیگری. از اسب باید هر اوقات لازم صورت گیرد، اولاید باش شود، اگر چنین شود، تویک سوار کار خوب خواهی بود».

ناتمام

شانه اش معرفته بر پشتیشی گشت، ستاره با حیران و خسب یک سو خیز زد، سرمهش تکان داد و بقوت پریده، بعد به عقب رفت و به دوش با یک چارتعل قیز از گله گذشت. ملیشکا خودرا بر پشت آن چسبانده بود - نایکیتا مادیان بر روی پاهایش نویق کرد

می شد که از اثر هوای شفاف نمود کرده و بالای زمین معلق آمد.

ملیشکا گوریا برای وارسی از اسب ها باشکله ماند - در چالیکه پاهای برهنه اش بر رکاب و آرایخ هایش در هوا حرکت می نمود

بریک زین قراقوی سوار بود. بامتداد گشت زار های سبز از پشت یک مادیان جوان که از را نمی توانی انجام دهن.

نیکیتا با خود گفت «گردنم را خواهیم شکست، اما اسب سواری را بیش از ملیشکا یادخواهم گرفت» اوراجع به ستاره بالای عیز نان صحبت کرد که مامی را در تشویش زیادانداخت.

«گوش کن» او گفت: «برایت گفتم که حتی نزدیک اسب هاییکه سواری عادت ندازند فرو» و با التمس بسوی واژیلی نیکیتویچ دید.

«وازیا، حداقل ازمن پشتیبانی کن... او دست و پایش را خواهد شکست....!

وقتیکه اینقدر باو علاقه داری از سوارشدن و گردن او را منع کن زیرا او خواهد افتاد و بینی اش را خواهد شکست - او را دریک هر تابان الداخنه در پنجه به بیجان و به یک موزیم بفرست. همین را توقع داشتم، «مامی گفت، من دانم درین قابستان یک لحظه آرام نخواهم داشت...

هزاشا! تو باید متوجه شوی که بجهه ده ساله شده است»

«معندا...»

«لطفا، هرا بیخش، من نمیخواهم او یک آدم نازدنه باز آید»

«کاملاً درست، اما این باین معنی نیست که او را فورا تھفه کلیویک سازی»

«اووتر ازهه، یک مغیر هم می تواند سوار کلیویک شود»

«ونعل شده است»

«من دستور داده ام که نعل شود»

«درینصورت هرچه میخواهی بکن» برآسپ های وحشی سوار شو، گردت را بشکنان،

چشمانت مامی از اشک بر شده از گثار میز فورا برخاست و باطلخ خواب رفت.

وازیلی نیکیتویچ بسرعت دیش خود را بد و بخش نواش داد، دستمال کاغذی اس

را اینقدر که گردنه را کش نموده و میخورد

که زمین را پاشست هایت دیگری، خود را

شروع میکرد - نیکیتا از قاش- زین با تمام نیرویش محکم می گرفت و گاهی نیز بالای

گردن اسب می لغزید و پایهایش را بر پاهای

مادیان تکه می داد. اسب به همه این هایاپی

تفاوتنی کامل عکس العمل نشان می داد.

ملیشکا گفت:

«بزمین افتادن درد نیکند، نترس، قش

اینقدر که گردنه را کش نموده و میخورد

که زمین را پاشست هایت دیگری، خود را

شده بود دوید و در چالیکه دست هایش را

بسیوی شان دراز گردیده بود صدا می زد:

«فید، فید... درین اثنا ستاره - بس

مادیان خاکی خالدار که پاهای باریک، گوش

های هموار ولب های بخملی داشت بامید آذوقه

بسیویش آهد ستاره کله زیبایش را بطری

نیکیتا پرتاپ نمود و برای اینکه ملیشکا را

از خود خشنود گردیده باشد شانه هایش را

بادندان خود خارید - ملیشکا دستش را بر

پشت اطلسی اش کشیده او را نواش نمود

ستاره با اختصار به عقب گام گذاشت. از

ظرف عربا و کاسه قند نیست - بعد آید که نیکیتا در مقابلش نیست - بدون تأخیر بظرف عربا بزید، از آنجا به شانه نیکیتا و همانجا باز های ناعرب، و چشمانت نیمه بار نیست. او بر شانه نیکیتا مدقی نیست سهیس زیر

رایبری که در کنج گذاشته شده بود فرود آمد، دور شمع دان چند شاخه چرخ زد، احساس

گرسنگی گرده و دو باره به کلکنیش بروز کرد که در آنجا کرم های تازه انتظار اورا داشتند.

طرف شام - نیکیتا مدل یکخانه چوبی گوچکی را که یک دلان و یک دروازه و دو کلکنی داشت باخود آورد و بر کلکنی گذاشت. زیلتونی

از آن خوشش آمد - درونش تاریک بود او بداخل آن بزید - دوسه بار دور خورد

بعد آرخوب رفت. در همان شب واژیلی یعنی

آن گریه نسبت به جرمی که گرده بود در کوچک خاکریز کنار نهر و جزوی شده

بود، با خشونت میمیوی می گرد و حتی نمی خواست هوش بگیرد. او فقط زدیدیک در نیسته

بود و آنقدر با عجز میمیوی می گفت که حتی خودش هم احساس نمی راحتی می گرد.

حالا خانه غضویت سوم فلمرو حیوانات را هم پیدا نمود - بر علاوه خار بیست و پیشان

زیلتونیکین نیز چا گرفه بود - او بسیار خود میخوار، ذکری و با تدبیر بنظر می رسید - او

بالایه ناشت با شخصی که حرف می زند

گوش دهد و وقتیکه آنها نزد هیز می نیستند او گوش می داد، سرش را به یکطرف کج

می ساخت و به شکل یکنواخت چهچه میزد،

زیور ایشانه! و می خمید - الکزاندر الیونیفسا

تصور می کرد او برا وی خم می شد... هنگامیکه زیلتونیکین را من دید او بزیلنس

می گفت: «سلام، سلام! بزنده گل کو چک: یکسو و گاهی بسوی دیگر می لغزد -

زیلتونیکین فورا بجای عین خود روى لیاستش می بزید و در هوای آزاد با او رفت. بیهین تریب او تا خزان

زیست - کلان شد - پرپال میاه و بزرگ

پیدا کرد - روسی راخوب بیهایش را بر پاهای

مادیان تکه می داد. اسب به همه این هایاپی

تفاوتنی کامل عکس العمل نشان می داد. مراجعت می گرد.

در ماه اگلست - مینا های وحشی او را اغوا نموده در قطار خود در آوردن و بزیدن لازم را برا پایش آموده بود، وقیکه او باغ نیز

می کند او با طلوع روز روی دریا بسوی افریقا در راه رفته بخانه گوچکن که در تاواریکی برآسته کلکنی گذاشته بود

گلیو پاک....

فعالیت های بیهاری در گشت زار های بیان

رسید، با شجه هایل زده شده و آبیاری شدند و دیگر چیزی باقی نمانده بود تا اجرا شود

مکر فرا رسیدن روز منت بیش که وقت دروست است - گله های یابو های بارکش به چرا

گاه های آلفرگ تالاب که گیاه های خوش

مزه داشت برده شده بودند، صبحگاهان بخار

آبی رنگ به کشت زار های بینظر میخورد و درخان

یکدیگر دور تر قرار داشتند، طوری معلوم

نمی شد

# خوشبختی خانواده به چه عواملی ارتبا طدارد؟

بعضی از خانواده‌ها و بخصوص بعضی از زن‌ها و زاده‌ها در زندگی خانواده‌ای که این زن و شوهر است. زیرا حیات خانوادگی اگر توأم با خوشی و سعادت نباشد ازد ترین وجانتگار امر بعد همایع نازاختی و مشکلات فراوان برین لحظات زندگی انسان بضماع خواهد رفت و به یقین هیچ خانواده و هیچ زن و شوهری را سراغ نداریم که نخواهد زندگی شان دلخواه و دوستداشتنی باشد ولی کاهی اتفاق افتاده که این روابط شیرین و سعادتی باز خانواده را بعضاً مسایلی بظاهر سیار کوچک و بیش بالغناهه کند و تاریک می‌سازد.

برای اینکه از اینکه نیازی نیست، بسیار جلوگیری حلاقوت و شیرینی و گرمی می‌بخشد و بیشتر ازیش خانواده را سعادتمند می‌سازد اما همینکه تعداد کودکان در خانواده زیاد شد، چون پرورش و تربیت آن مشکل است این وضع باعث یک سلسه نازاختی‌های برای پدر و مادر می‌شود که محیط و فضای خانواده را بست.

تحت نالیز خویش قرار می‌دهد.  
هریدر و مادر که به سعادت خانواده شان علاقمند اند و به آینده کودکان شان اوجه دارند باید این موضوع را بخاطر داشته باشند که تربیت و پرورش کودک در شرایط امروزی کاری سهل و ساده نیست، بدین مناسبت باید هریدر و مادر توجه نماید که داشتن کودکان متعدد و قدیونیم قد برخلافه اینکه تربیت و پرورش سالم آسان مشکل است ممکن است این همایع نازاختی‌های زیاد خانوادگی شود.

شوهر در این هورد می‌گوید:  
من حرفهای همسر را قبول ندارم و در ضمن علاوه مسکن که تبا وجود کودک نیست که خانواده را خوشبخت می‌سازد، شاید باشند

دست یافتن یک زندگی دلخواه وایده‌آل آرزوی هر خانواده و بخصوص آرزوی هر زن ها و زاده‌ها برای اینکه پسری داشته باشند و شوهر است. زیرا حیات خانوادگی اگر توأم با خوشی و سعادت نباشد ازد ترین وجانتگار امر بعد همایع نازاختی و مشکلات فراوان برین لحظات زندگی انسان بضماع خواهد رفت و به یقین هیچ خانواده و هیچ زن و شوهری را سراغ نداریم که نخواهد زندگی شان دلخواه و دوستداشتنی باشد ولی کاهی اتفاق افتاده که این روابط شیرین و سعادتی باز خانواده را بعضاً مسایلی بظاهر سیار کوچک و بیش بالغناهه کند و تاریک می‌سازد.

بعمل آید چه باید کرد؟

این سوال را بپرسیم از زن و شوهری که در طول زندگی خانوادگی شان گذرین نازاختی داشته و همیشه خوشبخت و سعادت‌بار زندگی کرده اند برمی‌نماییم.

آن می‌گوید: به عقیده من بیشترین راز خوشبختی یک خانواده موجودیت یک یا دو کودک در خانواده است. زیرا وجود کودک شاطئ را برای خانواده می‌آورد که قابل تخيّم نیست. بپرسیم از هر زن و شوهر که خواهان زندگی سعادتمند خانوادگی می‌باشد باید بیشتر از یک نادو کودک‌نیاورند.

این امر دو هزیت دارد: اول اینکه بدر و مادر میتواند از تریت سالم کودک پذیرشی بادر شود. دوم اینکه مادر باشتن یک یاد و کودک است! این همایع نازاختی‌های زیاد خانوادگی شود.



پیوست یکلاشتہ

## از تاریخ باید آموخت

جوانان رزمده وطن!  
بنظر نگارنده تاریخ سرزمین اسلامی و شان بتوانند در فابریکه بیشتر کار کنند. باستانی هند هرچه بیشتر، پیمایش تر و مسیح شریعه از طرف التکلیس در هند ترویج می‌گردید و از زاویه های جداگانه بررسی و تحلیل شود به همان ادایه مفید و آموزنده در هند گشته می‌شود و پیروش می‌نمایند. امّت زیرا این رویداد های تاریخی در پهلوی آنکه چگونگی مبارزات مردم شریف هندرا با استعمار التکلیس اشان میدهد چهره واقعی استعمار، ارجاع و امیر بالیزم را هم می‌نمایند و به عوامل خصوصی جوانان می‌آموزند که استعمار چون هیولا خطرناک و سفاک هست. جامعه‌ی راکه برآن مستول شود برای میان مدد و در ظلم راستبداد و استعمار هیچ رحم و هرود وقتی از خود نشان نمیدهد، برای آموزش خوبتر گفتار بالا و مستقبل شدن کلام و ماجانا تریاکی می‌ساختند.

آری استعمار و آنهم استعمار امیر بالیزم چون حیوان درنده خوی و در عین حال دویاه محلی هر آنچه ملت و مردم تحت استعمار را ترسو، تبل و بدبخت می‌ساخت بر آنها تمییز نموده جوانان مادر بیلیوی آنکه از رویداد های زمان تسلط التکلیس ارنهند به ماهیت اصلی استعمار خوی بترین می‌بینند بلکه حققت دیگر رانیزی بینند و آن اینکه اگر التکلیس در زمان استعمار گزی خوی برهند و مایسرا لئنان جهان مخدرات از جمله تریاک و جرس و غیره را ترویج می‌گردند و بازار و حیله مردم و بخصوص مردم آشاه، وطن برمی‌نمایند و میارز گوناگون از دستش می‌گرفت و مردم را رایه آنها معتاد می‌ساختند اینک حالا خود دولت‌های ممالک امیر بالیستی چیزی را که کشت کرده بودند درو می‌گشتند. و بگذاری سخنور ناهمدار شیراز یعنی شمش الدین محمد حافظ شیرازی که چه خوش گفته است: «مزروع سبز فلک دیدم و داس مهی تو یادم از گشته‌ی خویش آمد و هشتگان درو هر که در مزرع دل تخم وقا سبز نگرد زرد و رویی کشید از گشته اش هشتگان ندو و یامیخ برمهشم ایر خرد مند عبدالرحمون بایا که گفته است: ادایه دارد.



به امور منزل وارسی کرده میتواند زیرا تبا عما در زندگی و حیات خانوادگی شان خوشبخت ازد. پس من چنین عقیده دارم که بگانه عماله خوشبختی خانواده نقش مهم و ارزشمند دارد. یک موضوع را نباید از نظر دور داشت که زن و شوهر از هدیتگر شان ساخته داشته

# آیا بخاطر فرار از تنها یی باشد به خواب و خیال پنهان بود؟

بیماریه نماید و در لابلای این مسایل راه حقیقی  
لازمی زندگی را جستجو نماید .  
جوانی که عنان احساسات خود را خود  
بلدمت دارد ، در زندگی موفق است و در آینده  
هم موفق خواهد بود . زیرا استقامت در مقابل  
مشکلات زندگی جوان را و میدارد تا در  
آینده قیز این استقامت را داشته باشد اما  
بر عکس آن عده جوانانکه اختیار اراده خود  
را بدست ندارند همینکه کوچکترین عملی  
کردن حقایق زندگی است با وجود اینکه این  
به او وارد شد خودرا در مقابل آن عمل نمی‌توان



مقاموت را از نیت میدهد و این امر باعث  
میشود که گوشی گیری و ازروا را اختیار  
کند و خودرا به خواب و خیال بسپارد  
و خیال قرار ندادن کاری درست و معقول نیست .  
این عمل باعث میشود که جوان از راه حقیقی  
زیرا شرایط امروز با گذشت تفاوت کلس  
که استقامت در برای مشکلات است نورشود  
وای ساکه ادامه این وضع اورا به ورطه  
نمیشود این رسالت را به بیان رسانید و  
کشیدن هاسوی نایوی بخاطر شق یاشکست درست  
تجام داد .  
قرار احصایه های بدست آمده بیشتر  
دختران به ازروا طلبی و بناء بردن به خیال  
علاقه نارنگی را پسندند .  
امروز در روشنی حقایق زندگی جوان ما  
باید خوب و بد زندگی را بهتر و خوبتر تشخیص  
نماید زیرا همین تشخیص است که آینده او  
رامیساند پس بناء بردن بخواب و خیال علاوه  
از اینکه هچ دردی را نداشته باشد بر عکس  
او را اهل حساس زندگی بیشتر به موضعیات  
شقی فکر کنند . زیرا در این مرحله کمتر  
میتوان به عنوان حقیقی شق بی برد و بیشتر  
شق های که در این دوران بوجود می آید  
و اگر این وضع دوام باید اورا به نایوی  
و بی جارگی میکشند .

بنابراین حقیقت جوانان ما باید این  
موضوع را درک نمایند که وطن و اجتماع  
در همین دوران است که عشق های واقعاً  
بیشتر از هر چیز دیگر به جوانان معقول  
حقیقی و محکم نیز بوجود می آید اما بصورت کل  
دواین سن و سال گستر انسان موفق میشود  
که عشق حقیقی و راستین را از هوس های  
زود گذر تشخیص دهد .  
بنابر آن جوان امروزی ماین صبر و حوصله  
و استقامت را داشته باشد تا با این مسایل  
وغیره ...

است در کارهای خانه سبیم نگیرد . دیگر  
زمان مرد سالاری سپری شده امروز زن و  
مرد هردو در تمام ممایل زندگی دوش بدوش  
هم کار میکنند و عرق می دیزند پس آن  
شهرانیکه با عقاید گذشته که مرد باید  
به امور منزل نست بزند و این تنها وظیفه  
زن است که در منزل کار کند بداند که  
اگر واقعاً من خواهند خوشبخت باشند زندگی  
خانوادگی شان سرشار از لطف و صمیمت و  
یکریگی باشد باید در امور منزل با همسر  
شان کنم کنم و هرگز اینطور فکر نکند  
که چون مرد در خارج از خانه مصروفت های  
دارد پس ناید در کارهای خانه با همسر  
کنم کنم . چه دیده شده که ذنباهم مانند  
مردان مصروفت های اداری دارند و مانند آنان  
کار میکنند ، رحمت میکشند و عرق میزند ،  
بناء زن هم از خود خستگی دارد و از زی صرف  
میکند پس بادرک این حقایق است که مرد  
باید یکجا به قضاوت کند و کوشش نماید  
که زن را در امور منزل باری نهد و همین  
مسایل کوچک است که تضمین کنند  
خوشبخت خانواده محسوب میگردد .

زمینیکه بین زن و شوهر علاوه از روابط  
زن و شوهری رابطه رفاقت وجود داشته باشد  
سیاری از مسایل و برایهم های زندگی که  
خواه ناخواه هر خانواده به آن سردهجار می  
گردد بدون کدام مشکل حل میگردد .  
اشتراک مساعی در امور منزل یکی از مسایل  
سیار عیوب در امرخوشبخت خانواده محسوب  
میگردد . و قیمه زن و شوهرین شان صمیمت  
ورفاقت موجود باشد کارهای منزل را با اشتراك  
هم بیش میبرند و این امر بیشتر بر دوام  
و استحکام خانواده میافزاید امروز که ایجابات  
عصر و زمان حقوق زنان را با مردان مساوی  
ساخته است پس مرد ناید فکر کنند برای اینکه مرد

عبدالخلیل روان

## جوانان و نقش آنها در جامعه

بر عکس معلوم است که جامعه دارای یک  
سلسله قوانین میباشد که ناگزیر طبق  
آن باید تکامل نماید . برای ساخته باشد  
جامعه امر ضروری است که باید پدیده های  
کهنه جای خوبی را به پدیده های تویکدارند  
با عباره دیگر سر الجام پدیده زوال یابند  
با به سر آغاز پدیده های رشد یابند باشد .  
ازینرو برای ساختن جامعه نیروی خروشان  
که بطور جدی آن را باید در نظر گرفت همانا  
نیروی جوان میباشد . این نیروی محركه در  
جامعه و زندگی اجتماعی رول بسزایی را دارد  
میباشد که باید طوری سازماندهی شود که  
تواند برای هر نوع فعالیت خدمت و از خود  
کنندی آمادگی جسمی و معنوی داشته باشد .  
از آنجاییکه جوانان سازندگان جامعه  
خوبی میباشند و فردای کشور به جوانان امروز  
معلق میگیرد و جوانان چرخانندگان جرخیانی  
آینده کشور خوبی میباشند . بیشتر جوانان آزادی  
در مقابل دشمنان وطن و خاک ، دشمنان آزادی  
و شرافت از آوان جوانی قسمی خود دارند  
برورش دهیم تا از قضاوت نسل های آینده  
سرفرار زیلد آیه و هر عملی را که انجام  
میدهیم مطحی نگیریم و در کارهای خوبی  
نظر انتقادی داشته باشیم . جوان امروز دیگر  
راه این دلبران و شسیدان مسیل الگاری نتمالیم  
و بیشتر از دیروز باید آگاه ، با شرایط متنین  
و متواتع باشد تا ازین طرف برای وضع  
نظیریات و اندیشه های خرافاتی و غیر معقول  
مبارزه نماید و از جانب دیگر قوانین جدید  
و میرم حیاتی را کشف نموده بکار اندازد .

دیگر جوانان با تمام آزادی میتوانند در همه  
مسایل اجتماعی اعم از سیاسی ، فرهنگی ،  
اقتصادی و کلتوری ابراز نظر نمایند و نقش  
فعال در تمام عرصه های زندگی داشته باشند .  
بنابراین وفاداری به این راه روح شسیدان  
خوبی اطهیان بخشیم و بیک آواز بگوییم که :  
هر قیق شنید . من راه ترا تا آخرین لحظه  
در شرایط امروز جامعه ما ، در دوران اتموم

به اما س بر نمیب ارتبا ط قیاد له فرهنگ  
کشور های دوست و برادر ، افغانستان و  
اتحاد شوروی ، اینک اعجمن دوستی افغانستان  
شوری و انجمن دوستی و ادباطافر هنر  
شوری با افغانستان ، نما يشکا ه بزرگ  
آنارستک هنر مندان افغانستان و شوروی  
را در حالی بر پا کردند که یکصد و هزار  
از تو لد رهبر کار گران جهان و اولین  
دو مس کشور مو سیا لستی در جهان  
میگردند . نما يشگاه مشترک یکه به استرا  
یش از چهل تن از هنر مندان افغانستان  
و چهل تن از هنر مندان شوروی دایسر  
گردیده ، در حدود دوصد ائمہ عزیز از  
هنر مندان افغانی : یکصدان از نقاشان  
معروف کشور دوست اتحاد شوروی و از  
جمله مدد کا بلو از شا گردن هنر های  
زیبای یو هنری ادبیات به نما يش گذشت  
شده که انکا من دهندۀ حیات مرد این  
سر زمین ها میباشد .

خبر نثار هنری ماسی به این نمایشگاه  
که به تاریخ ۲۳ حمل افتتاح شده و تا سیم  
تور ادامه دارد ، زده و گذاشتی به نما يش  
که خدمت شما تقدیم میگردد :  
در شروع عنایت الله شبرا نی آمر  
دیوار تمنت هنر های زیبای یو هنر  
ادبیات و منتصدی نما يشکا ه در جواب  
سوا لی چنین گفت :  
درین نما يشگاه آثار هنر مندان معروف



نمایش از : خسرو

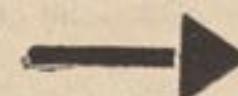
## نمایشگاه نقاشی آثار هنرمندان افغانی و شوروی

کشور چون استاد غوث الدین ، خانم  
سکورولی ، استاد غلام معن الدین شنبه  
آقای گندمی ، استاد قربان علی عزیزی و  
دیگر استادان به عرض نما يش قرار گرفته  
و همچنان آثاری از شا گردن سازمان  
هنری غلام محمد میخورد که خیلی دلچسب میباشد  
به چشم میخورد که خیلی دلچسب میباشد  
ساین آثار از کدام سبکی ای هنری  
نمایند گی میکند ؟  
هنر مندان شوروی اکثرا از سبک  
ریالیزم پیروی مینمایند و انکا من دهندۀ  
واقعیت های زندگیست و هنر مندان از شرایط  
محیط و محاذیک هنر میباشد .

هنرمندان افغانی از سبکهای مختلف در  
نقاشی خود استفاده مینمایند طور مثال  
خانم شکور ولی آثارش استرکت و به  
شكل مدرن گاوشه همچنان آثار شان از  
ریالیزم نیز نمایند گی میکند . هنر مندان  
که زو



یکی از تابلو هایی که درین نمایشگاه نظر  
ریالیزم نیز نمایند گی میکند . هنر مندان  
که زو



# پیروزی تاریخی

فست و گریزان شود . صد ها عملیات مسون  
الجیش از طرف اردو و بحریه سوری که  
مدبرانه سورت پذیرفت بعثت نوونه فتن  
نظمی در او را قدر تاریخی شاھکار ابدی خلق سوری  
آمد .

ضربه محکمی در پیکر دشمن و مخدوش  
آلماں وارد شد افراد جنگلی بو لند ، چکو-  
سلواکیا و بو گو سلاویا و پیکر کشور  
ها اروپایی که برای نجات سر زمین  
شان قیام کرده بو شدند علیه نازی ها  
دلبرانه چنتگردند .

سر کی گور شکوفه که در سال ۱۹۱۰  
تو لد یافته از سال ۱۹۲۷ به بعد در خدمت  
قوای مسلح اتحاد شوروی ایشانی و طینه  
میدارند در زمان جنگ وی قوماً ندان یک  
دسته تیروی بحری شوروی بود بعد از جنگ  
مو صوف قو ما نده بجهیره سیاه راعده  
دار بود . از سال ۱۹۵۶ به بعد او قوماندان  
اعلی بحری و معاون وزیر دفاع گر دید  
او یک قبیرمان عضو کمیته مرکزی حزب  
کمو نست و معاون صدر رهبری هیئت رئیسه  
اتحاد شوروی است .

مردم شوروی سهم گیری عمه گسانی را  
که در اهر شکست آلمان فا شیست اشتراک  
داشتند به قدر دانی یاد می کنند .  
با آنهم اوراق تاریخی به صراحت ثابت می  
کند که قوا کی آلمان از جبهه مشخص  
خویش جنگ را علیه شوروی ها آغاز ز  
کردند و تا شکست نهایی در حمله و تجاوز  
بودند درین تجاوز آلمان صرف قوای  
فاسیستی آن دخیل نبود بلکه متحدین  
آن در عرصه چهار سال جنگ از موقف  
آلماں هتلری حمایت داشتند و درین نبرد  
مسلحانه تا پای جان از تجاوز کنار گرفتند  
وجبه جنگ شوروی و آلمان نسبت به  
جهات دیگر عرض تو وسیعتر بود  
جهه شوروی و آلمان که یک ساحه  
شش هزار کیلو متر را اختواهی کرد چهار  
برابر جبهات ما نند افزایشی شما لی و  
اینا لی و کشورهای غربی بود .

در دو ران جنگ که در آن آلمان  
فاسیست سیزده میلیون و شصدهزار  
نحو س خود را از دست داد تها در جبهه  
شوروی و آلمان شه میلیون نفر آن ازین  
رفت در جبهه شرقی سه حصه از طیارات  
دشمن از بین رفت همچنان تاک و توپخانه  
دشمن کا ملا فلنج شد . ارتش سرخ عساکر  
بقیه وصفه ۵۰

از زمان پیروزی بر فاشیسم جر منس  
نام نهیم همه من سی و پنج سال من گذرد  
له هر اندیزه که زمان از جنگ بگذرد  
اهمیت تاریخی شاھکار ابدی خلق سوری  
وقایع مسلح آن در امر سقوط قوی پیروزی  
ما شنین جنگ چهار من مارمه داری و قوه  
ضربه امیر را لیزم چهار نی در پیشگاه  
چهار نیان رو شتر می گردد در نبردی  
دریغ که یک هزار و چهار هزار هزار  
شبانه روز طول کشید اردو و بحر یه  
شوریه له تنها از سر زمین خود دفاع نمود  
بلکه بشریت را از چنگال فاشیزم نجات  
داد .

اردوی هتلر در اثر مبارزات اردو و قوای  
مسلح شوروی نابود شد بلخاصه قوای  
زمینی آن نفس قاطع را ایفا نموده فعالیت‌های  
بحیریه شوروی در مناطق ساحلی به  
ستبز بر داخت ملا جان در حصه خسود  
فعای ایشانی چشمگیری را برای از هم  
پاشیدن قوا کی دشمن و نابود سا خسنه  
شبکه های مخابراتی آن انجام دادند  
بحیریه شوروی درین نبرد در خدمت قوای زمینی  
قرار گرفت و همه سواحل را که قوا کی  
زمینی شوروی نیز در آن قرار نداشتندیرو  
مندانه حراست نمود مسلا جان شوروی در  
اوراق تاریخ قبر ما نی نبرد قوا کی مسلح  
خاطرات رو شنی از خود بجا گذاشتند  
و خود را نهاده جراحت شهادت و فا داری  
وقهرمانی تا بات کردند .

اردو و بحر یه شوروی درین پیروزی به  
اقتصادی سو سیاستی اتفاق داشتندیرو  
را پیش سوم و اقمارش در آن زمان نسبت  
به اقتصاد واحد شوروی نیز و هند تر  
بود در سالیان جنگ منابع شوروی از  
یک و نیم تا دو چند ظرف فیت تولید تا نک  
تو بخانه ها وان و طیارات را نسبت به  
آلماں فا شیست داشت .

پیروزی اتحاد شوروی بر آلمان هتلری  
به ایالت روسیه اتفاق داشت که تشكیلات عسکری  
این کشور سو سیاستی بد و نشان  
حائز تفوق بر اردوی دول امپریا لیستی  
بود . قو ما ندا نی سوق الجیش شوروی  
نسبت به قو ما ندا نی هتلری پیکر جنگ  
علاوه بر این هو غوغایات بیکری تکی جنگ  
از طرف شوروی ها عینتا ارزیا بی من شد  
سترا تیوی و فن جنگی شوروی فوق اعلاء  
قوای گرفته بود و قدرت آنرا داشت تا با  
حوا دیکه در آن زمان سترای تیوی و فن  
جنگی آلمان قادر به مقابله با آن نبود

از رنگها می سرخ ، نارنجی و زرد .  
آیا نا حال از آثار خود نهاده شده  
دایر نموده اید ؟

نمایشگاه مستقل از آثار خود دایر  
نگرده ، اما در دونما یشگاه که در پیشگاه  
دایر شده اشتر از نموده ام .

نقظر شما به صفت یک هتل هند در دوره  
این نهاده شده چیست ؟

- این نهاده شده است .

هترمندا ن با هم در هر شان تبادل  
افکار کنند و از یکدیگر بیان موزنند ،  
هیجان این نهاده شده در مجموع بیانگر  
زندگی واقعی مردمان دو کشور دوست  
و برادر میباشد .

سد طول چار مال در بو هنخی جند  
تابلو کار کرده اید ؟

فقط پنج تا بلو !

- بسیار کم نیست ؟

- همکن کم ناشد ، اما مواد او لی اشرا  
در دست نداشتم تا زیاد کار کنم امیدوارم  
در آینده زیاد تر آثاری به وجود آورم .

از عیناً سمع مسعود محل مصلحت هنر  
های زیبا بر میدم :

شما درین نهاده شده چند تا بلو داریدا  
شش تا بلو ! از جمله : سلما تی ،  
دهقان و تابلوی فرا مین هفت و هشت .

- از کدام سبکها نهادنگی میکنند ؟

ساز کوییم و مینا قور .

- یعنی دو سبک مختلف ، چرا نمیخواهید  
از یک سبک به صورت درست استفاده کنید ؟

چون فعلاً محصلم ، میخواهیم از هر  
سبک نیوونه بی داشته باشیم و در اخیر یک  
سبک را انتخاب نموده آنرا ادامه  
میدیم .

شما کدام میک آنرا انتخاب خواهید  
نمود .

- فکر میکنم ، میناتور را .

به آزوی موقیتی صحبت را با فرید کمالی  
یک تن دیگر از هنرمندان این نهاده  
سلکسکرین و پارسل کار شده است .

او میگوید درین نهاده شده یک اسر  
به نام « بشکا » اند که یکی از خصایص  
طبیعی این زندگان را داشتند میتوانند  
سوی پیرو میک ریا لیزم بوده و عقیده  
دارد که یک هتل هند باشد با لای ای اسر  
زیاد کار کنند تا تابلوی یا الیزی  
وجود آورد که به هتل ش لطفه نزد .

عبدالستاری غریز یار که تا بلو های  
کوچه هندو گذر ، جنگ موزن و طبیعت  
بیجان را درین نهاده شده به معرفت تمدن  
قرار داده است میگوید از ریا لیزم آثار  
زیادی دارم اما میخواهیم پیر و سبک امیر  
سیو نیز باشم .

- آیا آثاری از این سبک مدنون کار کرده  
اید ؟

سخیر ، اما در همین تاریخی فردیک تن از  
کسانیکه درین رشته معلوم نداشت کا فسی  
دارد ، آثاری از این سبک هنری به وجود  
خواهی آورد .

و من با آزوی مو قیت تمام هنرمندان  
این صحبت را به یان و سان بیان و سعادت  
و گامگاری برای شما خواهند همای  
دریان از دید .

رنگها گرم را اگر کمی تو سو پیچ  
از رنگها ی گرم .

و من با آزوی مو قیت تمام هنرمندان  
این صحبت را به یان و سان بیان و سعادت  
و گامگاری برای شما خواهند همای  
که زود تر به چشم بینندگان گار کند و عبارت  
غیری نیز از بارگاه ایزد متعال نمایند .

# لیک دارستان

# حکایت بدهانسان

ترجمه: میرحسام الدین برومند

قایق در حال عرق شدن است اما حین، بعد  
به لحظه سرعت غایب نموده کشته شد. آن را  
راپاره میکرد... موتوه خود قایق فوی بسر  
و مطعن، متین از تکاه ساخته شده قایق ها از  
متغایر بود و تفاوت صرعت میان دو قایق را  
همین عامل باعث شده بود. قایق ها بطری  
امداد آمیزی در میان امواج بحر بسازی  
میکردند. «هولکا» خودش را روی عنده  
کشته پسی بحر آویخته بود، کویی او  
میخواست با امواج بحر بزمد... طبیعت  
منظمه دلخیزی به بحر داده بود، نور و سایه  
بحر را درین بین کشیده بود، انکاس نسوز  
بر درخشش آفتاب از بالای قله «آلین» در آن

بحر، برای رویا های کودکانه «هولکا» زیبایی  
ویانگیز نداشت، نور مهتاب پس از غیر  
میان شاخه های درختان و اشجار کنار ساحل  
که روی آب بحر افتاده بود، منظره وجود آوری  
برای «هولکا» ساخته بود، «تلیانیکوف»  
همینکه دید پسرک خودش را روی عرضه دایی  
شم کرده و با رویاهاش در جلد اس-  
ایتیار برخلاف سرعتی که قایقش را پیدان  
سرعت میراند، نه تنها از سرعت فاقه کاست  
بلکه منو قفس ساخت. حالانکه درین اس-  
قایقیکه بیوت و برادرزاده اش «هولکا» سوار  
آن بودند با سرعت هر چه پیشتر میراندند،  
قایق دل آبها را پاره میکرد، آبها که  
میزد و بجلو رام من بیمود، اتکارهایی باز  
منشین اش قصد پرواز داشتند. «هولکا»  
بازدیگر از جهان تخیلات و رویا هایش بجهان  
حقایق برگشت، از خودش برمیمید: «جزا  
ایتمه ناراحتی! بزودی موجه گردید که  
این خصه و ناراحتی را قاز بدیوار آورد هاست  
والی درین هوای سرد و توغانی، من گردان  
بحر قایقرانی، هیچ لزومی نداشت... آنان  
از قانون مریضیجه بودندچه قانون حق شکار  
آن قاز های وحشی را نداشتند، «هولکا»  
پسر خاصی بود، و نجش لحظه به لحظه  
فرونی میگرفت، با خودش میگفت: از قانون  
مریضیجه، بعدش هم فرار گردان ایدا عالمه  
نیست.

«هولکا» تصور گرد کچیزی در درو شر

است که من از از

باطنیش بود، ندای فرار و گریز از قانون.

ندایی بخاطر بی اتفاقی در براین خابله ها

و مقرره های اجتماع، قایق عقبی باز هم برآمد

افتد و تندتر و تندتر حرکت کرد از تکاره های

خواست. قاز وحشی را که هولکا شکار کرده

بود از ایشان باز مستاند. به یکباره کی

پسرک میگرداند که هولکا

ازین اتفاق متغیر گشت، التمام کنان از

کاکایش خواست قایق را منو قفس سازد.

آنوقت دقایق بساییکه گویی بهم دیگر

چیزی نداشت، کنار هم قرار گرفتند.

برخلاف حدس و توقع، «تلیانیکوف» با نکاه

های ملامتیار آندو را نگاه نکرد، بلکه این

نکاه های نگاههای دلسوزانه بودند. «تلیانیکوف»

و طبقتاً بایستی آندو را توبیخ و تکوهش میکرد

که چرا بدون اجازه و فرا رسیدن موعد شکار

بشكار برندگان پرداخته بودند لا کن

تلیانیکوف بر کاکا و برادر زاده مذکور ساخت

در گوشه قایق گذاشت، درین اثنا همان  
«تلیانیکوف» توجه اش را بخود گشید که  
مدعی بود: پاییست تو مطابق برونوکول که همین  
اکتون من و تو امساء میکنیم، پس از یعنی  
عمل کنی. بیوت با آرامش ظاهری که در  
ساخته، میگفت: آفرین یوسم، تو واقعاً نشان زن ماهری  
برونوکول... درنک دیگر برای چه؟

و پسرک بیون آنکه بrixود بیالد فقط جواب  
کاکایش را با خوبی تحویلش میداد:  
- هان، نشانم خوب بیجان قاز اسابت کرد.  
هولکا بمحض اینکه نگاه های «تلیانیکوف»  
بسی کاکایش دوید دریافت که میان آندو  
بکدیوار وجود دارد... یک دیوار بازیک  
که هر آن باریکتر شده میبود. پسرک دریافت  
بود که نگاه های مردیگانه، نگاه های عادی  
نیست، نگاه های ملامتیار است... پسرک  
هر آن مجسس ترشده میرفت، دلش میخواست  
او را بخشه نشاند. برادرزاده اش که سخت  
متایل برفن با او گردیده بود تا توانست  
امداد نمود. پسرک که نامش «هولکا» بود  
هشت سال بیش نداشت، هولکا را از شکار  
بیحد خوش می آمد مهدالله او در شکار و  
نشان گیری دست کوچاهی از شکارچی ماهر  
نداشت. هولکا برندگان زیادی را که برشاخه  
های درخت متزل می بردند همیشه شکار

گرچه فصل شکار بیننده های دریایی آنجا  
فرم بر سریده بود، باوصفاتی، پیوتو ریاستکنیک  
یک فازوحشی شکار شده از بحر را با خود  
همراه داشت. بیوت به نحوی که گویی  
نماد اذکرخود خود است. بیننده مذکور انطماره  
داشت... متعاقب آن نگاه های خصه آلوش  
به دوردمت ها کشیده شد. از نگاه های  
رقیب از مرد پیدا بود که اوبه دنیای برندگان  
ذریایی می اندیشد و به اینکه بعضاً چه  
بیننده این برندگان را شکار میکند  
«تلیانیکوف» مقتض ساحة شکار از پس یک  
جزیره کوچک ظاهر گردیده و قایقش را بسوی  
او میراند، نگاه های مرد مذکور عم الود  
میمود. او همان نگاه های سرزنش آلوش  
و ملامتیارش را بسوی بیوت ارزانی داشت.  
مفتض وظیعه داشت، ناظر بحر بود و بدون  
از فصل شکار وساعات معین شکار برندگان  
دیگر به هیچ فردی حق شکار قاز های  
و خس آن بحر را نمیداد.

«تلیانیکوف» اصلاً بیوت را نمی شناخت  
 فقط این مومنین بازی بود که وی را با قایقش  
در آغوش بحر مشاهده مینمود. بیوت در  
دفعات قبل بعن اینکه بیوده باروت بافروزد،  
کار دیگری نتوانسته بود انجام بدهد انگار  
شکار و نشان گیری را بله بوده باشد... بیوت  
چون نزد برادرزاده کوچکش از زیبایی قاز  
های وحشی بحر تعریف کرده بود، پسرک  
او را بخشه نشاند. برادرزاده اش که سخت  
متایل برفن با او گردیده بود تا توانست  
امداد نمود. پسرک که نامش «هولکا» بود  
هشت سال بیش نداشت، هولکا را از شکار  
بیحد خوش می آمد مهدالله او در شکار و  
نشان گیری دست کوچاهی از شکارچی ماهر  
نداشت. هولکا برندگان زیادی را که برشاخه  
های درخت متزل می بردند همیشه شکار

چنکنک گرفته بود خواست از ماهیان شوریایی دوست کند ... آتش را روشن کرد . درین میان صدای خشن خش برگهای درختان توجه «هولکا» را بخود کشید . «هولکا» نزدیک آتش زانوزده بود، هولکا درین هنگام به آتش و حرارت آن فکر می کرد و به جرقه های آن.

سوالاتی چون آتش چگونه تولید می شود، قاز هارا چرا نباید شکار کرد .... می آندیشید. درین میان دشته افکارش به یکبارگز از هم گشت . به بازوی پیوتور چسبیده ویرسید: - آیا مایه قایقرانی درین بعث برای شکار کاهی دیگر هم خواهیم آمد؟

«پیوتور» که او هم مصروف آشیزی بود فقط با جنباییدن مر ، تایید کرد که حتاً اینکار را تکرار خواهند کرد . «تلیانیکوف» خطاب به «هولکا» گفت :

- برای ادامه حیات، برای چیدن دامه . اگر این بزندگان بالای چمنزار های بروز من آیند، روی سبزه و علف های نشینشند

یاک گوشه طبیعت را کامنه باشیم، کساری نکرده ایم، اگر ببرجهانه بزنده ها و موجودات و حیوانات را که به طبیعت زیبایی می پختند، محیط پاها و ایخار را تماشا می سازند، آزین می برمی جز اینکه نسل بزندگان و حیوانات مذکور را ازین میزد

باشیم کار دیگری را ازین فرده ایم . تلیانیکوف متعاقباً از نگاه های سرایانه در تفکر و بیت زده پسرک فهمید که او تاچه حد نادم است بناء محزنانه گفت : ما اشتباه کردیم، طبیعت زیبا و دوست داشتن است باید قلب طبیعت را دوست داشت . «هولکا» از مرد مقتضی فرمید :

- این قاز ها بعضاً دورتر از بحر بروز میکند برای چه؟

- برای ادامه حیات، برای چیدن دامه . اگر این بزندگان بالای چمنزار های بروز



کوتاهی هیچ بزندگی درین بعث نخواهد ماند. مگر ماجرا بیهوده نسل این بزندگان را ازین بیریم؟ آیا این عمل زیاد مفححک نیست . هرگاه این بزندگان ببرجهانه شکار نشوند میسان . پیوتور که میدانست یا متول شدن ناسال دیگر شمار این بزندگان دو چند می شود «هولکا» گرچه ظاهر اتوسط «تلیانیکوف» مخاطب ساخته شده بود لاین چشان کاوشگر او دیگر مضموم شده بود که همیشه پسرخوب امیاند . همچنان تلیانیکوف دلک بحال میکند، میکار، دشکار، گز و درست

خوبی های آن بینقاوت مانده و بعضاً طبیعت از کوچک بیمورد و بخاطر هیچ جرا جنین کار وجود چنین اشخاص کم التفات صدمه وزیان نیز بسان «هولکا» نادم از کرده اش بود . قلب کوچک پسرک برای خوبی ها می تهید . شاقه را بصر میرسانید و در بحر مر گردان گلی را از گلبهای جدا کنید جز اینکه حیات میگذرد . همچنان تلیانیکوف دلک بحال گل مذکور را گرفته باشیم و بخشی از زیبای آنای میسوخت که در پسر ابر طبعت تو

شماره ۹  
توضیح

صفحه ۴۳





## از پنج تا ده سال ...

دول تربیوی که دارند مساله کمبود نایماهانی از مغان های شوام بر سو نل باز بیهوده نو کتو ران جوان. قبلى را دو باره مورد مطالعه قرار داده و با تکثین - لبران - طبق نوره های معینه امس فدامت ها او لیت ها ناتاچا نیکه ازینک جبران میگردد چه دسته ای از امکانات میسر باشد بر سوئل مسلکی استادان متخصص دمپلین های مختلفه وادری وادویه تپیه بدارد.

طب طب دو سال گذشتند با جام شهادت از آنجا نیکه خالیگان علمی در ماحده بروگرامهای تربیوی بخصوص دو کتو ران نوشیده اند و یازده و کشوار متوازن گشتند وبا ازین طب طور مبارز محسوس بود یک گروه از دو کتو ران (۱۱) نفر در رشته های مختلفه طب در موسمات مرگزی که دو لتر بیوی را به سویه نیمه دار میباشد تحت پر و گرام هر بیهوده دار میباشد تخت پر و گرام هر بیهوده نر یک نیکه قرار داده شوند بر علاوه برای رفع نیازهای پرسوئل طب دندان یکصد و ده نفر در مکتب عالی طب دندان و همچنان یک گروه در چوکات فاکولتی طب دندان چهت نر یک نیکه گذاشتند شده اند. در ساخه یزدپوش معلقین در رشته خدمات نر منتهی در ماحده طب دندان نیز نداشته باشند و اخلاقشند است.

هم چنین - تدویر کورس انسیان را دیوی لوزی .  
ردشته داخله عمومی - داخله اطفال  
امرا نس ساری بشمول توپر گلسو زیری .

رشته جراحتی علوی - ارتو بیلدی سجر اخ

رشته داخله علوی - جراحی اطفال .

در مساله طب عده لی و بین رشته انسیزی برای دو کتو ران و گروه از نزدیک گذاشتند شده اند و برای ازین بردن نیز این راه را معملاً تقدیم کردند. پرسوئل در چوکات «ابن سینا» دسارتی نارو غیر رونقون . بمنظور عرضه خدمات موثری برای مریضان مبتلا با مراض ساری و پیشبرد سیستماتیک و عملی کردن بروگرام های تربیوی دوکوران و سایر کنکلری پرسوئل مورد نیاز در سمار کارهای انجام شده میباشد .

غایبا مرا چنان مرا کر معا لجوی کشوار و خاصتاً هر اینسان شفاخانه های و لایران شکایا تی دارند که میتوان انتیزی و متداری نرین موارد آنرا در کمبود متخصصان نوکر مسلکی - کمبود دوا و بستر و سایل مربوط به احصایه صحی فعالیت هایی موقت مساحت معا لجوی طب عده لی کورس تربیوی رشته عید یکل ریکار دندان آرد به خاطر پیشبرد بروگرام های تربیوی پرسوئل مورد نیاز بسط و کشوار و بمقصد عرضه خدمات طب عده لی بینان آوردن یک واحد منظم اداری در جوگان ریاست طب معالجی روی شناخته ها به وسائل میباشد و این راه را مراکز خلاصه کرد بدون شک تجربی نشان خواهد شد .

نو سعه ماحده خدمات ناکاره و لایران و بزرگ آن وافر ایش بودجه کار میتوانند در رفع این شکایا بات موثر باشند .

باشد شما برای ازین برداشتن این نقص چه طرح عملیاً تی را برای تامیلات معا لجوی و شفاخانه های بیشتر کرده اید ؟

برای است طب معا لجوی هدا بستانه شده تا در این زمینه عملیاً تی علمی راکه در آن در حده امکانات بتوانیم مشکلات مرا کر معا لجوی را رفع سازیم در دست

نکات مهم این بدان در این موارد خلاصه بیکر دد :  
لوزی و نصب یک دستگاه اکسیریز با تلوبیزیون در انتیوت ملی دادیو-

روغون علی اباد در جمله کارهای دیگری هم میباشد که بروزی به الجام خواهد آمد .

تقویت شعبه طب دندان برای اطفال در چوکات ریاضی و بودجوي مطالعه و متعهله ازینک ساری و قمع مالی و بودجوي زیر مطالعه در متنزه ای از دستگاه تداوی دندان در کلینیک

گیرد .



## نگرهای کوچک ...

نیمه صفحه ۱۹

طب معا لجوی و .  
طرح و تطبق لا یکه موارد غذائی در زیمه تجدید نظر در مورد هنرمه بروگرام غذایی هریسان ، پرسوئل بادر نظر داشت اطیاف و منسویین طب در دست اجرا بوده و یعنی دارم باعثی سدن این کار .  
دو طرح و ترتیب لایحه میتواند بر کمته بخشی عددی از شکایات در زمینه حل تنظیم و عرضه خدمات صحی موسسات مربوط ورفع گردد .

وفورم دیگر آنچه به چاپ رسیده است فقط میتواند در دوره بزرگش یک انتیوت کوچک نیمه میصد جامعه ما فراز گیرد و بسیار خوب بود که در این سطح اقتصادی عمومی های دلگی در کاغذ جلا دار که به فراوانی در متن مجله به چاپ رسیده و حتی یک نشر و چاپ مجله وزین «طلبل و عان ریزا» به وزارت تعلیم و تربیه، بریاست کودکستانها کار کنن آن و همه اهل عطیه عالی دیگر این گمان را به وجود بین این گمان را به وجود بین این میگردیم این مجله در شماره های بعدی خود بادرد و شرایط ذهنی و عینی جامعه و خصوصیات فر هنگری بیشتر میگذرد .  
دو مطلبی که بینا موقن ارزش دیگر این شناخت هر چه بیشتر عوامل تاریخی در میان خانواده ها و آنچه که سلا منی و بروگرام طبل و مادر را لطفه میگرد و با انتشار مطالبی بیرون «سه بعد صحت» بپیوود نام حالات یاری روانی و اجتماعی و میتواند این روزه بازیزی ها در انتشار ذکای کودک داده باشند .  
امبا ب بازی بازی کوچک کان «تفتیش» بازیزی ها در انتشار ذکای کودک داده باشند .  
نشر رسیده است نشان میدهد که توجه کمتری به وضع اقتصادی و سویه زندگی روی هدف نشانی خود استوار باشد و در زمینه های آموزش و بروگرام فن ارزشمند این دونتکارش مطرح گردیده و مخصوصاً کلیشه های بین دلگی که از امبا بازی اینجا گیرند .

## خرید نان

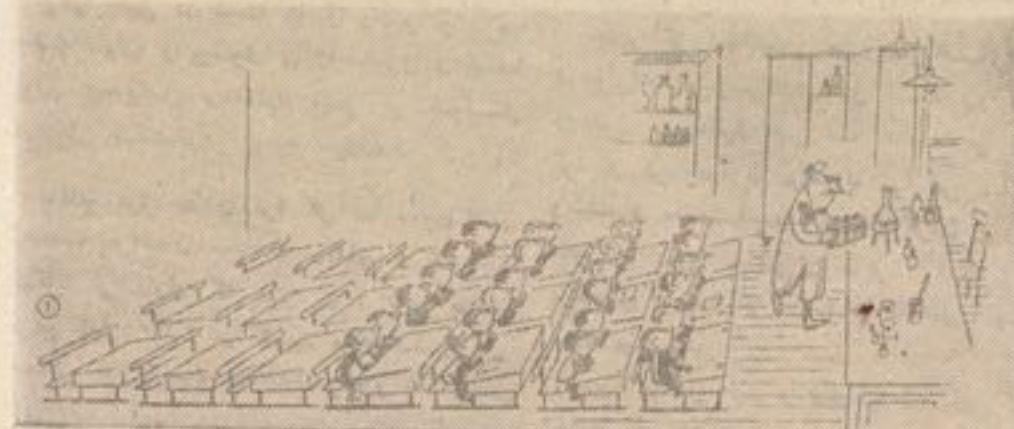
خانم برای همایه اش در دل میگرد:  
درست خواهر بیدانی جه بلای به سرم  
آمده است؟  
ـ تا حال درست یک ماه میشود که شوهرم  
برای خرید نان و فته و هنوز نامه است.  
سچب حوصله ای داری اگر به جای تبر  
می بودم دریک هنقرش نمی ماندم خودم هیرفت  
نان می خریدم!



بدون شرح

## حیمت ندارد

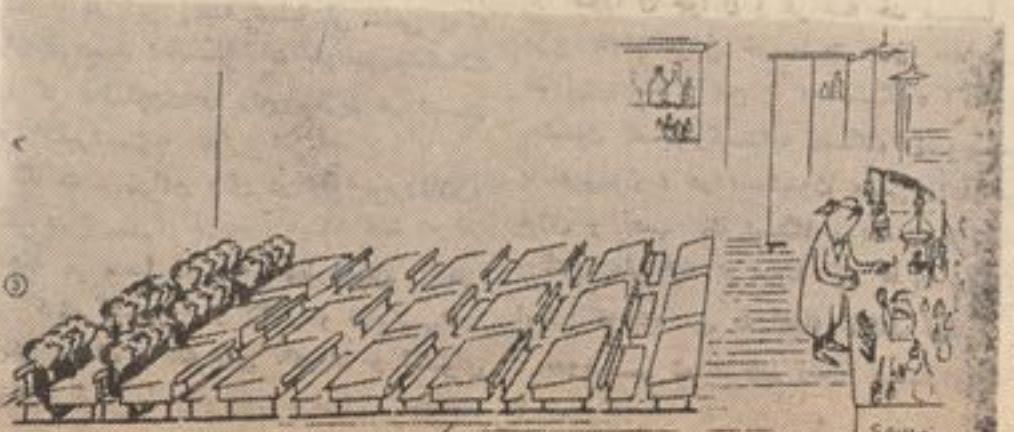
در رستورانی ناگران هشتاد چشم بده  
یکی از تاروسون ها اثنا و دید که هن خواهد  
پشنقاب هارا با استعمال جیش پاک میگند...  
او را صدا زد و گفت:  
ـ آقا این چه کاری است?  
ـ مگر دیوانه شده اید.  
ـ تغیر قریان عیب ندارد!  
ـ چطور عیب ندارد?  
ـ آخر دستهال هم خودش گفت است!!



یک تجربه کیمیاوردی



بدون شرح



از بالا به پایین بدون شرح



## دلیل قوی

احمد که برای دیدن اسپهای خود به طویله  
رفته بود، دید نوکریں بینه بسیار خراب و  
لندی برای اسپهای خریده است... باعصبانیت  
او را صدا زد و گفت:

ـ ساین جه قسم بینه است که خریدهین?  
ـ نوکر جوابداد!

ـ آقا... بینه بسیار خوب است!

ـ احمد گفت:

ـ تغیر... بسیار خراب است.

ـ نوکر قدری از بینه ها دای را داشته و نزدیک  
دهان اسب برد و اسب به اشتبا آنرا خورد.

ـ نوکر گفت:

ـ قریان... ملاحظه کنید.

ـ اسب باید بینه را بشناسد نه ها و شما.



ـ هی... بیلی... اجازه میشی من سالدویج را  
بنزورم!

## د ختوه تجذب

دو مرد راجع به زندگان گذشته شان صحبت  
میگردند.

ـ یکی از آنها گفت:

ـ راستی از دوران طفولیت ناگفتوں کاهی برایت

ـ اتفاق اتفاده که گوییه کنی؟

ـ مرد دومی قدری فکر کرد و بعد جوابداد

ـ نی تا بحال اصلاً چنین موردي برای من

ـ پیش نیاشه خوب، خودت چطور؟

ـ مرد دومی سوی تکانداد و گفت:

ـ من از بچگی تا حال دو مرتبه گریبه گردد ام.

ـ چطور در بار؟

ـ یکبار خودم وقتی که زن گرفتم و دفعه

ـ دیگر هم برای دادم، موقعی که بادخترم

ـ ازدواج کرد!!

ـ دختر دومی جواب داد.

ـ من تصمیم گرفته ام که دیگر هیچوقت

ـ با او ازدواج نکنم.

ـ دختر اولی با تعجب بررسید.

ـ چرا... برای چه؟

ـ دختر دومی آهی سوزناک گشید و جوابداد.

ـ برای اینکه غرچه سعی و گوشش کردم

ـ نه تو نویستم اورا وادر کنم که از هن خواست.

ـ کاری گند!

## دانستهان خشو

ـ رئیس محکمه بررسید:

ـ فرمودید شوهر شما کم شده است؟ بله

ـ آقای رئیس!

ـ چند روز میشود؟

ـ سه روز یعنی از دوزی که مادرم بمنزل

ـ ها آمده و گفت خیال دارد یک ماه بیش ها

ـ بماند شوهرم مفقود الاتر شده است.

ـ رئیس محکمه فکری گردید: بیزحمت تا



ـ بجه مادر جان یک هزار ... بالاخره من

ـ خبری نشد، آنوقت مجدداً هر اجمعه فرمائید.

ـ عکس آن دورا گرفتم

# نیز یکم بده ساخته شود

خانم اسپویت ، در لباس سیاه ، اشتبه ریزانوارد اسلحه فروشی شد و حقیق کنان به اسلحه فروش گفت:  
ساوه هست ، دیدی چه سرم آمد ... شوهر بیچاره ی دیشب رفت وزیر موثر شد و جا به جا  
علال شد .  
اسلحه فروش هاج وواج گفت:  
بسیار هنایم هستم ... تسلیت عرض می کنم ... ولی از دست من چه کاری برای  
شما ساخته ام ؟  
لطفاً نتفکه را که پریش ب از تان خردمند بگیرین .

## گفت و شنودها

خانم - بینیم ... تو میدانی که شوهرم باسکرتو جدید ش سرو سری بیندا کرده است .  
بیشخدمت - نی خانم ... این غیر ممکن است ... شما برای اینکه هن حادث کنم این  
حرف را میزند !

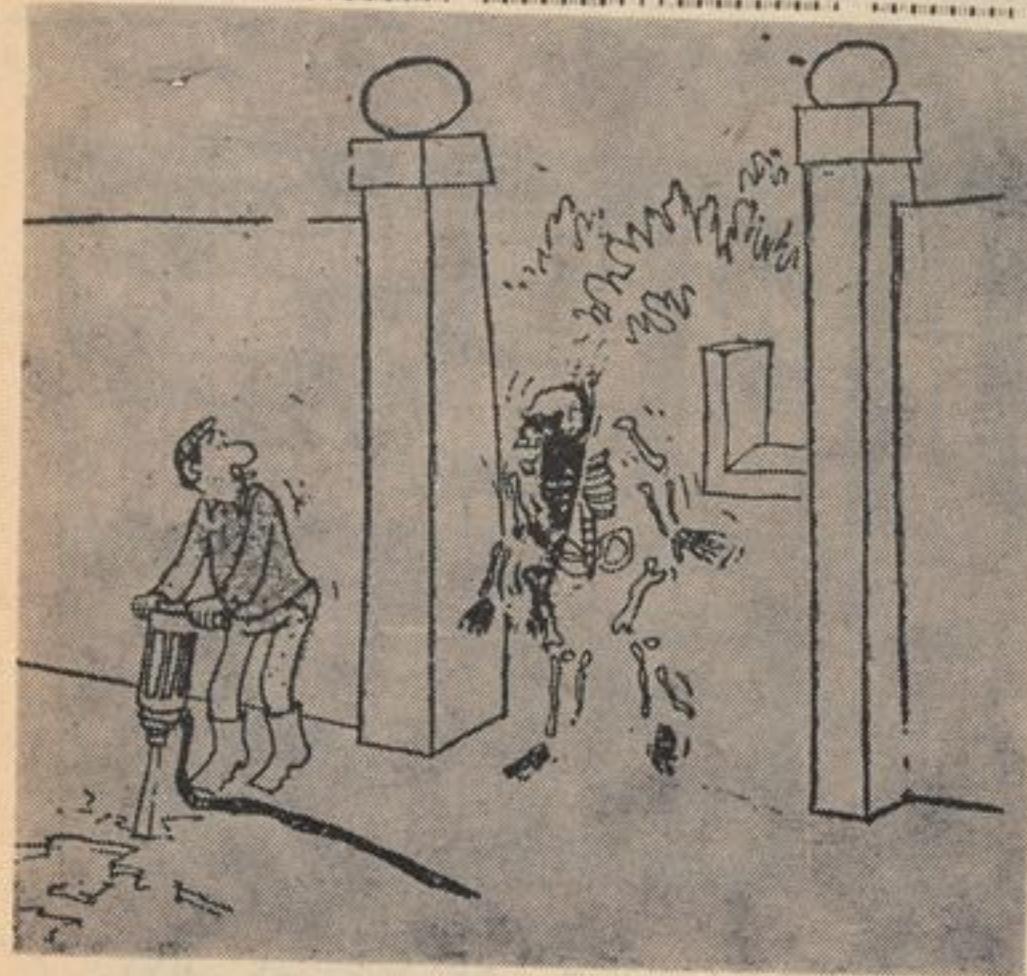
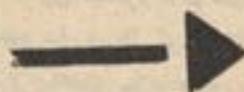
\*\*\*

مریض - آقای داکتر ...  
این عملی جراحی بسیار خطرناک است :  
داکتر - نی جانم ... هر یکی باسیصد افغانی  
میتوان عمل جراحی خطرناک را انجام داد ...  
\*\*\*

بچه اولی - در اینصورت بدنی آمده ای ...  
برای تو فصه بگویند ؟

بچه دومی - بلی بسیار دوست دارم .  
بچه اولی - در اینصورت بدنی آمده ای ...

بدون شرح



## استخدام

رئيس موسسه پس از آنکه معرفی نامه ها  
واوراق و استناد مردمی که برای استخدام به آنها  
مراجعه کرده بود دید سری تکان داد و گفت :  
بسیار خوب ... شما از هر چیز برای کاری  
که مادر نظر دارید مناسب هستید ... ولی من نمی  
توانم شما را استخدام کنم .  
جرا آقای رئیس برای چه ؟  
- برای اینکه شما ازدواج نکرده اید .  
مستخدم من ازدواج نکرده ام ؟  
- بلی جانم ... چون من کارمندی که به اطاعت  
کردن عادت کرده باشد ضرورت دارم .

## عشق زود گذر

پس فیض عقده ساله وارد معاینه خانه داکتر  
شد و گفت :  
داکتر جان نجاتم بینم چی شد ؟  
سد خنک گریه کنان گفت :  
داکتر من عاشق بدرم شدم ولی او متاسفانه  
قبلاً ازدواج کرده .

## در صنف

معلم : فصل دختم را برای تان می گوییم گوش کنید :  
معلم به شاگرد ان تشریح کرد .  
- یکی از شاگردان حواسش جای دیگر بود و به حرف معلم گوش نمی کرد .  
معلم : حسن از اینکه گفتم چه فرمیدی ؟  
حسن : فرمیدم همه رفتد . فقط من و شما ماندیم !

تهری - با اضافه شدن (ای) گسبیل میگردد -۱۲-  
ساپلکلوزی - ازان نان درست می گنند -۲۲-  
ابر را بازان بکجا کنید -۲۳- هستند ناتمام -  
نصف سبقت - دو شهر بزرگ ازیک کشور  
آسیایی - اروپایی -۲۴- شمیمه پینتو - چبره  
فلم هندی به اشتراک منوچمار -۲۵- حرف  
دیپ از شعرای مشهور گشته ها - یک حرف و دو  
خانه -۲۶- براعظم میباشد قصاب - گلمه  
تفی - ۲۷- از آن طرف نویسنده کتاب «بطرول»  
مگر به اعلای ناقص -۲۸- درگردن اسب بسته  
میشود - یکی از شیرهای ایران -۲۹- سروج  
بریشان - دو حرف مختلف در سه خانه -۳۰- از  
انطرف ردیف اخلاق - آمر به ترقی - نوعی از گلها  
-۳۱- التهاب نده سیانش را خالی کنید ناقص  
باقی بماند - از آنطرف سراسرت - ۳۲- با جم  
حرفی در آخر - مجله هفتگی رادیو تلویزیون  
میشود - مات بود سرش هم شکست - ۳۳-  
دو کشور از دو قاره چهان اسرالیل ها - ۳۴-  
زهین و آسمان متناسب به نتیجه است .

# سرکردی، هاد مسابقات

تبلیغ و تنظیم از صالح محمد کپسار

## جدول کلمات متقاطع



### این شخص کیست؟



ما بیو گرافی یکی از شخصیت های جما نوا  
برای شما شرح میدهیم بعداز خواندن بیو گرافی  
و مشاهده فوتوویش اسم اورا برای ما بنویسید:  
مردی که شهره عام و خاص است و شما  
خوانند گان عزیز نیز جهتما بانام او آشنایی دارید  
زیرا همه ساله جوائز بزرگی را به مختار عین  
ومکتبین و همینطور به داکتران به بیشترین  
نویسندها ویا به اشخاص که در راه صلح  
در جهان گام نماده اند تعلق میگیرد . او در سال  
۱۸۳۳ در گشورد سوید هتلود گردیده او هوش  
ولایات را زیبد خود امانت نیل که بوقایه مهندسی  
تعمیرات مشغول بود آموخت . هدف کمی به  
مکتب رفت و تحصیلات کلاسیک را ادامه داد اما  
تاسن شانزده سالگی بطور خصوصی به تحصیل  
علم مشغول بود و در سن بیست و یک سالگی بدون  
اینکه کدام شهادت نهاده به دست پیاورد در رشته  
کیمیا لیاقت خود را نشان داد و هم با لسانیای  
فرانسوی سالکلیسی - المانی دروس سلطنت  
داشت . با آنکه علاقه او به ادبیات بود . اما  
بیشتر توجه خود را صرف تحقیق در باره هواد  
منظره ( نیترو گلسرین ) کرد تا آنکه موفق  
به اختصار دینامیت گردید چندی بعدیعنی در  
سال ( ۱۸۷۵ ) ( لاتین منظره ) را اختصار گردید  
قدرت انفجار آن از دیشایت بیشتر بود . سیزده

یکایی -۸- آنکه اسب به پینتو - از شهر های

عمودی :

سوری - از هراکت افریقائی - ساز آثار تاریخی  
کشور ما از خوانندگان ایران سوستاره سینمای  
انطرف داور است سفر کر تحقیقات علمی و هنری  
-۳- در نده - آسمان عربی - جز نیست -۴- باهن  
هن - یکی از انواع کویر ها - سرزمین فلاسفه  
خبر - کشی بان ساز آنطرف از شعرای متقدم  
از آنطرف علاقه نهی پینتو سعف آغاز و انجام توت  
-۵- به معنی آنچه وهم و گمان متوجه آشیوں  
ردیف چادر - حرف دیپ - ۶- واحد یول یکی  
از کشور های آسیایی - از کوه های مشهور  
عربستان - یک حرف دو خانه - ۷- ازان طرف  
از غله جات سازنام موجی انتخاب کنید سعی پیش  
دارد - ۸- وادی غیر منظم راه کوتاه - ۹- کاشف  
میکروب سل - ۱۰- حرف نهی عربی را با نوع  
از سازها یکجا سازید - ۱۱- اگر پایش را قطع  
کنید یکی از خوانندگان رادیو کابل میشود  
نصف دیپ - ۱۲- خود یارها - از آنطرف دو هرمند  
سینمایی هند - ۱۳- از آواز خوانان مشهور  
هندوستان ( بدون حرف آخر ) - ۱۴- از عمالک  
اروپایی که شکل موژه را دارد - ۱۵- دیوار  
عوام - ندای سر بریده سوچ آن گذشت سفر کز  
کنید یکی از خوانندگان رادیو کابل میشود  
نصف دیپ - خوک بی سر - ۱۶- بایک حرف  
ولد میشود - از آن طرف محل کار سکر تر را  
گویند بوش درختان شکر معمکس - با تغیر  
حروف چهارم برای میشود - ۱۷- اسم بی آغاز  
نورنا تمام متناسب به یعنی است - سال - از  
کتابهای مقدس - یک حرف و دو خانه - ۱۸- رعنایی  
و لسوالی های بد خشان دست به پینتو قصر -  
به جوزجان منسوب است - در دیپ اول الفی از کشور هایی شرقی - ۱۹- دو ولایت از  
قرار دارد رفیق سوزن - از کشور های امر - کشورها رفیق شبان -

افقی :

احشمن خطرناک زحمتکشان جهان - براعظم  
است - امریکان تهی - مرکز یکی از ولایات  
کشورها - واحد یول خارجی - ۲- اله انتشار  
خبر - کشی بان ساز آنطرف از شعرای متقدم  
کشور ما - فوت نشده زهرم - بی سردفو شده  
یک حرف در دو خانه - ۳- سرش را قطع سازید  
نامه کوچک شود سفر کز یکی از ممالک اروپایی  
از آنطرف نوعی از سنگها است - از حروف  
مقاره انتخاب کنید - ناقل آب - نصف حیرت  
محبت خودش - نصف کنند - ۴- ضد خیر -  
جدید سمعتم آن اهد است - سهمیه اشاره -  
از آنطرف دو پانزده سمعتم آن در هاست -  
تکرارش آب مقدس است - ۵- حالا به پینتو  
روز اول آن بنام کارگر تجلیل میشود هاتم دار -  
خلال برگشته نشر نشده نوعی از گوسلندان  
خان در هشت و سی و سه شروع اعداد - ۶- مکتب بی  
نورنا تمام متناسب به یعنی است - سال - از  
از آنطرف یکی از وزارت خانهای کشورها - از  
کتابهای مقدس - یک حرف و دو خانه - ۷- رعنایی  
و لسوالی های بد خشان دست به پینتو قصر -  
به جوزجان منسوب است - در دیپ اول الفی از کشور هایی شرقی - ۸- دو ولایت از  
قرار دارد رفیق سوزن - از کشور های امر - کشورها رفیق شبان -



طرح از خالde عالمی صنف نهم و سیده عالمی صنف هشتم لیسه چهان ملکه ولایت غزنی .

شکل (۵) شمان میدهد؟ شما حتی و یا غرایبه راک همچنان هیرود و در همچنان شوهران را باید دختر زیبا سر گرم میشود و حرف های خرس میشنوند و میکویند در آن وقت چه عکس الدمل را اشان میدهید ؟

الف: همانجا ازاو باز خواست میکنید ویرایش چنین درسی میدهید که بیچ گاه آنرا فراودس نکند .

ب: با مردمی دیگر آنقدر می فصلید ناشوهر متوجه شما شده و حسد ببرد .

ج: کاوقیکه در انجام استید اتفاقی نمی افتد پس ناراحت شده و همیگذارید تا هر فردش بخواهد تفریح کند .

۱۰- شوهر نان از شما میخواهد هاند یک خان

از او بدل برای کنید و همیشه خدمتکارش باشید مانند شکل (ششم) عایده شما چیست ؟

الف این چنین کاردا تحول گردد نمی توانید وعنه دارید که هرگز مسوولیت خود را خودش انجام دهد .

ب: اگر شوهر شما هم متفاوت اهل کنداکن تدارد زیرا خدمت دو جایه است .

واز دستشان بگیرد .  
ج: سرخ شدن هر دهها هفتی مخصوص ندارد زنها هم بعضی اوقات زود سرخ میشوند .  
د: به نظر شما گدام یک از ادعاهای زیر

والغیت دارد :

الف: وقتیکه زن باشوهرش گاهلا رفخار هادرانه داشته باشد شوهر آنقدر رام و انتظاف پذیر میشود که زن مستوانه ازرا طبع و فرمانبردار خود بسازد و هر چند که بخواهد بست بیاورد

ب: مردمشی هم ملائی دوستان خوبی میباشد .

ج: مردمهای خیلی شناسی هستند و آرزو دارند از کارهای خود دیگران را تعاریف و تمجید کنند حتی اگر قابل تعریف و تمجید هم نباشد .

شکل (۶)

۶- در شکل (دوم) سه مدل طلا را که «شکل هدن ساخته شده میخواهید به متناسب روز تولد و با عروسی خود بآ زنجر طلائی در گردن سوپر خود به اندازید گدام یک و انتخاب میکنید :

الف، ب یا ج را ؟

۷- در شکل (۳) سه شکل هندسی را مشاهده میکنید که هر گدام سمبول یک روز است فرض

میکنیم که شروع این شما (ظا) و این شوهر نان

دارد .

۸- به عقیده شما چرا مردها خیلی سریع روی شان سرخ میشود و به اصطلاح خجالت میکشند ؟

الف: چون دروغ میکویند و خودشان از دروغ خود خجالت میکشند .

ب: چون هیئت سند کسی به امرار شان فرمیده

شکل (۷)

(ب) باشد گدام علامت را انتخاب میکنید که علامت روز نامزدی نان باشد . الف، ب، یا ج را ؟

۹- شما شوهر نان به اتفاق یک زن و شوهر دیگر از دوستان و با همکاران اوکه آنها را تا بحال نمایند اید و منی سراسید به مناسبتی به یک همیانی دعوت میشود مجلس رقص و یا یکنون آغاز میگردد مردها جمع میشوند و همسران خود را بکل فراموش میکنند هاند شکل (۴) در آن شرایط چه عکس العمل اذخود ننان بدید ؟

الف: همچنان راترکویخانه میرود .

ب: نزد مردها میرود و به آنها سر گرم میشود .

ج: گوشن میکنند تا باز نان دیگر سر گرم نمایند .

۱۰- فرض کنید در شرایطی فرار میگیرد که

شکل (۲)

شکل (۳)

شال بعد از موافق به اختراع (مالستیت) شد ، اولین باروت بینود نیترو گلسرین هی باشد و در سال ۱۸۹۶ دیده از جیان فروخته ولی بکمال قبل از هر گفشن وصیت نامه هشبور خود را

که از بزرگترین وصیت نامه های تاریخی هی باشد تنظیم کرداد در وصیت نامه اش تاکید کرد که یعنی از ۳۱ میلیون گرون روشن را به صورت

نقد در آورده و آنرا بعنوان سر هایه بکار برند که از عواید آن برای استحصالیه هشتاد و گزین

این برای بشر بوده اند جوازیز تبیه گردد .

برینه که وی مایل بود در آنها همچوی بیشرفت سود عبارت از فریاد سکیمیا-زیولوژی و یا طب زریان و صلح در وصیت نامه خاطرنشان گردد که جوازیز بین شایسته ترین افراد عز گشته

نمایند و از تو زیست آن یه سه موسسه سرینی و بلک گمیه مخصوص منتسب بیان

سازی و اگزار گردید این زندگی هر دی بود که در زمان حیات خویش گلیمه و قش را صرق ساختن

و بدل اوردن مواد متغیره گرد در حالی که نصف ازین کار فقط و فقط این بود که ازین

مواد برای خوده گردن سنگا و کوه ها و راه

پاذهن بداخل آنها واستخراج معادن و کارهای ساختمانی استفاده شود . او هیچگاه نمیداشت

که اختراعات او دوزی برای اینین مردن بشر نیز بکار میافتد و از جمله همترین و سیله حرب شمار میرود . حالا اسم اورا برای ما بنویسید

## یک قسمت بهمیار

## جالب برای زنان

## و نا هزد ها

این راهیدانیم که هر زن آرزو دارد که عشق و علاقه او و شوهرش عشق دایمی و جاودا نه باشد و همیشه کانون زندگی مشترک شان را گرم و بایدار نگهدارد برای آنکه گل عشق همیشه

ساداب و روح نواز باشد لازم است همه ای احساسات

ظریف زنانه از خردمندی و عقل ببره ور بودو

به کمک زیر کی از جانسها و موقوفیت های خوب برای حفظ عشق استفاده نمود . درین مورد میم ایشتست که تعادل میان پیروری از احساسات و مطلق را در زندگی خود حفظ کنید شهاده تست

ما جواب بیکویند تا بگوئیم که تاجه حد زیریک و دنانا در زندگی زنا شوی خودهستید . ها بک

سوال مینهایم به آن سه جواب داده شده است

شما هم یک جواب را انتخاب کنید ۱-۲-۳

۱- تصور میکنید گدام انسخا من از دینن

شکل (۱) لذت همینند ؟

الف: مردان احساسات همراهان و آرام .

ب: مردانی که همیشه خود را خشن و سریع نشان میدهند نا نفاط ضعف خود را بیتر بینهان کنند .

ج: همه مردها بطور کلی .

۲- به نظر شما علت آنکه مردها خیانتکار

## حل کنندگان گان

حل کنندگان جداول و مسائل شماره های قبلى زوندون عبارت اند از : حمیده، محموده، ضمیره ، ولی الحمد ، عطا الله ، روح الامین، کل احمدیویل برای هارسید که درین صفحه چاپ نمودیم .



کل احمد (بویل)

# پیروزی قاریخی

## ۵۰۰ مقصرا زد و اج

ساین احتما س را در آنها بود جو دیواره که شخصیت مطمئن و ثابت نداشت باشد نیز اگر هی دیده می شود که دختر و پسر خود را با جمع بازی و صحبت آنها بیو ندند متاخر در میان همسران خوب احساس بیگانگی و ما یوسی به آنها دست میدهد که پدر و مادر باشد این عین را در فرزند خود از بین پسر و برادر بقیماند که با همسران خود بیرونند و هر به خاطر شان بسازد که پدر و مادرش به اعلانه و دلچسبی دارند و حرفهایش را مسر شوند و متوجه گردار و رفتار شان هست و باید همیشه کارهای نیک و موقوفت شان را تحسین نمایند.

۵- گاهی اتفاق می افتد که دختران و بیران نو جوان گردیده میباشد بید آنها را قیلا رهنمایی نمود که در چنین موقع بیانیها و سرگرمی های دست بزندگانه مناسب به اقتضای سنتان باشد.

۶- در مقابل فرزندان والدین بکوشند تا از تقاضه های بیجا، لاف و زدنها و ساخته کاریها حتی المقدور بیرون شوند.

و در آخر باشد گفت که در انتخاب فلم های سینما کتب قصه و زمان آنها را نیز رهنمایی و مرآ قیمت نمایند. زیرا اکثر افلام های تجارتی و کتب غیر علمی برای بول اینها نیز باشد بلکه دیدن چنین فلمها و خواهد نداشت چنان کتاب را که با همین طبقه جوانان را به بیشتر شرمندی دیگری برای شناسن شده نمی توانند و آنها نزد گل خود را مانند هیرو یا هیرو نین فلم و کتاب عیار میسانند که با عنده بدین خود، اندوه خا نواده و تبا هر جا می بینند.

خردمال زندگی زنده چانی را که چوچه هایش منتظر بر گشتنش بودند از او بگیرد وی این الهام را از بین عطوفتی و قصی القلبی فاشیست های هتلری، علاوه بر این... او میخواست در هر کجا این از جهان بایستی صلح حکمران باشد.

دو مرد مذکور و آنکه «هولکا» را بخاطر احسان نوهد و میتوانند این بوسیله داد و قایق شان را بصوب منزل خویش برگردانند، رانند... هولکا در همچو لحظات خیلی هایشان و من حال میشود. بایان

تو بخانه، تسليحات انجیری داد بیوی والات کنترول که کمپیو نزی والکترو نی اکتو نه بینا نه و سیع در بحر به شوروی از آن استفاده می شود.

اتحاد شوروی بحر به جدیدی را بوجود آورده که ابته به منظور تجاوز نبوده و مانند کشورهای امپریالیستی در این حمله کشورهای اتحاد شوروی از آنها است ملا حسان در حال آماده باش است ملا حسان شوروی می گویند که کشتی های چنگی شان به منتصد چنگ طلبی و تجاوز در هیچ بحر و بحیره در حرکت نیست. بحر به شوروی کما کان منجیت عامل حفاظه مسلح در دری زمین و استحکام می باشد اتحاد شوروی تو عیت تجاوز گرانه امپریالیزم

شوروی با مردم اکثر ملل و قاره های فعالیت می کند.

قوای مسلح شوروی های نظریه تر

خط امنیت سرمهین خود بیدار اند درین

زمان در حال آماده باش است تا هر تجاوز و حمله را از هر چیزی که باشد

عقب نماید و با اعتماد کامل امنیت شوروی و کلیه جا میه سو سیاست را تا بین

کند.

مکوت، مسکوت تن گردید، از فرط این خلود و مسکوت، جز آشوب ماهیان بحر و مداری برندگان دریایی بوضع شنیده میشد و دیگر هیچ صدایی نبود که این مسکوت را مراهم کردد.

آندو درین هنگام گویند به صلح آرامش

جاده ای اینکه آتش چنان هم روشنایی و هم

صلح و آرامش برقرار بود، در زمین و در آسمان... بالاین مسکوت هولکای کوچک

هم سکوت کرد چون او هم صلح را دوست

داشت، آری انسان های با عاطقه و حساس هم

صلح را دوست دارند... و صلح و آرامش

آورده خوشبختی های برازی بشریت است.

هوا تاریک و تاریکتر شده میرفت، شب

از زاده رسیده بود... از دور ستارگان دور دل آسمان شفاف چشمک میزدند. پسر ک حساس

که همه چیز را از الفاظ موقن و نگاه های پر مفهوم کاکاو تازه آشناش را درک کرده

بود، زیرا ب زمزمه مرداد:

- صلح، صلح... چه کلمه خوشایند و مقولی! بایستی انسان ها را دوست داشت.

بایست انسان های خوب، تامین کننده صلح و آورده خوشبختی و در فرجام همه موجودات

نافع را دوست داشت.

و در نهایت برای هولکا یک چیز روشن شده بود، آن اینکه بیوت نمیخواست از

ستگدل کار بکرده، اگر او فقط باین فروختن

باروت اکتفاء میکرده، برای اینبود که آزو-

لداشت بخاطر مرگ من و مصروفت یک پسر

دارند ذخایر هرمی های ذریعه را افزایش داده بیرونی فرسایه بحری را در نهاد ایجاد یک کار اندخته و همراهی های با لستیک و میدان شش فرقه نشمن را در عملیات چنگی نهاد افرینا وارو با ناخن چنگ شکست داد.

پیروزی چنگی اتحاد شوروی بیرون می شود و متوجه حل برایلم های باده و انسانی سو سیاستی ایجاد می شود و میباشد سا خنثان جامعه نوین می باشد و دولت شوروی یک دولت طر اند نوین می باشد تهداب اجتماعی آن را اتحاد نا گسترش طبقه کارگر بادهاین، متورین و انسان مسلکی تشکیل میدهد که ابته در را آن نش طبقه کارگر عدد است. چنان وحدتی در آن حکمرانی می باشد که در چنگی کو شد ظرف فیت دفای خود و نیروی مسلح وجود نداشد. لیو نید پریزوف طی سخنرانی دریک گرد هم آیی انتخاباتی در خود راه باونم مسکو بنا ریخت بیست و دو فیروزی ۱۹۸۰ در زمینه چنین گفت « یکتا رچه کی و وحدت جامعه سو سیاستی نژاد بی نظری سو سیاستی لیزم را تشکیل میدهد که نیروی گرانبه و شکست نایدیر می است دشمنان می باشندیست در سهای تاریخ را بیان داشته باشد بگذار این دشمنان بدانند که وحدت خلق های شوروی مطیع توافق خاص در هنگام تهدید است».

ایجاد سیاستی مترقبی و شرایط مطلوب برای بیشتر فت قاطع جنبش از این بخش ملی و زوال سیاستی استعما ری امپریالیزم یک روند مهم پیروزی شوروی و چنگ و میمعی انلایر آن در خدمت چنگ و سایلان اول بعد از چنگ به شمار می آید. تحویلات شده که در عصف بندی نیرو های جهان به آن خیلی ها حظ میبرد. اکار جهان اولیه از جهان دیگران بود، پسرک با تعجب میگیرد که بمحض افتیدن علف های خشکیده روی آتش موجی از آتش به بالا میروند و میس این موج دو باره فروکش مینماید.

«بیوت» و «تلیانیکوف» دیگر مرزی میان خویش نمیدیدند، آندو مصروف خوردند شوربایی ماهی گردیدند، و سخنران شالی ادبی کردند، از هر طرف سخن زدند... از غله برداشیزه و شکست نشکن هتلری ها.

«تلیانیکوف» از بیوت پرسید: « راستی تو در در دروران چنگ بافایشیزه در کجا بودی؟

- در جهجه... من من مسدسته تروی کارگران

بودم، من در چنگ نش از زندگ داشتم.

- یقینا غلبه بر دشمن و پیروزی بافایشیزه برای هر قدمیین مایک اندخراست، اندخراست که همه بدان می بالند حتی آیندگان.

لخت هردو دوست تازه آشنا مسکوت کردند. حاملات گذشتند و لذت لحظات

پیروزی های یکار دیگر دو وجود بیوت زندگ کردند.

است واطراف این کشور های را با زنجیر سد های یکا نظایری می باشد و بحری حلقه

گرده اند که با این عمل شان تپ و تلاش

## عشق به افسان

«هولکا» بسان سایر کودکان سوالان در مورد چکوکنی ترکیب و تکیه آتش. در مورد اینکه آتش چنان هم روشنایی و هم حرارت تو لید میدارد... در مخلسه اش چنان میگردد فت پسرک شاهه های خشکیده را به آتش می انداخت، از سوختن آن خیلی ها حظ میبرد. اکار جهان اولیه از جهان دیگران بود، پسرک با تعجب میگیرد که بمحض افتیدن علف های خشکیده روی آتش موجی از آتش به بالا میروند و میس این موج دو باره فروکش مینماید.

کشورهای سو سیاستی می باشندیست خواهی و همیستگی افتر نایمی نایمی شان برای صلح و ترقی کنار بیاند.

با آنهم قوای ار نجا عن امپریالیز

نه خواهد ما رش عینی تاریخ را مدنظر بگیرد و تلاش دارد همیستگی تاریخ را بسیر ترا

عقاب بر گر دالد امپریالیز

ایلات متحد و کشورهای اروپای غربی

دست بدست هم داده بالا نظایری ترازیزی

را بوجود آورده اند که بیشتر متو جه شوروی و کشورهای دیگر بالا سویا میباشد

است واطراف این کشورهای را با زنجیر سد های یکا نظایری می باشد و بحری حلقه

گرده اند که با این عمل شان تپ و تلاش

## توای دریا

توای آمو!

توای جوشنده بهر خلق ز حستکش

توای غرند و رستاخیز توپانی

توای سوزنده غم ها

تویی منزل که شوریده فرنها

نوئی آرام گسته روح نساط ما

ترا داند مرز خوشدنی های زمان ما

ترا گویند رمز یکدلیاند میان ما

که از هر قطرا اشک

خوشد مهر انسانی

و رویید تغم همکاری

میان خلق ما و پیشدورا ها

صلای دوستی تو،

رود تاکپکسان، تامتری، تاخانه الوار

اگر در سطح آرام

ولی در عمق پر از موج ها

جو میازم ای گنج گهر خیز زلال ما

جو میگویم ای آمو!

جو میمال ای دریا.

## چه کردند؟

خفا شانیکه خون خلق خوردند  
بجزاز نام زشت با خود چه برندند؟  
سیه روی و ذلیل و سر نکون باد  
جله دانیکه هردم را فردند  
هزاران لعنت و نفرین برایشان  
که دمت باشمن میین فردند  
چان بیرو چوان بیکناه را  
بظاک تیره با هرمان سیر دند  
عدالت را یکی بسامال کردند  
روزالت را فر و خدمت شمردند  
شفق و اخون دل گردند باخون  
شیدا نیکه بسر ناحق بردند

شعر از: میر حبیب الله «شفق»

## میان نوشه های شما

## بر گزیده هایی از

از خوار هنریف

از مرحبا ناصر «نهیب»

## سیر بهاران

شیب بود سرد و خاموش ...  
سرا یا خوف و وحشت!  
به هنگام نیمه شب  
از زرفنای خیره گشای دلکش،  
از اعمق ظلمت و سکوت،  
قابلان تنگ دار غدارانه وی میان!  
بر قا میل بر گشای هش خون زدان ...  
فریاد جانموز تن غمگزار مادری پیجید  
ناله شب گیر قلب محزون خواهی سوت،  
 توفان اشک چشم کودک پوسید،  
و در میان دشت و خشونت!  
چوان نیرومندی را:  
از بستر گرم خواب  
از آغوش بر مهر مادر مستعدیده ای  
از خر من محبت خواهیزی  
از افت مخصوصانه کودکی  
قرنایی درازی شب میاه کردند!  
جو ان لب به اعتراف لکشود ...  
مرگ شرافتداه، افتخار جلوید نصیب شد.  
قلعه جدید - زنان دهزدگ

بر رسیم از مغان بهاران کند شار  
در پای آشیار!  
با شوق و افتخار!

وین ابر های ندو گهر بیزو فیض بخش  
از جلوه های عشق و نساط حیات ساز

مارا بزم کارو عمل سازد آشنا  
از زندگ سهیم کار!  
به عمران این دلار!

مسرور بنش زمرة دهقان رنجبر  
هستی روان تو بزرگ شادان بسوی کار  
سامان بندو کار شاید نهیں ذکر  
بسن کون کمر!

از سازمان سبزه و گل جوش خرم  
بالد به کوهسار بوصفت دیار بزم  
وارسته طلهای طبیعت ز خشم دنی  
سرشار و شاد خوار!  
در منتهی بهار!

رخنده اختران فلکه از شامگاه  
در هر کنار پنهانی آبی و نیمنگت  
با جست و خیز صحنی زربن آفتاب

خیزد فرا سحاب!  
با طرفه آب و تاب!

لطف زمان ملای شگوفای سیگون  
در پیشگاه حسن دلارای لاهه زار

هستی رویان تو بزرگ شادان بسوی کار  
سامان بندو کار شاید نهیں ذکر  
بسن کون کمر!  
به محصول بیشتر!

# از آفرینندگی و خلاقیت قادنبال

## روی وبی هدفی • • •

کشانده ای - خوب مشخص تر انتقادات را می  
ساز که بیشتر چه جوابی به آن دارم .  
- به عنوان مثال در صحنه‌ی از فلم  
غلام عشق، که گناه کارگردانی آن هم بگزین  
خود است هیرو و هیروین فلم را می بینیم

که در گنار چوی بزرگویا روید که در سری  
بری جریان دارد مشغول صحبت هستند آنها  
دیا لوک ها چنان دو گوش هم فریاد می‌زنند  
انکار در گنار آیشور نیا کارا قرار دارند و  
حالیکه جریان آب آخته است و صدای آن

هیچ مرا حمته را در کفت و گوی آنها ایجاد  
نمی‌تواند این یکن در مورد صدا برداری نمایم  
دیگر را از همین فلم در زمینه ادبی «بیوند»

ذکر می‌کنم سلام که با صحت کشته شدن مادر  
مواجه گردید، باعجله نزد پدرش در زمینه‌ی  
زراعتی هیرو و واورا از جریان می‌آگاهاند بعد از  
این شات هیچ شادیگری وجود ندارد که خاطره

بالغش بک برای پدر تداعی گردد و تعاسای  
در جریان اندیشه اودر شناسایی قاتل  
قرار داده شود دیا لوک هم کمک نمی‌کند  
در حالیکه بلا فاصله پدر غلام را زیر چوب

او باب یعنی قاتل مادر غلام می‌بینیم که برای  
اشاء نشدن موضوعی دانیز در زیر چوب به  
قتل میرساند. با این شات های گنگ بینند

چطور بفهمد که پدر غلام با خاطره های که داشت  
است قاتل را نداخته، نزد او رفته و بالآخره  
نیز همین موضوع انگیزه قتل وی شده است.

- این معایب قابل دفاع نیست، اما گناه  
آنرا باید باز هم به کمی و سایل فنی حواه  
کنید - ماناکنون و سایل صدا برداری مجبز

برای فلم های هنری نداریم و آنچه در افغان  
film داریم به شمول و سایل دیگر مانند و سایل  
ادبی و لایرانیار هم برای فلم های کوتاه‌من

می‌باشد، این است که گاهی در صدا برداری  
فلم ها نواقص از نوعی که شما باد گردیدید  
فیلم از همیگردد و گرنه حداقل بعذار دیدن

می‌باشد. - باید و سایل اطلاعاتی کافی در  
فیلم از همیگردد و گرنه حداقل بعذار دیدن

می‌باشد. - باید و سایل اطلاعاتی کافی در  
فیلم از همیگردد و گرنه حداقل بعذار دیدن

دقت کافی در بیوند فلم و سایل لایرانیار  
داشته باشیم هر چند چنین اشتبا ها تی کم  
اتفاق می‌افتد که شاعر مرض انتقاد دارد و گرنه

فقط انکشست روی نارسای ها می‌گذارد و بس .  
سازانه تصاویر در حالت کلوپاپ «درست نهاده

در ناکید سینما گروی خصوصیات عاطفی

بسته خود را درین واقعیت های حاکم بر زندگی  
اجتماعی خود نگه دارد سازسوزی دیگر این گونه

برداشت ها جلوگیر خلاقیت ها و آفرینش های  
هنری می‌شود که شما بیشتر از آن باد کردید.  
چرا چنین می‌کنید . چه احتیاجی دارید که

روگردان ابتدال های سینمایی دیگران را به خود  
مردم خود دهید ؟  
درین زمینه من هم نظر شما نمی‌باشم -

مادر پرداخت های سینمایی خود الهام گرفته ایم  
اما کاین تکرده ایم - بهترین مشاهد این ادعا  
درین زمینه تو شه «لایل برسون» منتقد

شناخته شده جهانی دیگری از نشریه های برتر از  
خارجی است که می‌نگارد «سینمای نویسی

افغانستان کمتر از کاین کاین برایم می‌کنند .  
- بآن هم من تأکید می‌کنم که ممکن است

آقای لایل برسون فرصت نیافرته باشد که به  
صورت مقایسوی مروودی بر فلم های افغانی  
و هندی و ایرانی بکند و متوجه برداشت های

شان از همیگردد و گرنه حداقل بعذار دیدن  
تافلم های خوب را بینند و تجربه های شان  
چگونه زمینه سازی ها، حادته بروزی ها،

افزونی می‌گیرد - باید و سایل اطلاعاتی کافی در  
اختیار داشته باشد تایشتر بخواهد و بیشتر  
بدانند - باید در گفتگوی این های سینمایی های

سینمایی که در سطح جهانی برگزار می‌گردند .  
العقاد می‌باشد شرکت جویند تاباژی فکری شان  
بیشتر گردد با چنین زمینه سازی هایی، البته

نوافض که تو یا دارم از آن می‌باشد  
می‌گیرد به آشکار رفع گردد .

موضع دیگری که می‌خواهیم بیارمون آن  
باشما بعث کنم این است که سینمای های

• چرا نتوا نستیم در سینمای ملی خود تیپ آفرینش داشته باشیم .

• • •

• سینمای ملّاقد حتی یکنفر سیناریو و فلمنه نویس حرفی است .

• • •

• چرا سینما گران ما دنبال روروش های ارائه تجاری سینما  
هند و ایران هستند ؟

• وسائل فنی سینمایی افغانستان برای تبیه فلم‌های هنری بدرد برو-

دیوسهای کوتاه مدت خبری می‌خورد .

• • •

سما در سینمای معاصر این دایر کتر است

که می‌سازد بیشتر کارگردانان امروز چهاره

های مورد نظر خود را از کوچه و بازار انتخاب

می‌کنند و با تشخیص خصوبت های آنها تیپ

مورد نظر خود را به وسیله شان می‌برورانند

با این طرز فکر مساله کمیود بازیکن حرفه

وی خود بخود رد می‌گردد .

شیوه که توازن آن باد گردی مورد علاقه

فراوان خودم هم هست ، اما دایر کتری که

چهاره مورد نیاز خود را با توجه به خصوصیت

های تیپ که می‌خواهد ارائه دهد از میان مردم

بر می‌گزیند برای هر یک از لحظات فلم خود

هم مدت کار می‌کنند و برای تبت آن «تک» های

فراوان می‌گیرد تایکی را از آن میان برگزینند

و این کار هم بول فراوان می‌خواهد و هم امکانات

فنی مساعد که هم آنرا نمایم - مثل که خیلی

جیزهای دیگر را که نیاز داریم ، نمایم

هاتا کنون فاقدیک سیناریو خوب ویا فلمنه

نویس خوب هستیم و سایل کافی ادبی «بیوند»

ندایم استودیو های مجهز نمایم و ساحه این

این نمایم ها آنقدر وسیع است که مجال اراده

این دنبال روی سینما گرمای را و اینداده تاجیم



از سوی دیگر مساله رفاقت گشوارهای  
تولید گشته فرا آورده عای سینمایی در سطح  
جبانی مطرح است، گشواری که فلم تپه  
میکند ناگزیر است برای آن بازار یابی گشته  
و وقتی بازاری دایرای فروش بدست آورده  
آنرا آسان از دست نمهد. اکنون سال هاست  
که گشوارهای بازار فروش فلم های سیجار ترسی  
هنر و ایران و فلم های دیگر در همین ردیف

پس رفع گردد و افقان فلم از امکانات پیشتر  
برای تپه عای هنری سینمایی برخودار شود،  
است و تولید گشته گان همین فلم های هستند که  
با تمام قوامی گشته از بیان استاده شدن سینمای  
فرصه های بالکنی برای سینماگران باید افزایش  
افغانستان چلو گیری گشته آنها برای ناکام  
ساختن فعالیت های تولیدی در گشوارهای ناشیه  
داده شود و تکت پولی آن به منظور شد  
انکشاف سینما تقلیل یابد، مواد خام تورید  
شده یا کلا از محصول معاف گردیده باشد  
تغییلی برای آن در نظر گرفته شود.  
در افغانستان تبلیغات سوء و چارو چنجال بای  
فیضی سینما یالین اورده شود و برای  
فروش فلم های تولید شده در گشوارهای  
سازند - هائین کارهای سینما را می خرد  
و ادار شان می سازند که خط موند فلم داسوزن  
و کارهای دیگری در همین ردیف که تاکنون به  
کاری گشته، برای تکت فروشان  
پول میدهند تا به تعاملاتی خریدار تکت بتویند عیج وجه عملی نشانه است.  
که:

برای بودن تپه گشته گشته گان فلم های هنری با  
دیدن فلم منحرش بسازند و خیلی کارهای  
میکنم سینمای تولیدی هایه دلایل گوناگونی  
میگزند این این فیلم.

به همین دلایل است فلم های تولید شده در  
بیتوان در شمار آن یاد گردید به یعنیه وسیع  
گشوارهای هیچ یک حق فروشی که بتواند  
بدنام شده و اکنون گستر خانواده بیهوده خود  
اجازه میدهد به اعضا خانیلی اجازه شرکت  
دریک فلم هنری را دهد، برای رفع این  
تسخیری نخست باید سینما از چهره های  
ناهنجاری های بسیار کوچک و بیولوژیک میگوشتند  
نهایتی بود از دید گاهی ای اخلاقی یا اکسازی گردد  
نادیده شدند این نیست مواردی هست که جزو  
عنتورم این نیست مواردی هست که جزو  
اسرار به شمار میاید سهای هم اگر این میگزند  
برسید تیراز زوندون چند است ممکن است  
یکیم بیست هزار در حالیکه دلم واقعی تیراز  
احتمالا ممکن است خیلی کمتر از عدد ذکر شده  
تعدادی از دوستداران سینما باسر مایه  
پاشند.

سینمای های تاکنون بروزیوس گردید از  
نخست عاید چطور بوده است؟  
بسیار ناجیز، تاحدی که همین موقع نشانیم  
دوام میدهد.  
خلی از دور، تاکنون چقدر است؟  
صرف فلم رانیز عاید کنیم؟  
عدم دغیت شما به نهای درست تصویری  
را دشمن گلزار میگویند، چرا چنین، و دلیل  
همه افغانیان این را درست تصویری  
میگردند بیش از یافزدگان و گاه بیشتر  
که تولید میگردند میگویند، اما باصدافت میگویند  
که پر تیراز ترین مجده گشوارهای از بیست  
عام «واردی که ایجاد میگردند تاکنون شادوی  
سخوب سوالات را طرح کن سینکوشم باشید»  
ویانا شاد و لذیق تر تصویر آنرا در حالت  
گلزار قالب میگشند، اما شما در فلم های  
فلم های تاکنون بروزیوس گردید از  
نخست عاید چطور بوده است؟  
بسیار ناجیز، تاحدی که همین موقع نشانیم  
دوام میدهد.

اجازه بدید صحبت امروز را در همین  
چایان دهم تاکلم «جنایتکاران» شعبه اکران  
آید، آنرا به تقد آوردم و احیاناً باشما بیز  
صحبت دیگری به صورت اختصاصی درباره این  
فلم داشته باشیم فعلاً بالتقديم سیاس از جانب  
زوندون الله یار میگوییم و به امید دیدار.

نفس باید قوی و از موده باشد سد نفس خود  
و در تما م لحظات بازی این حکمیت داشته باشد  
تابتواند تاکنون را در همین چهار خود انعکاس  
دهد - من غالباً در صورتی از دادن نهادهای  
درست تصویری چهاره دوری گزیده ام که هوق

نیم حالت های در چهاره باز یکنای نفس ها  
ایجاد کنم و اکنون همایش همین مشی پیروی  
میگنم خواه مرادوست کلو زاب بخوانید و با  
دسمن آن.

به اجازه سها کمی هم روی مسائل بولی  
و نیازاری تولیدات سینمایی صحبت کنیم؟

یافر ماید!

حسنه یددر این زمینه بدون حاشیه دزدی  
دیگر صفات صحبت کنید؟

میگزند تاکنون صفات کلام نداشتند ام

منظورم این نیست مواردی هست که جزو  
اسرار به شمار میاید سهای هم اگر این میگزند  
برسید تیراز زوندون چند است ممکن است  
یکیم بیست هزار در حالیکه دلم واقعی تیراز  
احتمالا ممکن است خیلی کمتر از عدد ذکر شده  
تعدادی از دوستداران سینما باسر مایه  
پاشند.

سینمای های تاکنون بروزیوس گردید از  
نخست عاید چطور بوده است؟  
بسیار ناجیز، تاحدی که همین موقع نشانیم  
دوام میدهد.

نخست عاید چطور بوده است؟  
صرف فلم رانیز عاید کنیم؟  
عدم دغیت شما به نهای درست تصویری

را دشمن گلزار میگویند، چرا چنین، و دلیل  
همه افغانیان این را درست تصویری

میگردند بیش از یافزدگان و گاه بیشتر  
که تولید میگردند میگویند، اما باصدافت میگویند  
که پر تیراز ترین مجده گشوارهای از بیست

عام «واردی که ایجاد میگردند تاکنون شادوی  
سخوب سوالات را طرح کن سینکوشم باشید»

ویانا شاد و لذیق تر تصویر آنرا در حالت  
گلزار قالب میگشند، اما شما در فلم های

فلم های تاکنون بروزیوس گردید از  
نخست عاید چطور بوده است؟  
بسیار ناجیز، تاحدی که همین موقع نشانیم  
دوام میدهد.

اجازه بدید صحبت امروز را در همین  
چایان دهم تاکلم «جنایتکاران» شعبه اکران  
آید، آنرا به تقد آوردم و احیاناً باشما بیز

صحبت دیگری به صورت اختصاصی درباره این  
فلم داشته باشیم فعلاً بالتقديم سیاس از جانب

زوندون الله یار میگوییم و به امید دیدار.

اجازه بدید صحبت امروز را در همین  
چایان دهم تاکلم «جنایتکاران» شعبه اکران

آید، آنرا به تقد آوردم و احیاناً باشما بیز

صحبت دیگری به صورت اختصاصی درباره این  
فلم داشته باشیم فعلاً بالتقديم سیاس از جانب

زوندون الله یار میگوییم و به امید دیدار.

گوئنده برای ارائه تصاویر درست باز یکسر

# جواب به طامنهای شما

نگران نشده بیایید قدم بزینیده یا تو  
متعال و قادر بی نیاز از آن روز بترمیم  
قدم زدن بالای زمین نیز قیمت پیدا کرد  
دست عزیز محمد عثمان معلم‌پسر

با سلام عرض شود که پارچه شعر د  
ای وطنه ی شما نواقص پسیاری دارد  
یک آن همان است که در بالا از دیر  
من حاک بازیان شکسته و بسته‌افوری فرمود  
زند قیله زند پدیدست هر کسی

یاران حذرکنید زند مقاله زند  
و فعلاً یاران حذرکنید زند شعر زند که  
و شاهد آن صفحه کلیه سرت است

شعر شما از آنجا پسیار آب خورد و بیز  
یافته است. خدا حافظ

دست عزیز سعیده عالمی وزیر ا

عالی از لیسه جهان ملکی ولایت خوزی  
معطاب ارسالی شما رسید و آنرا سپاه

به متعدد صفحه مسابقات و سر کریمه  
تر تیپ اثربعد وبالآخر شکایت نان ک

نگاشته اید «دست عزیز متعدد صفحه  
سر کریمه، کله داریم، که چرا جدول

ماراکه از مدت دو سال به اینظر پیش از باز

جدول ارسال کرده ایم فقط دو جدول آ  
چاب شده است ویس. خواهش میکنیم

شرب المثل هزارنه که دیگر زده هم به وارد  
دامد این گرفته و در چایش اقدام نماییم

اگر لیاقت چاب را نداشت به ما پنگیم  
در طرح دیگر جداول سعی نمایم.

ماهم همچون شما همین حرفها را یافته  
صفحه مسابقات و سر کریمه گفتیم وات

داریم که یاسخ شمارا تبیه بدارد و چرا

لذت نکشیده است.

والسلام

یادونه

دزوندون مجلی دنیه کلیه پهلویم د  
گی د. ا. خ. د. د. د. د. د. د. د. د. د. د.

د. د. د. د. د. د. د. د. د. د. د. د. د.  
برک کارمل دوست ددوم ستون ددبارل

گوشی خخه و روسته دی دغه‌جمله زیانه د  
دست قدرت به واسطه و تکوکش اوله مبنی

لارده‌خشحالی ... هیله‌ده جی گران‌لوستون  
یدی هکله زهون مادرت وعنه.

مدیر هسوبول: راحله راسخ خرم  
معاون: محمد زمان نیکرای

آمر چاب: علی محمد عثمان زاده  
آدرس: انصاری وات - جوار

ریاست مطابع دولتی  
تلفون مدیر هسوبول: ۲۶۸۴۹

تلفون توزیع وشکایات: ۳۶۸۵۹

خراب کرده واز خست وکل آن دو بساره  
هان دیوار را باکمال بی هنر آباد میکند.  
درین صورت علاوه از اینکه چیزی بر دیوار  
لیغزوده، به بافت و نقشای هنر آن نیز  
صدمه زده است.

جواب نویس نامه های چه عرض کند به توای  
اوری، پیکدار تا دیگران از دستبرد قلم‌حرب  
بزند و لشنت رسوبی دزدان اد بی هر چه  
محکم ویر صدای از فراز بامها به زمین  
کوبیده شود و نقاب از رخ بی رخ سارقان ادین  
برآند.

کتاب غالمه به من قلم  
دزدی بی تیر و کمان میکند

دست عزیز علی آقا همدد از سرک دوم  
شاه شید!

خوشحالیم که به مجله زوندون علاقمندید.  
از شرحت حال سیاه موی جلالی که اندک بود  
و مختصر گذشتیم واینک چند دویست ارسالی  
شما که در کاغذ شنک نکاشت بودید:  
اگر از در ذلی از بام آیم

اگر هر صبح ذنی هرشام آیم

دویام رایری گر تا به زانو

به سینه گر نایام بیوفایم

چرا ای دست عزیز، از در بزند و باز پر

هر صبح مورد ل و کوب گردی و سر انجام

چرا دویام را آن یار نامه‌یان خدا ناخواسته

قطع کند که چون موسماز به سینه بیش روی

و با ریختن اشک تماس کوئه بی اورا ...

خدانکند.

هه قربان همچو چمن: مت

لکش سگرت میان هر دو دست

لکش سگرت که رسی عاشق نیست

هه قربان دل عاشق پرست

مکر با انکشان پای سگرت میکند که

رسم عاشق پاشد و ترا یمند آید ...

دلم شرق خون است باکی گویم

نم از حد فزون است باکی گویم

عزیزان این دل شوریده من

شود و روزگر خون است باکی گویم

بدلدار محبو و معنو خود بکوبید که پیار دل

را نماید ...

دست عزیز، دویسی های را که من گزینید،

کوشش به خرج دید که درست و کامل و

صحیح و تمام تکرید و اضافه برآن نهاد

بیتی های بی قراری دل را در دل نهاده

و بما نفرمیتد پنکه دویسی های که سوزه

اجتنابی و در بزندگی دارد به مایه‌ستید که

به نشر سیاریم در غیر ... خدا حافظ.

دست عزیز شمس الدین آرین از دواخانه

صالحی - ولایت هرات!

سلام میفرستیم و ماهم آرزو داریم که

همیشه دیوسته موفق و کامرو باشید. مطالع

ارسالی شمارا خواندیم واینک قسم از آن:

دو قطعه نوت هزاری و چند چک اینجات

که منفرد شده بود در یکش هرسه بیداشد،

بیخوده دنیاش تکریده.

شما خود، بیخود خانم عزیز تانرا جسور

ندیده و مب آزادش تکریده. از خیال پل

بی گوشت نیز بگذردید که نه نوت هزاری

افقانی داشتید و نه چک چند میلیون و که کسی

به چستجوی آن بود.

هزمن مرغوب در بیشترین تقاضا هر ران

باقیت مناسب برای قسم زدن شا آمده است،

سلام به خوانندگان و همکاران عزیز! جمعیت را دیدم که پیور مردگی گرد آمد،  
و او هم باکمال حرارت، با صدای بلند شعر  
میخواهد. چون خودم شاعر بودم، علاقمند  
بشنیدن شدم، اما زود دریافت شعر های  
که این مرد میخواهد، از من است،  
برسیدم، برادر این شعری را که خواندی  
از کی بود؟ از کاری میکنید و دعا میکنید که این  
همکاری‌قلی از گزند باوران مصون بماند،  
اینک نمونه بی از اشعار تان:

گل نرگس شکوفه بیاز کرده  
بیادش لفه ببل ساز کرده  
چو با چشم دلدار شبیه است،  
هر یا بلبان همسر از کرده

لکارم رفت و اشعادم بدستش  
گل نرگس خسرو بدستش  
دور از چشم دلدار میست و دلفریش  
تو گزیب چشم دلدار بدستش

خوب است که چشم دلدار تان شبیه نرگس  
است و گزنه شما کجا و ببل هزار داستان  
کجا، چه کاری شد که دلدار شما اشعادم را برد  
و به دلدار دیگری سیرد... خوشه داشته  
باشید مجله کار شیطان. است دلدار فقط

دل دار است و راز دار... خدایار تان ...  
دست عزیز عبدالغفار یوسفی مامور اداری  
هدایت تعلیم و تربیه ولایت فراه!

عرض ارادت میکنیم ولی رامش «قبلا  
در هر جاییکه باشیم یک بوده ایم» بوده‌ایم.  
شاید منظور تان قلبا بوده باشد که سکه

قلب است و راست اش چه است و درستش  
را از چشم میزند. همینطور گاهی میشون  
که حق میشون چتل نویس دیگری را از

روی میز بزندارند و آنرا در جای دیگر بنام  
خود نش میکنند و گاهی نیز دیده شده که  
داستان را از زبان دری وایس به زبان دری  
ترجمه کرده اند که این یک شاهکار است

بالا از اوری دزدی.

دست عزیز محمد نوروز سلطانی معلم  
مکب سعدالدین الصاری!

دوق و شوق تان را میکاریم و از  
اینکه شعر «بینق» سروده طبع شما از چاب  
با زمانه معدود میخواهیم. مشهور میدهیم  
که شعر بسیار بخواهید نا پیشتر بخیمید یه  
دز و دوز شعر کویی. موفق باشید.

دست عزیز اوری شاعر معروف!

نامه‌ی شایه اداره رسید و از اینکه روح  
شاد آرامگاه ایدی هم آرام نیست متأسفیم  
و جزئی اعتراف و شکایت شماجه میتوانیم  
که شد که شمارا خوش آید و بندگان خدرا نا  
خوش اند.

نامه‌ای از اوری شاعر خراسان:

شعر دزدی و شاعر دزدی:





شماره ۳ جوزا ۱۳۵۹

۲۶ می ۱۹۸۰

شماره نهم  
سال سی و دوم

پیغمبرت کیشماره ۳ افغانی

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**